

بسم الله الرحمن الرحيم



سرشناسه: عبدالملکی، کریم، ۱۳۶۳- | عنوان و نام پدیدآور: مهارت مدیحه‌سرایی(ویژه فرهنگیاران)/ نویسنده کریم عبدالملکی ؛ ناظر علمی روح‌الله عباس‌زاده ؛ تهیه کننده پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع). | مشخصات نشر: قم: انتشارات زمزم هدایت، ۱۴۰۲. | مشخصات ظاهری: ۲۰۴ ص؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م. | شابک: 978-964-246-923-9 | وضعیت فهرست نویسی: فیپا | یادداشت: کتابنامه: ص ۱۹۹-۲۰۴؛ همچنین به صورت زیر نویس. | موضوع: مدیحه و مدیحه‌سرایی اهل بیت(ع) -- راهنمای آموزشی * Laudatory poetry of Ahli-beyt -- Study and teaching | شناسه افزوده: عباس‌زاده، روح‌الله، ۱۳۶۰ - | شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام‌صادق(ع) | شناسه افزوده: Imam Sadiq Research Institute for Islamic Sciences | شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع). انتشارات زمزم هدایت | شناسه افزوده: Imam Sadiq Research Institute of Islamic Sciences. Zamzam -e Hedayat Publications | رده بندی کنگره: BP۳۶۱/۸ | رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۵۷ | شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۲۳۴۶۹

مهارت مدیحه‌سرایی (ویژه فرهنگیاران)

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام



مهارت مدیحه‌سرایی (ویژه فرهنگیاران)

تهیه‌کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

نویسنده:	کریم عبدالملکی
ناظر علمی:	روح‌الله عباس‌زاده
ناظر نهایی:	حمید نگارش
ویراستار:	مسلم شوبکلائی
سر ویراستار:	حسین قاسم‌حمزه
واپایش نهایی:	عبدالرحمن حیاتی اصل

ناشر:	زمزم هدایت
صفحه‌آرا:	مسلم خسروی
طراح جلد:	؟؟؟
ناظر چاپ:	ابراهیم اسماعیل‌زاده

چاپ:	مرکز چاپ
قطع:	رقعی
نوبت:	اول / ۱۴۰۲
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۹۲۳-۹
شمارگان:	۲۰۰

آدرس: قم، بلوار شهید محلاتی (ع)، جنب پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)
تلفن: ۳۷۷۳۰۷۳۵ - ۰۲۵ / همراه: ۰۹۱۲ ۲۵۳ ۲۸۸۷

حقوق مادی و معنوی چاپ و نشر
برای انتشارات زمزم هدایت محفوظ است.



فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۱
مقدمه.....	۱۵
درس اول: جایگاه و اهمیت مداح و مداحی	۱۷
۱-۱. اهمیت مداح و مداحی.....	۱۸
۲-۱. تعریف مداحی.....	۱۹
۳-۱. رسالت مداح.....	۲۰
۱-۳-۱. تعظیم شعائر الهی.....	۲۰
۲-۳-۱. عمل به سنت نبوی و سیره معصومین (ع).....	۲۱
۳-۳-۱. احیای امر به معروف و نهی از منکر.....	۲۵
۴-۱. بصیرت مداح.....	۲۶
۵-۱. پیوند با اهل بیت (ع).....	۲۹
۶-۱. بایدها و نبایدهای مداحی.....	۳۰
۱-۶-۱. بایدهای مداح و مداحی.....	۳۰

۳۵	۱-۶-۲. نبایدهای مداح و مداحی
۴۳	درس دوم: اخلاق مداحی
۴۴	۱-۲. منظور از اخلاق مداحی
۴۵	۲-۲. اخلاق فردی مداح
۴۵	۱-۲-۲. معرفت به امام علیه السلام
۴۷	۲-۲-۲. اخلاص
۴۸	۳-۲-۲. تقوا
۴۸	۴-۲-۲. ادب
۵۰	۵-۲-۲. صبر
۵۱	۳-۲. اخلاق اجتماعی مداح
۵۱	۱-۳-۲. حسن خلق
۵۳	۲-۳-۲. وفای به عهد
۵۴	۳-۳-۲. راستگویی
۵۴	۴-۳-۲. تواضع
۵۵	۵-۳-۲. روحیه انتقادپذیری
۵۶	۶-۳-۲. مردم‌شناسی
۵۸	درس سوم: پیشینه تاریخی مداحی
۵۹	۱-۳. پیشینه مداحی
۵۹	۱-۱-۳. مداحی و سوگواری میان اهل بیت علیهم السلام
۶۴	۲-۱-۳. مداحی و سوگواری میان شیعیان
۶۵	۲-۳. دوره‌های شکل‌گیری و برگزاری مداحی

۶۶	۱-۲-۳. عزاداری‌های نخستین
۶۸	۲-۲-۳. فعلیت و عینیت یافتن عزاداری‌ها
۶۹	۳-۲-۳. عزاداری‌های آشکار در عصر آل بویه
۷۲	۴-۲-۳. توسعه شکلی عزاداری‌ها
۷۹	درس چهارم: شعرشناسی
۸۰	۱-۴. شعر و قالب‌های شعری
۸۰	۱-۱-۴. تعریف شعر (نظم)
۸۱	۲-۱-۴. اصطلاحات کاربردی در شعر
۸۲	۳-۱-۴. قالب‌های شعری
۸۷	۴-۱-۴. معیارهای شعر خوب
۸۸	۵-۱-۴. ویژگی‌های شعر منتخب برای مجالس اهل بیت (ع)
۸۸	۶-۱-۴. منابع شعری
۸۹	۷-۱-۴. حفظ شعر
۹۴	درس پنجم: مقتلشناسی (۱)
۹۵	۱-۵. تاریخ‌شناسی
۹۵	۲-۵. سیر تاریخ‌نگاری شیعه
۹۵	۱-۲-۵. مقتل
۹۶	۲-۲-۵. مقتل‌نگاری
۹۷	۳-۲-۵. گونه‌شناسی کتب مقاتل
۱۰۹	۴-۲-۵. انواع استفاده از مقتل
۱۱۵	درس ششم: مقتلشناسی (۲)

۱-۶. ضرورت یادگیری احکام در برپایی مجالس عزاداری	۱۱۶
۲-۶. احکام عزاداری اهل بیت (علیهم‌السلام)	۱۱۸
۱-۲-۶. احکام عمومی	۱۱۸
۲-۲-۶. احکام اختصاصی	۱۲۴
درس هفتم: صداشناسی و صداسازی	۱۴۳
۱-۷. صوت	۱۴۴
۲-۷. صداشناسی	۱۴۴
۳-۷. مراحل صداسازی	۱۴۵
۱-۳-۷. تشخیص صدا	۱۴۵
۲-۳-۷. خروج صدا از مخرج اصلی	۱۴۶
۳-۳-۷. گام‌های صوتی	۱۴۶
۴-۷. عوامل مؤثر در ارتقای کیفیت صدا	۱۴۷
۱-۴-۷. تنفس صحیح	۱۴۷
۲-۴-۷. حنجره	۱۴۹
۳-۴-۷. استراحت	۱۵۰
۵-۷. تغذیه و صداسازی	۱۵۰
۱-۵-۷. مواد غذایی مفید	۱۵۱
۲-۵-۷. مواد غذایی مضر	۱۵۱
درس هشتم: سبک‌شناسی	۱۵۴
۱-۸. سبک	۱۵۵
۱-۱-۸. تعریف سبک	۱۵۵

۱۵۵	۸-۱-۲. انواع سبک.....
۱۵۶	۸-۱-۳. مراحل یادگیری سبک.....
۱۵۷	۸-۲. دستگاه‌ها و آوازا.....
۱۵۷	۸-۲-۱. دستگاه‌ها.....
۱۶۲	۸-۲-۲. آوازا.....
۱۶۴	۸-۳. مؤلفه‌های مؤثر در انتخاب سبک و محتوای مداحی.....
۱۶۹	درس نهم: یادداشت‌برداری (فیش‌نویسی).....
۱۷۰	۹-۱. یادداشت‌برداری.....
۱۷۰	۹-۲. مراحل نوشتن فیش مداحی.....
۱۷۰	۹-۲-۱. شناسنامه فیش.....
۱۷۱	۹-۲-۲. مقدمه.....
۱۷۲	۹-۲-۳. متن مرثیه.....
۱۷۳	۹-۲-۴. فرود و پایان.....
۱۷۴	۹-۲-۵. منابع و مآخذ.....
۱۷۴	۹-۳. اصول و نکات فیش‌برداری.....
۱۷۷	درس دهم: مدیریت اجرا در جلسه.....
۱۷۸	۱۰-۱. مهارت مدیریت اجرا.....
۱۷۸	۱۰-۲. پیش‌نیازهای مدیریت اجرا.....
۱۷۸	۱۰-۲-۱. تسلط علمی.....
۱۷۹	۱۰-۲-۲. تسلط محتوایی.....
۱۷۹	۱۰-۲-۳. فهم محتوا.....

- ۱۸۰ ۳-۱۰. مهارت‌های حین اجرا
- ۱۸۰ ۱-۳-۱۰. صحیح‌خوانی
- ۱۸۲ ۲-۳-۱۰. فن بیان
- ۱۸۳ ۳-۳-۱۰. زبان بدن
- ۱۸۴ ۴-۳-۱۰. مخاطب‌شناسی
- ۱۸۴ ۵-۳-۱۰. محیط‌شناسی
- ۱۸۵ ۶-۳-۱۰. زمان‌شناسی
- ۱۸۸ درس یازدهم: چیدمان جلسه
- ۱۸۹ ۱-۱۱. چیدمان جلسات
- ۱۸۹ ۱-۱-۱۱. چیدمان جلسات روضه‌خوانی و سینه‌زنی
- ۱۹۳ ۲-۱-۱۱. چیدمان جلسات مولودی
- ۱۹۴ ۳-۱-۱۱. جلسات مناجات و دعاخوانی
- ۱۹۹ کتابنامه

پیشگفتار

پویایی و پیشرفت روزافزون انقلاب اسلامی به سمت آرمان‌ها و اهداف والای خود هر روز ابعاد و اقتضائات جدیدی می‌یابد و سپاه پاسداران - به‌عنوان پاسدار این پدیده الهی و گوهر ارزشمند - را در موقعیتی متفاوت قرار می‌دهد. سیر انقلاب به سمت پیشرفت و بالندگی و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با بیانیه گام دوم انقلاب سرعت گرفته است.

مقام معظم رهبری دامنه‌ای از گام دوم انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی تعبیر کرده است؛ ایشان بر ورود نسل جدید در این فرایند بزرگ و جهانی در چهل‌ساله دوم انقلاب اسلامی تأکید دارد و جوانان را هسته اصلی تحقق خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی می‌داند.^۱

۱. بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲،

دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>

از سوی دیگر، زمینه‌سازی، برنامه‌ریزی و اقدام صحیح و نیز پیش‌بینی سیر تحولات آینده سپاه با اتکا بر حفظ شاکله فرهنگ ارزش‌محور است. تأکید و تصریح امامین انقلاب اسلامی بر اهمیت و جایگاه «فرهنگ»، به‌عنوان اساس و مبدأ همه تحولات، نشان از حرکت در مسیر رسالتی پایان‌ناپذیر دارد، که همه انبیای الهی و پیام‌آوران وحی خود را مکلف به تعمیق آن دانسته‌اند و همین مسیر را برای سعادت‌مندی بشر در آینده مطلوب به‌عنوان نقشه راه ترسیم کرده‌اند. معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه، برای فراهم ساختن سازوکارهای این رسالت عظیم به‌فراخور محیط، تخصص، تعهد و محتوای دینی و انقلابی، و با توجه به مناسبت‌های خاص فرهنگی و اجتماعی و ضرورت حفظ انگیزه‌های انقلابی و ارتقای سطح آمادگی روحی جامعه مخاطب، شبکه‌ای را با نام «شبکه فرهنگی‌اران» - مجموعه‌ای مرتبط، منسجم، منظم و هماهنگ از ترکیب هفت صنف نویسندگان، سخنرانان، هنرمندان، مداحان، شاعران، راویان و فعالان قرآنی - ایجاد کرده است، تا با مددگیری از تخصص و تعهد ایشان در مسیر تعالی فرهنگ انقلاب اسلامی و فرهنگ نهادی سپاه ایفای نقش کند.

در نظر است که با هدف فضا‌سازی فرهنگی و تبلیغی، با روش‌های نوین، ضمن آگاهی‌بخشی عمومی و تبیین و تشریح مواضع امام علیه السلام و مقام معظم رهبری دامت‌الرحمة در گسترش فرهنگ ایشار، مقاومت و تکلیف‌محوری، از طریق «ترکیب هوشمندانه آرمان‌خواهی و واقع‌بینی»، ظرفیت جدیدی برای ارتقای روحیه انقلابی فرهنگی‌اران سپاه برای حضور فعال در صحنه‌های دفاع فرهنگی از مبانی انقلاب اسلامی و نیز ترویج و تبلیغ معارف معنوی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم ایجاد گردد.

فرهنگیاران بایستی از نظر علمی و تجربی به توانمندی لازم دست یابند و در بُعد تخصصی، مؤلفه‌های آن را رعایت نمایند و همواره آگاهی و توانمندی خود را در حوزه‌های تخصصی فرهنگی شامل فعالیت‌های قرآنی، سخنرانی، نویسندگی، فعالیت‌های هنری، سرایندگی شعر، روایت‌گری و مداحی و مدیحه‌سرایی افزایش دهند و با شناخت و تحلیل رخدادها و پدیده‌های فرهنگی - اجتماعی، توان پژوهشگری و قدرت تبیینی خود را براساس راهبردهای فرهنگی نظام اسلامی و بر مبنای تدابیر و رهنمودهای رهبری در عرصه تخصصی خویش ارتقا دهند.

بدین منظور، کتاب حاضر با هدف توانمندسازی و انسجام‌بخشی تخصصی و تجربی به فعالان فرهنگی سپاه تهیه گردیده است و با توجه به سطح دانش و تجربه صنف مداحان و در قالب یازده درس، در پی آن است که مبانی، فرایند، آثار و نتایج، موانع و راهکارها را برای «فرهنگیاران مداح» بررسی و تبیین کند. درضمن، تولیدات فرهنگی با عناوین «جهاد فرهنگی، گام، محراب و گردهمایی‌های فرهنگی» در پنجره الکترونیکی پاسدار مشاهده‌شدنی است.

امیدواریم که این اثر بتواند راهنمای سودمندی برای تمامی فرهنگیاران و تمامی متولیان و متصدیان امور فرهنگی و تبلیغات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باشد و از مطالب این کتاب در اشاعه و آموزش بتوان نهایت استفاده را برد.

معاونت فرهنگی و تبلیغات

نمابندگی ولی فقیه در سپاه

مقدمه

عصر دیجیتال و گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی و حضور جوانان در فضاهای مجازی تربیت آنها را با چالش‌های فراوانی روبه‌رو نموده است؛ عداوت و دشمنی دشمنان قسم‌خورده نظام و انقلاب نیز - که همه همت خود را برای انحراف جوانان انقلاب اسلامی به کار می‌برند - بیش از پیش در این فضاها نمود پیدا کرده است. بدین ترتیب، اقدامات پدافندی در این مواجهه و انجام کار فرهنگی مناسب ضرورتی بیش می‌یابد.

یکی از بسترهای انجام فعالیت‌های فرهنگی هیئت‌های مذهبی و محتوای ارائه شده در این هیئت‌ها و نوع زیست تربیتی حاصل از آنهاست. یکی از ارکان مهم هیئت مداح است. مقام معظم رهبری دام‌عزله، ضمن توجه به این رکن اساسی هیئت و اثرگذاری مهمی که این قشر در بین جوانان هیئتی و دیگر مردم کشور دارند، هرساله، در دیدارهای خصوصی با مداحان، نکات ارزشمندی را یادآور می‌شوند که حکایت از بذل عنایت ایشان به جامعه مداحان و توجه به نقش مهم ایشان در فرهنگ‌سازی و تربیت نسل جوان و مقابله با تهاجم فرهنگی دارد.

بی‌تردید، نگاه تخصصی به مداح و مداحی و تربیت افرادی که در این حوزه فعالیت دارند می‌تواند به اثرگذاری بیشتر این گروه کمک کند. از این رو، درسنامه حاضر به دنبال ارائه مشخصات و نیازمندی‌های مداح طراز انقلاب اسلامی است، که در عین توجه به علم و تقویت معنویت، نگاه هنری را در مداحی وارد کند و اثرگذاری در جامعه مخاطب را به حداکثر برساند.

کریم عبدالملکی

مهر ۱۴۰۲

درس اول:

جایگاه و اهمیت مداح و مداحی

اهداف درس

امید است فراگیر در پایان این درس بتواند به اهداف زیر دست یابد:

- اهمیت مداح و مداحی را به اختصار بداند؛

- مداح و مداحی را تعریف کند؛

- رسالت مداحان را فهرست وار بیان کند؛

- به مداحی علاقه بیشتری پیدا کند؛

- بایدهای مداحی را فهرست کند؛

- بکوشد که جایگاه مداح را حفظ کند؛

- در ترویج فرهنگ اهل بیت علیهم السلام بیش از پیش کوشا باشد.

اهمیت بحث از مداحی، ازسویی، بدین سبب است که آفات و انحرافات

زیادی مسئله مداحی را تهدید می کند و، از سویی دیگر، بدان سبب است که

کسب شایستگی انتساب به اهل بیت علیهم السلام و مداحی آستان شان جایگاه بسیار

بالایی است که تنها با رعایت بایسته‌های مرتبط با آن جایگاه ممکن خواهد شد.

در این درس، نخست، به اهمیت مداح و مداحی و بیان رسالت‌های مداحان پرداخته و، در ادامه، به بایدها و نبایدهای مداحی اشاره شده است.

۱-۱. اهمیت مداح و مداحی

بزرگداشت نهضت عاشورا با پدیده مدح و مرثیه‌خوانی ممکن شد، آئینی که به توصیه اهل بیت علیهم‌السلام و به قصد زنده نگهداشتن پیام عاشورا و درس‌های بزرگ آن حماسه برپا شده و می‌شود. بی‌تردید، یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین آئین‌ها و مجالس مذهبی در جهان آئین‌ها و مجالس سوگواری مذهبی شیعیان است، که با فرهنگ و باورهای مردمی تلفیق شده و امتزاجی جدانشدنی دارد.

در پناه این مجالس و محافل است که هم پایه‌های اعتقادات دینی مردم استوار می‌شود، هم عواطف مردم با اهل بیت علیهم‌السلام پیوندی مستحکم می‌یابد و هم آگاه‌سازی جامعه نسبت به تکالیف دینی و اجتماعی تقویت می‌شود.

بدین سبب، امام صادق علیه‌السلام بر نعمت مدح ائمه هدی علیهم‌السلام در جامعه شیعی خدا را شاکر است و به درگاه الهی عرضه می‌دارد:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفْدِي الْإِيْمَانِ وَيَمْدَحُنَا وَيُزِي لَنَا.

حمد و سپاس خدایی را که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به

سوی ما می‌آیند و ما را مدح می‌کنند و برای ما مرثیه می‌خوانند.^۱

و نیز می‌توان در اهمیت مداحی به این روایت اشاره کرد که حضرت امام

رضا علیه‌السلام در تشویق دعبل به مرثیه‌خوانی در ایام عزای حسینی فرمود:

۱. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴،

يَا دُعْبُلُ أَحِبْ أَنْ تُثَشِّدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ حُزْنٌ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلُ
الْبَيْتِ.

ای دعبل، دوست دارم برایم شعر بسرایی و بخوانی، چون این روزها
روزهای اندوه ما اهل بیت است.^۱

وجود چنین روایاتی اهمیت موضوع مدح و مداحی و همچنین مداح را
گوشزد می‌کند.

۱-۲. تعریف مداحی

مدح، در لغت، به معنای ستایش آمده است و واژه مدّاح صیغه مبالغه از واژه
مدح است. مداح در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که به کار مدح و منقبت
اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد.^۲

بیان شخصیت و ماهیت و به‌طور کلی وصف کردن شخصی خاص با آوای
دلنشین و کلماتی وزین و زیبا را مداحی گویند.^۳ شیعیان برپایه سنتی خاص از
دیرباز مدح و منقبت اهل بیت علیهم‌السلام را جزئی از زندگی دینی و معنوی خود
می‌دانستند و به آن پایبند بودند. بدین ترتیب، این سنت از زمان‌های بسیار دور
در عمق وجود شیعیان ریشه دوانیده است. در این سنت، هر مداحی سعی دارد
تا با ارائه اشعار و نغماتی زیبا، دین خود را به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام،
به‌خصوص سرور و سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه‌السلام ادا کند.

مداحی یک هنر است و در هر هنری، اصل اول این است که هنرمند پیام و
مقصود و مضمونی را در ذهن خود دارد و در تلاش است که آن را به گونه‌ای به

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۲۵۷.

۲. سید مهدی حسینی رکن‌آبادی، فرهنگ اصطلاحات و کنایات مداحی، تهران، خیمه، ۱۳۹۶.

۳. روح‌الله بیطرفان، آداب و اخلاق و علوم مداحی، قم، نوید ظهور، ۱۳۹۳، ص ۱۵.

مخاطبان منتقل کند که در ذهن و دل آنها رسوخ کند و اصل دوم این است که آن کار را با ظرافت و زیبایی و با جاذبه انجام دهد. از این رو، چنین هنر متبرکی نمی‌تواند حاوی مطالبی سطحی باشد و نیز باید در این راه با توکل به خداوند متعال و توسل به ائمه معصومین علیهم‌السلام بسیار تمرین نمود و بر شگردهای بهینه‌ساز مداحی احاطه داشت.

۱-۳. رسالت مداح

مداحان اهل بیت علیهم‌السلام سرمایه عظیمی در دست دارند که باید در حفظ آن کوشا باشند. از آنجاکه کار مداحان بر عنصر صدا، شعر، اجرا و مخاطب متکی است، باید هرچه بیشتر نسبت به کسب مهارت، پختگی اجرا، تمرین پیوسته، گزینش اشعار با مضامین مفید و زیبا و بدیع و ولایی، مطالعه مقتل‌های معتبر و منابع تاریخی، تکیه بر اشعار و مطالب اخلاقی، فکری و عقیدتی، و پرهیز از غلو و مبالغه اهتمام ورزید،^۱ تا بهتر بتوان به ترسیم چهره الگوهای کمال و اسوه‌های پاکی - یعنی معصومین علیهم‌السلام - پرداخت. و این همه افزون بر این است که مداحان خود نیز باید الگوی اخلاق و تعهد باشند. در ادامه، برخی از رسالت‌های مقدس مداحان به‌شمارش درمی‌آید.

۱-۳-۱. تعظیم شعائر الهی

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «وَمَنْ يُعْظِمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (حج: ۳۲)؛ و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد، این نشانه تقوای دل‌هاست.»

تعظیم به معنای بزرگداشت و احترام است. شعائر، جمع شعیره، به معنای

۱. در درس‌های آینده به این مباحث پرداخته خواهد شد.

علامت و نشانه است. بنابراین، «شعائر الله» یعنی نشانه‌های پروردگار. به عبارت دیگر، مراد از شعائر الله هر آن چیزی است که انسان را به یاد خدا اندازد و دل را متوجه او گرداند.

هرچند نزول این آیه در وصف اعمال حج و در پاسخ پرسش از دلیل منطقی مناسک حج و یکایک اعمال آن است، اما پاسخ قرآن به مسلمانانی که به دنبال دلیلی منطقی برای اعمال و آئین‌های حج بودند با بیانی عام صورت گرفته است که عمل به این تکالیف از باب تعظیم شعائر است. به بیان دیگر، از آنجاکه آیات قرآن مختصّ زمان و موضوع خاص نیست، بلکه به وضع قانون کلی می‌پردازد، عمومیت مفهوم آیه این است که تمام آنچه که در برنامه‌های دین وارد شده است و انسان را به یاد خدا و عظمت آئین او می‌اندازد از شعائر الهی و نشانه تقوای دل‌هاست.

یکی از مصادیق شعائر الهی مجالس و محافل اهل بیت علیهم‌السلام است. از این رو، مادح اهل بیت علیهم‌السلام، که رکن اصلی این مجالس می‌باشد، رسالت برگزاری این شعائر الهی را بر عهده دارد.

۱-۳-۲. عمل به سنت نبوی و سیره معصومین علیهم‌السلام

مرثیه‌سرایی و گریستن حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر مصائب فرزندش امام حسین علیه‌السلام و، همچنین، ائمه معصومین علیهم‌السلام در روایات بسیاری نقل شده است.

مرحوم سیدبن طاووس در این خصوص چنین نقل می‌کند:

... پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به سفری رفت. در بین راه در مکانی توقف نمود و آیه

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) را قرائت نمودند و اشک از

چشمان‌شان جاری شد. اصحاب ایشان جویای علت گریه شد.

حضرت فرمود: «این جبرئیل علیه‌السلام است که از سرزمینی در کنار رود

فرات به نام کربلا خبر می‌دهد که فرزندم حسین پسر فاطمه علیها السلام در آنجا به شهادت می‌رسد.» به آن حضرت علیها السلام عرض شد: ای رسول خدا! قاتل او کیست؟ حضرت فرمود: «مردی به نام یزید که خداوند او را لعنت کند. گویا اکنون محل شهادت و محل دفنش را می‌بینم.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با غم و اندوه از سفر بازگشت و بر فراز منبر رفت، خطبه خواند و موعظه نمود، درحالی‌که امام حسن و امام حسین علیهم السلام در مقابل ایشان بودند. وقتی خطبه ایشان تمام شد، دست راست خود را بر سر امام حسن علیه السلام و دست چپ‌شان را بر سر امام حسین علیه السلام گذاشت و، سپس، سر را به آسمان بلند کرد و عرضه داشت: «خداوندا! محمد بنده و پیامبر توست و این دو از پاک‌ترین و بهترین عترت و فرزندان و نسل من هستند و از بهترین کسانی‌اند که بعد از خود در میان امتم به جای می‌گذارم. جبرئیل علیه السلام [۱] به من خبر داده که این فرزندم امام حسین علیه السلام [۲] را مورد اهانت قرار می‌دهند و شهیدش می‌کنند. خداوندا! شهادتش را برایش مبارک گردان و او را از سروران شهدا قرار ده. خداوندا! مبارک نگردان کسی را که به او اهانت کرده و قاتل اوست.» راوی در ادامه می‌گوید: مردم در مسجد، از شدت گریه، ضجه و فریاد می‌زدند. در این هنگام، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا برایش گریه می‌نمایید و یاریش نمی‌کنید؟!»^۱

روایات نقل شده در این زمینه از حضرت زهرا علیها السلام منحصر به گریه آن حضرت نیست بلکه در بعضی از این روایات، تعبیر سوزناک‌تری مانند «شهقه» به کار رفته است که بر فریاد زدن حضرت زهرا علیها السلام در حین گریه دلالت دارد و نیز در بعضی از روایات از نوحه‌سرایی آن بزرگوار به روشنی و صراحت یاد شده است. برای نمونه، روایتی از ابوبصیر نقل می‌شود.

۱. علی بن موسی بن طاووس، الیهوف علی قتلی الطفوف، تهران، جهان، ۱۳۴۸، ص ۱۶-۱۸.

عبداللّه بن مسکان، از ابوبصیر نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودم و برای آن جناب سخن می‌گفتم. در این هنگام، یکی از فرزندان حضرت داخل شد. امام علیه السلام به او فرمود: «بَارَكَ اللهُ!» و او را به سینه خود چسباند و وی را بوسید و فرمود: «خدا ذلیل کند کسانی را که شما را ذلیل کنند و انتقام کشد از آنان که به شما ظلم کنند و خوار کند افرادی را که شما را خوار کنند و لعنت کند اشخاصی را که شما را می‌کشند، و خدا ولیّ و حافظ و ناصر شما باشد. زنان و انبیا و صدیقین و شهدا و فرشتگان آسمان بسیار بر شما گریستند.» سپس، آن حضرت علیه السلام گریست و فرمود: «ای ابوبصیر! هرگاه به بچه‌های حضرت حسین علیه السلام می‌نگرم، به واسطه مصیبت و ظلمی که به پدرشان و خودشان شده حالتی به من دست می‌دهد که کنترل شدنی نیست.»

«ای ابوبصیر! فاطمه علیه السلام بر آن حضرت علیه السلام گریست و ضجه زد و به دنبال آن، جهنم فریادی کشید و جیغی زد که فرشتگان حافظ و نگهبان بر جهنم صدای گریه دوزخ را شنیدند و سریع آماده شدند آن را کنترل کنند، زیرا خوف آن بود که از درون دوزخ آتش زبانه کشد یا دود آن بیرون رود و اهل زمین را بسوزاند. پس، تا مادامی که دوزخ گریان و نالان است، فرشتگان حافظ آن را مهار کرده و به سبب خوف و هراسی که بر اهل زمین دارند آن را محافظت نموده و درب‌های آن را محکم بسته‌اند. درعین حال، دوزخ ساکت و آرام نمی‌شود مگر صدای فاطمه علیه السلام آرام گردد.»

«ای ابوبصیر! دریاها نزدیک بود شکاف برداشته، در نتیجه، برخی در بعضی دیگر داخل شوند. و قطره‌ای از آب دریاها نیست مگر آنکه فرشته‌ای بر آن موکل است. لذا، هرگاه فرشته موکل بانگ دریا و خروش آن را بشنود، با بال‌زدن خویش، خروش و طغیان را خاموش و ساکت می‌کند و آنها را حبس و نگاه می‌دارد تا بر یکدیگر داخل و وارد شوند و این نیست مگر به سبب خوف و هراس بر دنیا و آنچه در آن و کسانی که بر روی زمین می‌باشند و پیوسته، فرشتگان از روی شفقت و ترحم به واسطه گریستن دریاها می‌گیرند و خدا را به جانبش تضرع و زاری می‌کنند و اهل عرش و اطراف آن نیز جملگی در تضرع و ناله می‌باشند. صداهای فرشتگان بلند است که به سبب خوف و هراس بر اهل زمین، همواره حق تعالی را تقدیس و تنزیه می‌نمایند و اگر احياناً صدای آنها به زمین برسد، اهل زمین به فریاد آمده، کوه‌ها قطعه‌قطعه شده و زمین اهلش را می‌لرزاند.»

ابوبصیر می‌گوید: محضر مبارک امام علیه السلام عرضه داشتیم: فدایت شوم این امر بسیار عظیم و بزرگ است! حضرت فرمود: «از این عظیم‌تر غیر آن، یعنی خبری که نشیده‌ای، است!» سپس، فرمود: «ای ابوبصیر! دوست نداری در زمره کسانی باشی که حضرت فاطمه علیها السلام را کمک می‌کنند؟» ابوبصیر می‌گوید: وقتی امام علیه السلام این کلام را فرمود، به گونه‌ای گریه به من دست داد که قادر بر سخن گفتن نبودم و چنان بغض گلویم را می‌فشرد که توانایی بر تکلم نداشتم. سپس، حضرت به‌پاخواست و به نمازخانه تشریف برد و به خواندن دعا پرداخت. پس از مجلس حضرت علیه السلام با چنان حالی برخاستم و بیرون آمدم که نه طعام خوردم و نه خوابیدم و صبح روز بعد را با حالی ترسان روزه گرفتیم تا آنکه محضر

مبارکش دوباره مشرف شدم. پس، وقتی آن جناب را ساکن و آرام دیدم من نیز آرام گرفتم و از اینکه عقوبت و بلائی بر من نازل نشده حق تعالی را حمد و ستایش نمودم.^۱

در روایتی دیگر، در وصف گریستن امام صادق (ع) بر مصائب امام حسین (ع) نیز چنین آمده است:

هارون بن خارجه از حضرت ابی عبدالله (ع) نقل کرده، که وی گفت: محضر مبارک امام صادق (ع) بودیم. پس، نام امام حسین (علیه السلام و علی قاتله لعنة الله) را بردیم و حضرت گریستند و ما نیز گریستیم. راوی می گوید: امام (ع) سر مبارکشان را بلند کرده، فرمود: «حضرت امام حسین (ع) فرمود: "من کشته اشک هستم؛ یاد نمی کند من را هیچ مؤمنی مگر آنکه می گرید."»^۲

روایاتی که در بردارنده سیره تک تک معصومین (ع) بر امر مهم گریستن و عزاداری بر مصیبت امام حسین (ع) باشند بسیار است که به اختصار به چند روایت در این زمینه اشاره شد. باتوجه به سیره ائمه معصومین (ع) بر یادآوری و بیان مصیبت های وارده بر امام حسین (ع)، پرداختن به این امر خطیر یکی از رسالت های مهم مداح است.

۱-۳-۳. احیای امر به معروف و نهی از منکر

اسلام به امر به معروف و نهی از منکر عنایت زیادی دارد، زیرا انجام همه واجبات و ترک همه محرمات به انجام این دو وظیفه الهی است و باید گفت: حیات دین

۱. جعفر بن محمد ابن قولویه القمی، کامل الزیارات، نجف اشرف، دارالمرتضویه، ۱۳۵۶، ص ۸۵.

۲. همان، ص ۱۰۸.

و قوام آن به حیات این دو واجب بستگی دارد. از جمله اهداف نهضت پرشور حسینی احیای این امر قرآنی و سنت رسول خدا ﷺ است، همان‌گونه که امام حسین ﷺ در وصیت به برادرش: محمد حنفیه، نوشت:

إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطَرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ
الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى مُحَمَّدٌ ﷺ؛ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ
الْمُنْكَرِ^۱

من از روی سبکسری و گردنکشی و نیز برای ایجاد فساد و ستمگری
دست به این قیام نزدم، بلکه برای اصلاح اوضاع امت جدم قیام کردم
و می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.

بدون تردید، رساندن پیام اباعبدالله ﷺ و آگاهی بخشی از علل و انگیزه‌های
نهضت حسینی - که از مهم‌ترین آنها دو فریضه امر به معروف و نهی از منکر
است - حقیقت معارف الهی و فروع دین را زنده نگه داشته است. عهده‌دار
احیای این دو فریضه در جامعه همه مسلمانان اند، ولی شرایط رشد این مهم در
بستر مجالس و محافل اهل بیت ﷺ مهیا است؛ احیای امر به معروف و نهی از منکر
از رسالت‌هایی است که مداحان باید نسبت به آن حساس باشند و اهتمام
ویژه‌ای مبذول دارند.

۱-۴. بصیرت مداح

بصیرت، در لغت، به معنای عقیده قلبی و شناخت، یقین، زیرکی و عبرت گرفتن
معنا شده است.^۲ همچنین، در فرهنگ معین، بصیرت به معنای دانایی و

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴، ص ۳۲۹.

۲. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۶۵.

بینایی دل آمده است.^۱

در اصطلاح، بصیرت عبارت است از قوه‌ای در قلب انسان که به نور قدسی منور است و به وسیله آن، آدمی حقایق اشیاء و امور را درک می‌کند.^۲

مقام معظم رهبری دامت‌السلام بصیرت را این‌گونه تعریف می‌فرماید:

بصیرت را در دو سطح می‌توانیم تعریف کنیم: یک سطح سطح اصولی و لایه زیرین بصیرت است. انسان در انتخاب جهان‌بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت یک بصیرتی پیدا می‌کند. ... این پایه اساسی معرفت است؛ پایه اساسی بصیرت است. این بصیرت خیلی چیز لازمی است؛ این را باید ما در خودمان تأمین کنیم. بصیرت، در حقیقت، زمینه همه تلاش‌ها و مبارزات انسانی در جامعه است. این یک سطح بصیرت.

به جز این سطح وسیع بصیرت و لایه عمیق بصیرت، در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی‌بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند. این بصیرت به چه معناست؟ یعنی چه بصیرت پیدا کند؟ چه جوری می‌شود این بصیرت را پیدا کرد؟ این بصیرتی، که در حوادث لازم است و در روایات و در کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او می‌گذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا می‌کند تدبیر کند، سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند. به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام،

۱. محمد معین، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۴۶.

۲. اکبر هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۲۴۶.

اعتبار کند: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَأَعْتَبَرَ»؛ فکر کند و براساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبیر مسائل را بسنجد. «وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ». با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند، یعنی بینایی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) در جای دیگر می‌فرماید: «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ»^۱

بنابراین، بصیرت نوعی از آگاهی و دانایی قلبی و درونی است که چراغ راه است و راه را از بیراهه مشخص می‌کند.

در بحث بصیرت افزایی هنر مداحی قادر است مفاهیم اخلاقی صحیح و معارف دینی متقن و حکیمانه را با اجرایی هنرمندانه به دل‌ها منتقل کند و عواطف و احساسات مردم را با جهت‌دهی به سوی حق و کسب فضایل الهی برانگیزد. مداح دغدغه‌مند باید از نیازهای دنیا و آخرت مردم آگاه باشد و با بصیرت کافی نسبت به انقلاب و مسائل جامعه، محتوایی متناسب با نیاز روز را به مخاطبان ارائه کند.

مقام معظم رهبری (دامت‌الله) در این باره می‌فرماید:

[مداحی] اگر جووری باشد که نیازهای نقد را که امروز مردم به دانستن آنها احتیاج دارند ندیده بگیرد، این فرصت ضایع شده است. فرض کنیم در دوران جنگ تحمیلی، که کشور نیاز داشت به یک حماسه پرشور عملی و جهاد در میدان، جوان‌ها هم آماده بودند،

۱. بیانات امام خامنه‌ای (دامت‌الله) در دیدار با دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴، دسترسی

پدر و مادرها هم آماده بودند، یک نفری برود در مجالس و محافل خود شعر هم بخواند، خوب هم اجرا کند، منتها اشاره‌ای به این نیاز وقت نکند؛ این ضایع کردن فرصت است. آن روز مداح‌ها نقش‌های خیلی خوبی آفریدند. در این جبهه، کارهایی که مداح‌های ما کردند، اثری که آنها در اعماق جان رزمندگان ما گذاشتند، کم‌نظیر است.^۱

۱-۵. پیوند با اهل بیت (ع)

برای ورود به عرصه مداحی، ابتدا باید قلب و روح انسان از عشق به ائمه اطهار (ع) لبریز باشد و با توسل و مدد جستن از این ذوات مقدسه قدم در این راه نهد.

خداوند متعال این چنین از مودت اهل بیت (ع) ارزش‌گذاری می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (شوری: ۲۳)؛ بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز مودت نزدیکانم.» طبق روایات فراوانی که از محدثان و مفسران خاصه و عامه درباره این آیه شریفه نقل شده است، مراد از «ذوی القربی» برای رسول اکرم (ص) اهل بیت او یعنی ائمه معصومین (ع) می‌باشند.

و نیز در وصف ارزش محبت به اهل بیت (ع) در روایت آمده که امام صادق (ع) به ابن‌زهیر فرمود: «... خداوند رحمت کند شخصی را که مودت و دوستی مردم را به سمت ما می‌کشانند.»^۲

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۲/۱۱، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443>

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۲، ص ۷۸.

از این روایت امام صادق علیه السلام می‌توان این‌گونه برداشت کرد که ابتدا باید بین مداح و ائمه معصومین علیهم السلام رابطه و پیوند قلبی برقرار باشد تا در گام بعدی، مداح بتواند دل‌های مردم را به سوی اهل بیت علیهم السلام بکشانند.

۱-۶. بایدها و نبایدهای مداحی

از آنجاکه اشعار مدح و مرثیه و چگونگی برگزاری مجالس و محافل و همچنین شخصیت و ویژگی‌های مداح در یک جامعه دین‌باور به «فرهنگ دینی» تبدیل می‌شود، تصمیم و هدایت و پاکسازی و آفت‌زدایی از این موضوع مهم دینی بسیار ضروری می‌کند.

در این مجال، با نگاهی به بیانات مقام معظم رهبری دامنه‌ای درباره بایدها و نبایدهای مداح و مداحی، به تبیین آن می‌پردازیم.

۱-۶-۱. بایدهای مداح و مداحی

الف) ترغیب جوانان به عمل به دین: «بهترین استفاده از این فرصت [جوانی] چیست؟ تبلیغ معارف دین؛ تبلیغ همان چیزی که این بزرگواران، این نشانه‌های عظمت و فضیلت، برای خاطر آن، جان‌شان را کف دست گرفتند، این همه رنج بردند، این همه مصیبت کشیدند، حادثه عاشورا به وجود آمد، حوادث گریه‌آور صدر اسلام به وجود آمد. [اینها] برای چه بود؟ برای ترویج معارف دین بود. از این فرصت برای ترویج معارف دین، برای سوق دادن نسل جوان به عمل به دین، به عمل به شریعت، به عمل به مسئولیت‌های بزرگ این دوران استفاده کنید.»^۱

۱. بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌ای در دیدار با مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰، دسترسی در:

ب) **تقویت بنیه فکری جوان:** «بنده سه چهار سال قبل از این، به جوان‌های دانشجو و اهل علم گفتم که شما باید کاری کنید که پنجاه سال بعد، اگر کسی خواست به تازه‌های علمی آن روز دست پیدا کند، مجبور بشود بیاید زبان فارسی یاد بگیرد؛ وقتی جوان‌ها همت کنند، وقتی صاحبان همت و اراده همت کنند، همه کارهای دشوار آسان خواهد شد؛ ما می‌توانیم پیش برویم. درعین حال، دشمن دارد روی باورهای جوان‌های ما اثر می‌گذارد: آقا چه فایده دارد، نمی‌شود، فایده‌ای ندارد. اینها آن میدان‌هایی است که جنگ روانی دشمن در این میدان‌ها است و شما، به عنوان مدّاح، می‌توانید اثر بگذارید، می‌توانید این جوان را از لحاظ بنیه فکری تقویت کنید.»^۱

پ) **تربیت جوانان کارآمد:** «وقتی که در یک جماعتی ده هزار جوان یا پنج هزار جوان جمع شدند و دل‌شان را دادند به شما، شما می‌توانید با یک اجرای عالی، هنرمندانه و پرمغز، اینها را تبدیل کنید به انسان‌های کارآمدی که با عزم جزم بروند دنبال کار، می‌توانید هم تبدیل کنید به آدم‌های بی‌خیال، بی‌فکر، ناامید و از لحاظ معنوی تهیدست؛ این کار را هم می‌شود کرد. شما از این فرصت استفاده کنید و آن شقّ اول را انتخاب کنید. حرف من این است.»^۲

ت) **بصیرت‌افزایی:** «وقتی که شما شعر می‌خوانید یا دم می‌دهید تا مثلاً در نوحه‌خوانی سینه بزنند، چیزی بگویند که آن کس که سینه می‌زند بر معرفتش بیفزاید، یک چیز جدیدی بفهمد. بله، می‌شود گریه گرفت و مثلاً فرض کنید که مصیبت‌خوانی کرد بدون بصیرت. آن هم یک مرحله‌ای است، بلاشک یک

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (ع)، ۱۳۹۵/۱/۱۱، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32740>

۲. همان.

مرحله‌ای از فضیلت است، اما آن فضیلت برتر این است که ما بصیرت‌های مان افزایش پیدا کند، نسبت به ائمه علیهم‌السلام، نسبت به قرآن، نسبت به اسلام، نسبت به آینده جامعه جهانی؛ اینها هدف‌های اصلی است، اینها باید ان شاء الله در شعرهای ما هم بیاید، در خواندن‌ها و مدّاحی‌های ما هم بیاید.^۱

ث) استفاده از محتوای شایسته: «ما وسیله‌هایی داریم که این وسیله‌ها منحصر به فرد است؛ یکی از آنها همین شما هستید، یکی از آنها همین جامعه مدّاح‌اند. این مخاطبه چهره به چهره و روبه‌رو و استفاده از ابزار هنر برای انتقال مفاهیم به مخاطبین در شکل انبوه آن - یعنی بحث دو نفر و سه نفر و ده نفر مدّاح نیست؛ هزاران نفر در سطح کشور این کار را می‌کنند - یکی از وسایل منحصر به فردی است که ما داریم، آنها ندارند. این منبرها یکی از آن وسایل منحصر به فرد است؛ این مجالس روضه‌خوانی همین جور؛ این هیئات مذهبی همین جور. اگر محتوا و مضمون منبرهای ما، مدّاحی‌های ما، هیئت‌های ما، نوحه‌خوانی‌های ما، محتوا و مضمون شایسته‌ای باشد، هیچ وسیله‌ای نمی‌تواند با آنها مواجهه و مقابله بکند، یعنی کاملاً منحصر به فرد است؛ ببینید، فرصت این است؛ این فرصت را نباید ضایع کرد؛ این امکان را نباید از دست داد.»^۲

ج) استفاده از محتوای متقن: «مسئله بعد مضمون است. بهترین مجموعه شعری که می‌شود در یک منبر مدّاحی انسان فکر کند، چیزی است که در آن، اولاً منقبت اهل بیت علیهم‌السلام باشد. ذکر مناقب آنها دل‌ها را روشن می‌کند، شاد

۱. بیانات امام خامنه‌ای داماد در دیدار جمعی از شاعران آئینی و مداحان خراسان، ۱۳۹۵/۴/۲۴،

دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33819>.

۲. بیانات امام خامنه‌ای داماد در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۳/۱/۳۱، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26171>

می‌کند، شوق را در انسان برمی‌انگیزد، اشک را از چشم‌ها جاری می‌کند. البته، منظور مناقب متقن است. اینجور نباشد که انسان به حرف‌های سست تکیه کند. این همه مناقب اهل بیت (ع) در کتاب‌های معتبر وجود دارد؛ از آنها استفاده بشود؛ از گفته‌های افرادی که خودشان سندنند، ثقه و معتبرند؛ مثل همین شعری که امروز یکی از آقایان از مرحوم آشیخ محمدحسین اصفهانی - مفتقر - خواندند. خب، این بزرگوار استاد مجتهدین است. مجتهدین بزرگ و مراجع تقلید بزرگ، در فقه و اصول و فلسفه، شاگردهای او هستند. ایشان شاعر هم بوده. خب، این شعر می‌شود سند. یا روایات گوناگونی که در کتب مناقب وجود دارد، شرح حال ائمه (ع)، مناقب معتبر. پس، یک بخش بخش مناقب اهل بیت (ع) است.^۱

چ) تقیید مداح به دین: «البته، یک اصل مسلمی وجود دارد، عزیزان من! مردم از صدای شما خوش‌شان می‌آید، از شعر شما لذت می‌برند، از اجرای شما - چه در مدح‌تان، چه در مصیبت‌تان - دل‌های‌شان تکان می‌خورد و اشک می‌ریزند؛ اما به خود شما هم نگاه می‌کنند. اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدین، از لحاظ عفت، نمود تحسین‌آوری داشتید، همه آنچه را که عرض کردیم، به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد کرد. اما اگر خدای نکرده به‌عکس شد؛ مردم نشانه تزلزل اخلاقی، نشانه عقب‌ماندگی از لحاظ اخلاق و رفتار و خدای نکرده عفت و این چیزها مشاهده کنند، اثر این هنرها و زیبایی‌هایی که در کار شما هست از بین خواهد رفت؛ این را مراقب باشید. همه‌مان باید مراقب باشیم؛ ما عمامه‌ای‌ها بیشتر از دیگران، گویندگان مذهبی بیشتر از دیگران،

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت (ع)، ۱۳۹۰/۳/۳.

نامداران عرصه دین و تقوا بیشتر از دیگران. همه باید مراقب باشیم؛ شما هم همین‌طور. شما کسانی که در عرصه دین و معرفت و امور الهی دارید کار می‌کنید، خیلی باید مراقب باشید؛ مراقب اخلاق، مراقب پاکی زبان، پاکی دامن، پاکی دل، پاکی دست. خدای متعال به شما کمک کند. یک ماح آستان فاطمی علیه السلام وقتی که در یک چنین جایگاهی قرار گرفت، یک انسان برجسته است. یعنی همین جوری که بین ماها فهمیده شده، دانسته شده و اعتقاد پیدا کرده‌ایم، کسانی که در راه مدح ائمه علیهم السلام و اظهار ارادت به این بزرگوار و توجه دادن دل‌ها به این بزرگواران هستند، اینها پیش خدای متعال عزیز و محبوبند.^۱

ح) توجه به قرآن: «چقدر خوب است که در محافل هیئت‌ها، به مسئله قرآن - قرآن‌خوانی و معارف قرآنی - اهتمام ورزیده بشود؛ چقدر خوب است که در این نوحه‌خوانی‌ها مضامین اسلامی، مضامین انقلابی، مضامین قرآنی گنجانده بشود؛ یک وقت هست که سینه می‌زنند و صد بار با تعبیرات مختلف مثلاً می‌گویند حسین‌وای. خب، این یک کاری است، اما هیچ فایده‌ای ندارد و هیچ چیزی از حسین‌وای انسان نمی‌فهمد و یاد نمی‌گیرد. یک وقت هست که شما در همین مطلبی که [عزادار] تکرار می‌کند و حرفی که [با آن] سینه می‌زند، با زبان نوحه و با زبان شعر، یک مسئله روز، یک مسئله انقلابی، یک مسئله اسلامی، یک معرفت قرآنی را می‌گنجانید؛ او وقتی تکرار می‌کند، در ذهن او ملکه می‌شود؛ این خیلی باارزش است، کاری است که هیچ‌کس دیگر غیر از شما نمی‌تواند این کار را بکند؛ یعنی هیچ رسانه‌ای واقعاً قادر نیست که این جور معارف الهی را با جسم و جان و فکر و روح و احساس و عقل و مانند این‌ها

۱. بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌الله در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۲/۱۱، دسترسی در:

آمیخته کند. لذا کار کار مهمی است، کار بزرگی است و امیدواریم که إن شاء الله خدای متعال بهتان توفیق بدهد و شما را مأجور بدارد که بتوانید به بهترین وجهی إن شاء الله این کار را پیش ببرید.^۱

خ) انس با قرآن و حدیث: «در مطالعات خود، با قرآن و حدیث آشنا شوید. انس با قرآن برای همه لازم است؛ این را ما به همه توصیه می‌کنیم، به همه جوان‌های کشور توصیه می‌کنیم. امروز خوشبختانه همین جور هم شده؛ انسان در میان دانشجویها، در میان طلاب، در بین جوان‌های غیر دانشگاه و حوزه، عنصری را می‌بیند که با قرآن انس دارند؛ بعضی‌شان قرآن را حفظ هم دارند؛ بعضی هم که حفظ ندارند، قرآن را فی الجمله درک می‌کنند؛ یعنی ولو حالا تمام جزئیات را هم ندانند، مضمون را می‌فهمند؛ این خیلی چیز معتنمی است. ... آشنایی با قرآن و حدیث توصیه ما به همه است؛ اما مبلغان دین و جامعه مداحان طبعاً مخاطب ویژه این حرف هستند؛ با قرآن باید انس پیدا کنند. قرآن را حتماً بخوانید، با توجه به ترجمه بخوانید، این ترجمه را به یاد بسپرد. در آیاتی که نصیحت هست، متضمن یک معرفتی است که انسان می‌فهمد، آنها را ثبت کنید، ضبط کنید، یادداشت کنید، از آن بهره‌مند شوید؛ هم بگویید، هم عمل کنید. حدیث هم همین جور.»^۲

۱-۲. نبایدهای مداح و مداحی

الف) ضایع نکردن فرصت مداحی: «بدتر از ازدست‌دادن این فرصت این

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در دیدار با اعضای ستاد مرکزی هیئت رزمندگان اسلام، ۱۳۹۲/۸/۲۰، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24774>.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۰/۳/۳، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12537>.

است که ما آن را در راه بد مصرف کنیم. اگر جلسه مذهبی ما و خوانندگی و مدّاحی ما یا منبر ما به این نتیجه منتهی بشود از پای منبر، بی اعتقاد به آینده و ناامید از آینده بلند شوند، ما این فرصت را هدر داده‌ایم و کفران کرده‌ایم این نعمت را؛ اگر از پای منبر ما یا مدّاحی ما مردم درحالی بلند شوند که هیچ‌گونه آگاهی نسبت به وضع خودشان و وظایف خودشان پیدا نکرده باشند، ما این فرصت را از دست داده‌ایم؛ اگر خدای نکرده جلسات ما، جلسات وحدت‌شکن باشد، این فرصت را از دست داده‌ایم؛ اگر کیفیت حرف زدن ما یا مضمون حرف‌های ما جوری باشد که دشمنان ما را در هدف‌های‌شان موفق بکند، ما این نعمت الهی را - بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا - تبدیل کرده‌ایم به نعمت؛ این را باید مواظب بود، باید مراقب بود.»^۱

«بارها عرض کرده‌ایم و این یک حقیقتی است که وقتی شما یک قصیده را یا یک غزل را که حامل معارف است، در یک مجلسی می‌خوانید، گاهی از ساعت‌ها سخن گفتن فصیح و بلیغ یک گوینده تأثیرش بیشتر و عمیق‌تر می‌شود؛ این یک فرصت است؛ از این فرصت باید استفاده کرد؛ این فرصت را نباید ضایع کرد. شعری که محتوا نداشته باشد این فرصت را ضایع می‌کند؛ یا اگر چنانچه در آن یک نکته ضعیف و احیاناً غلط وجود داشته باشد، این فرصت را ضایع می‌کند؛ یا اگر چنانچه کیفیت اجرا جوری باشد که مرزهای شرعی را مخدوش کند، این فرصت ضایع شده است؛ یا اگر جوری باشد که نیازهای نقد را، که امروز مردم به دانستن

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۳/۱/۳۱، دسترسی در:

آنها احتیاج دارند، ندیده بگیرد، این فرصت ضایع شده است.»^۱

ب) سکولار نبودن هیئت‌ها: «هیئت‌ها نمی‌توانند سکولار باشند؛ هیئت امام حسین سکولار ما نداریم! هرکس علاقه‌مند به امام حسین علیه السلام است، یعنی علاقه‌مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین علیه السلام این است. اینکه آدم در یک مجلس روضه یا هیئت عزاداری مراقب باشد که نبادا وارد مباحث اسلام سیاسی بشود، این غلط است. البته، معنای این حرف این نیست که هر حادثه سیاسی در کشور اتفاق می‌افتد، ما باید حتماً در مجلس روضه آن را با یک گرایش خاصی - حالا یا این طرف، یا آن طرف - بیان کنیم و احیاناً با یک چیزهایی هم همراه باشد؛ نه، اما فکر انقلاب، فکر اسلام، خط مبارکی که امام علیه السلام در این مملکت ترسیم کردند و باقی گذاشتند، اینها بایستی در مجموعه‌ها و مانند اینها حضور داشته باشد.»^۲

پ) پرهیز از خرافه‌گویی: «پرهیز از انحراف، پرهیز از خرافه‌گرایی، پرهیز از مشکل‌تراشی در عقاید جوان‌ها؛ گاهی ما یک کلمه‌ای می‌گوییم که یک گرهی در ذهن جوان مخاطب ما به‌وجود می‌آید؛ این گره را چه کسی می‌خواهد باز کند؟ این گرهی را که ما با بیان ناقص خودمان یا بیان غلط خودمان یا بی‌توجهی و بی‌مسئولیتی خودمان در ذهن این جوان به‌وجود می‌آوریم و عقیده

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۲/۱۱، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443>

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در دیدار با اعضای ستاد مرکزی هیئت رزمندگان اسلام،

۱۳۹۲/۸/۲۰، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24774>

او را دچار مشکل می‌کنیم، این گره چگونه باز خواهد شد؟ اینها مسئولیت است.»^۱

ت) پرهیز از تحریک عقاید مذهبی: «شما از حنجره استفاده می‌کنید، که نعمت خدا است؛ از لحن و آهنگ استفاده می‌کنید، که نعمت خدا است؛ از شعر استفاده می‌کنید، که قریحه‌اش نعمت خداداد الهی است. این نعمت‌ها در اختیار شما است؛ اینها را در خدمت چه قرار می‌دهید؟ در خدمت معرفت‌افزایی. اگر در خدمت اختلاف‌افکنی واقع شد، اگر در خدمت تحریک عصبیت‌هایی قرار گرفت که امروز به خاطر این عصبیت‌ها، متعصبین لجوج در نقاطی از دنیا بیست تا، سی تا سر می‌برند، این استفاده استفاده بدی است؛ این را خیلی مراقب باشید.»^۲

ث) خروج از حدود و ضوابط شرع: «در محیط‌های مراسم مذهبی، مراقب باشید هیچ کاری که از حدود ضوابط شرع ممکن است بیرون برود، رخ ندهد؛ این را مراقبت کنید. محیط مداحی و خوانندگی دینی یک محیط پاک و مطهری است؛ نگذاریم آلودگی‌هایی که متأسفانه در دنیای هنر در بین مردمان بی‌قید و بی‌مبالات رواج پیدا کرده است، به محیط هنر اسلامی و مذهبی در محیط‌های مذهبی رسوخ کند و نفوذ کند؛ این را مراقب باشید. محیط محیط پاکیزه، طیب، طاهر، [همراه با] عفت؛ این جور محیطی

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار با مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۴/۱/۲۰، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29415>

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۲/۱۱، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=22443>

باید باشد محیطی که ما در آنجا معارف اسلامی را می‌خواهیم با زبان شعر بیان کنیم.^۱

ج) پرهیز از لخت‌شدن: اینکه ما مجلس عزاداری و مدح سیدالشهدا (علیه السلام) را - که عظمت او به‌خاطر شهادت است، عظمت او به‌خاطر فداکاری در راه خدا است، عظمت او به‌خاطر گذشت است؛ گذشت از همه‌چیز، از همه‌خواسته‌ها، از همه‌مطلوب‌ها - تبدیل کنیم به یک نقطه سبک، به یک جایی که یک تعدادی جوان لخت بشوند، بپرند هوا، بپرند پایین و ندانند چه می‌گویند، درست است؟ این شکر این نعمت است که خدا به شما داده؟ این صدای خوش نعمت است؛ این توانایی اداره مجلس نعمت است؛ اینها چیزهایی است که خدا به همه نداده است، به شما داده؛ باید این نعمت‌ها را شکر بگزارید.^۲

چ) دوری از خواندن آهنگ‌های نامناسب و لهوی: «بعضی از آهنگ‌ها آهنگ‌های بدی است، آهنگ‌های غلطی است، آهنگ‌های لهوی است؛ این را نباید به وادی حرفه مداحی و خواندن مداحی کشاند. عیبی ندارد که شکل‌های جدیدی را در خواندن و قرائت اشعار و آهنگ‌سازی‌های گوناگون ابتکار کنید؛ اما از این تشابه و تداخل پرهیزید. البته، آهنگ‌های لهوی مُضِلٌّ عن سبیل اللّٰه را می‌گوییم، نه حالا هر آهنگی که یک وقتی در یک مضمون دیگری خوانده

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۳/۱/۳۱، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26171>

۲. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۴/۱/۲۰، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29415>

شده، آن را بخوایم منع کنیم؛ نه، آهنگ‌هایی که لهوی است و مضلّ عن سبیل الله است؛ اینها را نیاورید.»^۱

خلاصه درس

- یکی از مهم‌ترین مجالس مذهبی در جهان مجالس سوگواری مذهبی شیعیان است.

- مدح به معنای ستایش است و به کسی که به کار مدح و منقبت اهل بیت (ع) می‌پردازد مداح گویند.

- از جمله رسالت‌های مداحان می‌توان به تعظیم شعائر، عمل به سنت نبوی و سیره معصومین (ع)، و احیای امر به معروف و نهی از منکر اشاره نمود.

- در میان بایسته‌های مداحی می‌توان به مواردی همچون تشویق جوانان به عمل دینی، تقویت پایه‌های فکری جوانان، معرفت‌افزایی و ایجاد انس با قرآن و حدیث در هیئت اشاره کرد.

- در میان نبایدهای مداحی می‌توان به مواردی همچون بیان مطالب خرافه، ایجاد هیئت سکولار، خروج از ضوابط شرعی و استفاده از آهنگ‌های نامناسب اشاره کرد.

پرسش‌ها

۱. مداحی را تعریف کنید.
۲. چهار مورد از بایدهای مداحی را توضیح دهید.

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت (ع)، ۱۳۹۰/۳/۳،

دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12537>

۳. این سخن از کیست: «حمد و سپاس خدایی را که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به سوی ما می آیند و ما را مدح می کنند و برای ما مرثیه می خوانند»؟

(ب) امام رضا علیه السلام

(الف) امام صادق علیه السلام

(د) امام سجاد علیه السلام

(ج) امام حسین علیه السلام

۴. کدام گزینه صحیح است؟

(الف) مداح صیغه مبالغه مدح است؛

(ب) شعائر الله به معنای نعمت های الهی است؛

(ج) شعائر جمع شعره است؛

(د) معنای لغوی مدح «سپاس» است.

۴. امام حسین علیه السلام در نامه به چه کسی نوشت: «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطَرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؟

(ب) محمد بن حنفیه

(الف) مسلم بن عقیل

(د) یزید بن معاویه

(ج) هانی بن عروه

۶. کدام یک از موارد زیر جزو نبایدهای مداحی نیست؟

(الف) جلوگیری از شکل گیری هیئت سکولار؛

(ب) جلوگیری از ترویج خرافات؛

(ج) جلوگیری از تحریک عقاید؛

(د) جلوگیری از سینه زنی.

منابعی برای مطالعه بیشتر

واحد پژوهشی دفتر فرهنگی فخرالائمه، جایگاه مداحی در مجالس ذکر و عزای اهل بیت (علیهم‌السلام)، مشهد، به‌نشر، ۱۳۹۶.

درس دوم:

اخلاق مداحی

اهداف درس

امید است فراگیر در پایان این درس بتواند به اهداف زیر دست یابد:

- مبانی اخلاق فردی مداح را فهرست وار بیان کند؛

- ادب نسبت به پیشکسوت را به اختصار توضیح دهد؛

- مبانی اخلاق اجتماعی مداح را نام ببرد؛

- در کار مداحی به اخلاق اسلامی گرایش یابد؛

- اخلاق اسلامی را رعایت کند؛

- در مداحی مبلّغ اخلاق باشد.

در درس گذشته به جایگاه و اهمیت مداح و مداحی و رسالت‌هایی که بر

دوش دارند اشاره و همچنین، به باید‌ها و نبایدهای مداحی پرداخته شد. در این

بخش از نوشتار، نگاهی به موضوع اخلاق مداحی شده است و از دو حیث

اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به اهمیت

اخلاق در مداحی، شاخص‌های حایز اهمیت در این حوزه را به خود اختصاص داده است.

۲-۱. منظور از اخلاق مداحی

اخلاق جمع خلق است به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن، که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود، در مقابل خلق که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود که با چشم دیدنی است.^۱

شهید مطهری تعریفی از اخلاق را می‌پذیرد که هم به چگونه رفتار کردن توجه کرده باشد و هم به چگونه بودن؛ چگونگی رفتار مربوط می‌شود به اعمال انسان که شامل گفتار هم می‌شود و چگونه بودن مرتبط با صفات و ملکات نفسانی است.^۲

باتوجه به تعریف اخلاق می‌توان گفت که اخلاق حرفه‌ای مداحی سبک زندگی مداح را شامل می‌شود و عبارت است از هرآنچه که یک مداح در خُلقیات نفسانی و خُلقیات رفتاری - چه فردی و چه اجتماعی - باید به آنها پایبند باشد.

پیامبر اکرم ﷺ هدف از مبعوث شدن خود را به کمال رساندن مکارم اخلاق معرفی نموده است. بنابراین، اخلاق در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار

۱. محمد مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق، ج ۲۵، ص ۲۵۷؛

محمد بن مکرم ابن منظور، همان، ج ۱۰، ص ۸.

۲. مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی: کلام، عرفان و حکمت عملی، تهران، صدرا،

۱۳۷۷، ص ۲۲.

است که مداحی و ستایشگری اهل بیت علیهم السلام نیز مستثنا نیست. ازاین‌رو، اخلاق حرفه‌ای در مداحی بسیار مهم و دارای جایگاه ویژه‌ای است. به عبارت دیگر، مداحی که از سجایای اخلاقی برخوردار نباشد نمی‌تواند رسالت اصلی خود را به انجام رساند و هدف از ستایشگری اهل بیت علیهم السلام را محقق سازد و همان‌گونه که در مباحث اخلاقی «مَنْ قَالَ» به اندازه «مَا قَالَ» اهمیت دارد، در امر مداحی نیز اینکه مداح اهل بیت علیهم السلام چه سجایای اخلاقی دارد در اصل مداحی او تأثیر بسیار زیادی دارد.

بنابراین، می‌توان گفت شالوده و اساس کار مداحی را اخلاق تشکیل می‌دهد. شخص مداح، که ستایشگری خاندان اهل بیت علیهم السلام را به عهده گرفته است، باید متخلق به اخلاق سجیه باشد، زیرا اخلاق و تواضع شرط قبولی خدمت است. داشتن بعضی از صفات حمیده جزو اخلاق مداح و رعایت بعضی قوانین و دستورالعمل‌ها جزو آئین مداحی است. اخلاق مداح را به دو دسته اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی می‌توان تقسیم نمود.

۲-۲. اخلاق فردی مداح

در موضوع اخلاق فردی برای شخص مداح پنج مورد شاخص مطرح است که در ادامه، به این شاخص‌ها اشاره می‌شود.

۲-۲-۱. معرفت به امام علیه السلام

در مسیر تقرب به خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام، اولین قدم شناخت و معرفت نسبت به این ذوات مقدسه است، چنان‌که امام حسین علیه السلام در پاسخ به اصحاب خود درباره معرفت خداوند که مراد از معرفت خدا چیست، چنین پاسخ دادند:

«مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ آن است که اهل هر عصر و زمانی، امامی که اطاعتش بر آنها واجب است را بشناسند.»^۱

علامه مجلسی این روایت را دو گونه تفسیر کرده است:

۱. معرفت خدا بدون معرفت امام به دست نمی‌آید؛

۲. معرفت خدا در صورتی مفید است که همراه معرفت امام باشد.^۲

اهمیت موضوع تا بدانجا است که امام صادق علیه السلام نیز در روایتی چنین

می‌فرماید که حارث بن مغیره از امام صادق علیه السلام چنین نقل می‌کند:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ

مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: جَاهِلِيَّةٌ جَهْلَاءُ أَوْ جَاهِلِيَّةٌ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ؟

قَالَ: جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٍ وَنِفَاقٍ وَضَلَالٍ.^۳

به ابو عبدالله امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته

است؟» فرمود: «آری.» گفتم: جاهلیت کامل یا جاهلیتی که امامش

را نشناسند؟ فرمود: «جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی.»

بنابر آنچه بیان شد، بر همه واجب است که امام را بشناسند. بدین سبب

است که امام صادق علیه السلام فرمود: «بِتْنَا عَبْدَ اللَّهِ وَبِتْنَا عِرْفَ اللَّهِ وَبِتْنَا وَحْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ

تَعَالَى؛ به وسیله ما: ائمه، خدا شناخته و عبادت می‌شود.»^۴

۱. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرایع، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵،

ج ۱، ص ۹.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۲۳، ص ۸۳.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۷.

۴. همان، ص ۱۴۵.

با این بیان، از آنجاکه امامان علیهم السلام محل شناخت خدا هستند، اگر معرفت به امام علیه السلام حاصل نشود، انحطاط یا غلو در پی خواهد داشت. از این رو، مداح باید درباره هر آنچه که به اهل بیت علیهم السلام نسبت داده می‌شود، تأمل و تعمق داشته باشد تا مطابق با واقع باشد، یعنی به گونه‌ای نباشد که یا به ساحت مقدس آن بزرگواران اهانتی صورت پذیرد و یا درباره شأنیت و جایگاه‌شان غلو شود.

۲-۲-۲. اخلاص

بارزترین خصوصیت یک مداح اخلاص وی است، یعنی باید نیتش فقط برای خداوند متعال باشد و در پی کسب و جلب رضایت خداوند و اهل بیت علیهم السلام گام بردارد.

عمل بحر مَوَاج و اقیانوس خطرناکی است که عدم خلوص سبب شده که بسیاری در آن غرق شوند؛ به یقین، خلوص نیت سبب ارزشمندی عمل مداح می‌شود و به نفس او برکت می‌بخشد. در روایتی از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: «أَخْلِصْ قَلْبَكَ يَكْفِيكَ الْقَلِيلُ مِنَ الْعَمَلِ؛ تو نیت را خالص کن؛ عمل کم هم تو را کفایت می‌کند.»^۱

روحیه مداح باید به گونه‌ای باشد که اگر مورد تشویق یا چنانچه مورد انتقاد قرار گرفت، خللی در نیت و عملش ایجاد نشود. امام صادق علیه السلام در این زمینه چنین می‌فرماید:

لَا يَصِيرُ الْعَبْدُ خَالِصًا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَتَّى يَصِيرَ الْمَدْحُ وَالذَّمُّ عِنْدَهُ سَوَاءً

بنده به درجه خلوص برای خدای متعال نمی‌رسد مگر زمانی که تعریف یا مذمتی که از او می‌شود هر دو در نزد وی یکسان باشد.^۲

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۰، ص ۱۷۵.

۲. همان، ج ۷۳، ص ۲۹۴.

هرگاه نیت برای خداوند متعال خالص باشد و رضای خداوند ملاک عمل قرار بگیرد، کلام آن‌شخص نیز در دل‌ها اثرگذار است و موجب نزدیکی قلوب به سوی خداوند متعال می‌شود.

۲-۳. تقوا

تقوا، اسم مصدر از ریشه «وق ی»، در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید و فوق‌العاده است.^۱

تقوا صفتی است که انسان را از گناه و نافرمانی خداوند متعال، باز می‌دارد و بر طاعت و بندگی او برمی‌انگیزد.

این خصوصیت براننده هر مسلمانانی است ولی در مداحان اهل بیت علیهم‌السلام جزو اولویت‌ها و شاخص‌ها به‌شمار می‌رود. این اهمیت از آن رو است که مداحان اهل بیت علیهم‌السلام باید مردم را به سوی راه حق و حقیقت رهنمون باشند. لذا، باید به این صفت حمیده مزین باشند. البته، صرف داشتن تقوا برای مداح کافی نیست، بلکه هنر مداح آن است که در عین آنکه خود متصف به این صفت تقوا است، بتواند آن را به میان مردم و جامعه بکشانند و موجبات شکل‌گیری و استحکام یک جامعه متقی شود.

۲-۴. ادب

یکی از سجایای اخلاقی که مداح باید خود را به آن مزین کند ادب و فروتنی است. مادح ائمه معصومین علیهم‌السلام باید مؤدب‌ترین شخص باشد، زیرا ادب و تواضع از شروط حایز اهمیت ستایشگری آستان خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام است.

۱. محمد بن مکرم ابن‌منظور، همان، ج ۱۵، ص ۴۰۲.

مداح باید سعی داشته باشد ادب را در صحبت کردن، نگاه کردن، نشستن، گفتن مسائل، به زبان آوردن نام‌ها و القاب اهل بیت علیهم‌السلام و دیگر موارد رعایت کند، زیرا هم خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام و ملائکه حاضر و ناظر هستند و هم نگاه مردم به مداح نگاه دیگری است و او را، در مسائل دینی و خصوصیات اخلاقی، الگوی خویش می‌دانند. از این رو، مداح باید همیشه و در همه حال ادب را حفظ کند.

امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام در وصف ادب می‌فرماید: «كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ إِلَى الْعُقْلِ وَ الْعُقْلُ يَحْتَاجُ إِلَى الْإِدَبِ؛ هر چیزی نیازمند عقل و خرد است و خرد نیازمند ادب.»^۱

ادبی که مداح باید در پیش بگیرد از دو جهت بیان‌شدنی است: ادب نسبت به مستمعین و ادب نسبت به پیشکوتان و مادحین دیگر.

از آنجاکه یک مداح همیشه در مقابل دیدگان مستمعین هست و از احترام خاصی میان مردم برخوردار است، باید همواره رعایت ادب را نسبت به مستمعین خود داشته باشد و از نظر گفتاری و طرز برخورد در روابط اجتماعی باید دقیق و حساس باشد تا بتواند الگوی بسیار مناسبی برای مستمعین خود باشد.

ادب و احترام به پیشکوتان و نحوه برخورد با آنان باید به گونه‌ای باشد که در اذهان همه آنان که مداح را می‌شناسند نقش ببندد و همیشه او را با خصلت نیکوی ادب به یاد آورند. ادب نسبت به پیشکسوت را در چند مورد می‌توان خلاصه نمود:

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۱۰.

الف) حضور پیشکسوت در مجلس: اگر در مجلسی چندین مداح حضور دارند، شایسته‌تر آن است که روضه را پیشکسوت بخواند. روضه خواندن در جایی که مداح متبحرتری وجود دارد، نوعی بی ادبی محسوب می‌شود، مگر اینکه با او هماهنگ شده باشد و خود او اجازه داده باشد، که در این صورت هم، قبول نکردن بهتر است.

ب) تأسی به مداح قبلی: مداح مؤدب کسی است که در خواندن روضه به مداح قبلی تأسی نماید، یعنی سعی کند که روضه او را تکمیل نماید و موضوع روضه را تغییر ندهد. پس، اگر روضه را تا نیمه خوانده، بایستی دنباله آن را بخواند و اگر روضه تا آخر ارائه شده، به پردازش زوایایی دیگری از روضه پردازد و روضه را با همان محوریت پیشین ادامه دهد.

پ) دعوت از مداح دیگر: اگر مجلس در اختیار یک مداح باشد و در اثنای مجلس، مداح دیگری وارد شود، ادب مداحی اقتضا می‌کند که حتماً برای فیض دادن از او دعوت به عمل آید و با استفاده از یک شگرد مناسب، او را تحریک به اجابت دعوت کند، و ادب آن است که مجلس را در اوج به مداح دیگر واگذار کند تا مداح بعدی با یک مجلس خسته و بی‌رمق مواجه نباشد.

۲-۲-۵. صبر

صبر، در لغت عرب، به معنای خویشنداری، حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است.^۱

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار العلم، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۳.

و صبر، در اصطلاح، عبارت است از وادار نمودن نفس به انجام آنچه که عقل و شرع اقتضا می‌کنند و بازداشتن از آنچه عقل و شرع نهی می‌کنند.^۱

حضرت موسی (علیه السلام) در اولین لحظاتی که مسئولیت پیامبری را برعهده گرفت از خداوند طلب صبر و سعه صدر نمود:

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاخْلُقْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي يَتَّقَهُوْاْ قَوْلِي (طه: ۲۵-۲۸).

[موسی] گفت: سینه‌ام را برایم بگشا، و کارم را برایم آسان گردان، و گره از زبانه‌م بگشای، تا سخن مرا به طور عمیق بفهمند.

یک مداح اهل بیت (علیهم السلام) باید دارای صفت مهم صبر باشد، تا حوادث و جریان‌های مختلف او را وادار به انحراف از مسیر حق نکند. در چنین شرایطی، مداح واقعیت‌ها را می‌پذیرد و با صبر به مدیریت صحیح موقعیت خود می‌پردازد.

۲-۳. اخلاق اجتماعی مداح

بی‌تردید ارتباط اجتماعی مداح با مردم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین جهت اخلاق اجتماعی مداح مورد توجه خاصی است. در اینجا به برخی از این شاخص‌های اخلاق اجتماعی مداح اشاره می‌شود.

۲-۳-۱. حسن خلق

مهم‌ترین سرمایه یک مداح حسن خلق او است. اگر یک ذاکر اهل بیت (علیهم السلام) - که درواقع مبلغ دین و معارف الهی نیز شمرده می‌شود - بخواهد مردم را به سوی

مجالس اهل بیت علیهم‌السلام جذب کند، اولین ریسمان متصل‌کننده بین او و مردم حسن خلق او خواهد بود. از این رو، سزاوار است که مداح با اخلاق خوبش مقدمات اتصال میان مستمعین و اهل بیت علیهم‌السلام را فراهم کند.

مردم به مداح به‌عنوان کسی که وسیله‌ای برای ارتباط با معصومین علیهم‌السلام است احترام ویژه‌ای قائل‌اند. از همین رو، ضروری است که مداح به اخلاق خوب آراسته باشد تا موجبات حضور مشتاقانه مردم در مجالس اهل بیت علیهم‌السلام فراهم گردد.

مداح باید به این نکته توجه داشته باشد که مستمعین فقط به دنبال صدای خوش نیستند، بلکه رفتار و اعمال نیکوی مداح نیز برای مستمعین حایز اهمیت است.

در روایتی، امام صادق علیه‌السلام درباره خواص و چگونگی رفتار و اثربخشی آن چنین فرموده است:

الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ، وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا، وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ، وَهُوَ مِنْكَ أَقْبَحُ لِمَكَانِكَ مِنَّا.

عمل خوب از هرکس که باشد خوب است و از تو خوب‌تر، زیرا وابسته به مایی، و عمل بد را هرکس انجام دهد بد است و از تو بدتر و ناپسندتر.^۱

امام صادق علیه‌السلام سخن فوق را برای شخصی که وابستگی‌ای دور با ایشان داشته بیان فرمود؛ امام صادق علیه‌السلام در حال عبور از خانه منصور دوانیقی بود و دید این شخص در مقابل خانه منصور دوانیقی ایستاده است و می‌خواهد جایزه بگیرد. امام صادق علیه‌السلام چیزی به او داد و به وی فرمود که مردم ایستادند که جایزه

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۱، ص ۲۰۹.

بگیرند اما تو منسوب به ما هستی و چنین انجام نده و حساب تو غیر از حساب عموم مردم است. مداح یکی از مصادیق بارز این روایت است. به جهت منتسب بودن مداح به اهل بیت علیهم السلام رفتار و اعمال وی، به دقت مورد نظر مردم است و مداح باید این شأنیت را در همه احوالات در نظر داشته باشد و متناسب با آن رفتار کند.

۲-۳-۲. وفای به عهد

با نگاهی به آیات قرآن درمی یابیم که وفای به عهد از جایگاه ویژه ای برخوردار است، به ویژه اینکه از آن به عنوان علامت ایمان یاد شده است. این نکته مهم به طور صریح در قرآن مطرح شده است که می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (مؤمنون: ۸)؛ مؤمنان کسانی هستند که امانت ها و عهد خود را مراعات می کنند.» و نیز قرآن مجید درباره وفای به عهد بسیار سفارش کرده، می فرماید: «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۴)؛ به عهد (خود) وفا کنید که از عهد سؤال می شود.»

مداح اهل بیت علیهم السلام باید دارای صفت نیکوی وفای به عهد باشد. طبق آیه ذکر شده، در هنگام تعهد، واجب است به قول خود وفادار بود. یکی از مصادیق وفای به عهد وعده ای است که مداح به مردم می دهد و باید نسبت به قولی که داده شده اهتمام ویژه ای ورزد، زیرا اکثر این تعهدات برای مجالس اهل بیت علیهم السلام است و بدعهدی در این زمینه می تواند مقدمات پراکندگی یا تعطیلی محافل اهل بیت علیهم السلام را رقم بزند. مداح باید خود را سر همان موعد مقرر به مجلس برساند، زیرا بعضی وقت ها عدم وفای به عهد موجب سرشکستگی بانی مجلس نزد مردم می گردد. همچنین، مداح باید برنامه خود را در همان زمان تعیین شده ارائه دهد و مجلس را به اتمام برساند، هر چند آمادگی بر اجرای چند برابر آن را

هم داشته باشد. مداح نباید آنقدر برنامه را طولانی کند که مجبور شوند به او تذکر بدهند، چراکه این یک نوع کسر شأن و شکست برای مداح اهل بیت علیهم‌السلام قلمداد می‌شود. قاعده کلی این است که مداح همواره باید از مؤلفه کم خواندن برای نمکین شدن مجلس خود استفاده کند و پیش از خسته شدن مستمع، مجلس را پایان داده، همه توان مستمع را از او نگیرد.

۲-۳-۳. راستگویی

صداقت و راستگویی از بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی است که در تعالیم و آموزه‌های دینی جایگاه ویژه دارد. راستگویی باید در کردار و گفتار نمود داشته باشد، یعنی باید به آنچه گفته می‌شود جامل عمل پوشانیده شود تا ظاهر و باطن با یکدیگر مطابقت داشته باشند.

مداحی عرصه‌ای است که بیشتر از همه صداقت را می‌طلبد؛ مداح در سخنانش باید اصل صداقت را در نظر داشته باشد. از این‌رو، مداحی که برای گرمی مجالس خود از مطالب غیرواقع و کذب استفاده می‌کند نه تنها به بزرگی نمی‌رسد بلکه متحمل ضررهای فراوانی می‌شود.

۲-۳-۴. تواضع

در مجالس و محافل اهل بیت علیهم‌السلام جایی برای تکبر نیست. در چنین مکانی، سخن راندن درباره بالا یا پایین بودن مقام و منزلت کاری بس بیهوده است؛ آنچه در محضر اهل بیت علیهم‌السلام مقام و منزلت دارد تواضع و فروتنی است؛ شایسته است مداح که وظیفه ستایشگری این خاندان پرمنقبت را بر عهده دارد خود را بیش از همگان به این صفت حمیده متصف کند؛ دستاورد معنوی ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام به سبب افتادگی و تواضع در پیشگاه مقدس این ذوات مقدسه

به دست می آید؛ مداحی که متکبر است نه تنها در پیشگاه ائمه معصومین علیهم السلام جایگاهی ندارد، بلکه در میام مردم نیز اعتباری ندارد؛ اعتبار مداح از میزان تواضع او در آستان خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام به دست می آید.

۲-۳-۵. روحیه انتقادپذیری

در اینکه جامعه و همگان به نقد و انتقاد سالم و سازنده نیازمندند تردیدی نیست، اما این نیمی از کار است؛ نیم دیگر، که در واقع کامل کننده کار است، نقدپذیری و به کار بستن انتقاد ناقدان است. پذیرش انتقاد و نصیحت مشفقانه خصلتی انسانی و اسلامی است و بیشترین نقش را در حل آسیب ها و آفت های فردی و اجتماعی دارد. انتقادپذیری زمینه ساز بسیاری از خوش بینی ها و امیدواری ها نسبت به اصلاح امور است. پذیرش انتقاد نه تنها چیزی از ابعاد شخصیتی انسان نمی کاهد بلکه روشن ترین گواه بر شخصیت و کمال عقل آدمی است.

قرآن کریم می فرماید: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (الذاریات: ۵۵)؛ و پند ده! زیرا پند در مؤمنان سودمند می افتد.

انسان گاه به سبب رفتارها و واکنش ها مورد ملامت و انتقاد دیگران قرار می گیرد. از جمله سفارش های تربیتی اسلام این است که اولاً، انسان ها، ضمن سعه صدر و حلم، گوش شنوا درباره دیگران داشته باشند و ثانیاً، دیگران آینه وار عیوب را همانند هدیه به آنان تقدیم کنند.

ذاکر اهل بیت علیهم السلام نیز از این امر مهم مستثنا نیست، بدین بیان که باید با صبوری و متانت تمام به انتقادات و دلسوزی هایی که نسبت به وی مبذول شده گوش فرادهد و با تأمل و درایت کامل درصدد رفع آنها برآید.

۲-۳-۶. مردم‌شناسی

لازم است که مداح قبل از ورود به مجلس اجمالاً مستمع خود را بشناسد و بداند که از چه قشری است و در چه سطح معنوی قرار دارد تا راحت‌تر بتواند با او ارتباط برقرار کند.

و نیز شناخت مستمع و کسب اطلاعات از وضعیت جلسه از لوازم مهم کار مداحی است، چراکه مداح باید براساس شناخت از افکار و عقاید و حالات هر جمعی مداحی کند و این شناخت در هر زمان و مکانی با زمان و مکان دیگر متفاوت است.

در صورتی که مداح نسبت به مستمعین خود شناخت کافی را نداشته باشد، معارف اهل بیت (ع) در همان غربت خود باقی می‌مانند و شرایط انتقال معارف به طور صحیح فراهم نمی‌شود.

مداح باید شأن مستمعین، خود و اهل بیت (ع) را همیشه نگاه دارد و در انتخاب اشعار، نوحه یا سرود دقت کند، که متناسب با همان مجلس و مخاطبین باشد.

مداحی که مهمان است و با مجلس آشنایی ندارد باید خیلی محتاطانه عمل کند. او پیش از شروع به مداحی، باید بداند که مجلس به چه مناسبت تشکیل شده، انگیزه تشکیل آن چه بوده و یا به چه مناسبت‌های ویژه‌ای برگزار شده است تا به تناسب انگیزه و هدف تشکیل مجلس، محتوای خود را انتخاب و اجرا کند.

خلاصه درس

ـ در آستان ستایشگری اهل بیت (ع)، اساس و شالوده را اخلاق تشکیل

می‌دهد؛ اخلاق مداح را می‌توان به دو دسته اخلاق فردی مداح و اخلاق اجتماعی مداح تقسیم نمود.

- در میان مبانی اخلاق فردی مداح می‌توان به شاخص‌های معرفت به امام علیه السلام، اخلاص، تقوا، ادب و صبر اشاره کرد.

- حُسن خلق، وفای به عهد، راستگویی، تواضع، روحیه انتقادپذیری و مردم‌شناسی از شاخص‌های مبانی اخلاق اجتماعی مداح به‌شمار می‌رود.

پرسش‌ها

۱. در میان مبانی اخلاق فردی مداح، دو مورد را به‌اختصار شرح دهید.
۲. تفسیر علامه مجلسی از روایت «فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ» را بیان کنید.
۳. بارزترین خصوصیت مداح وی است.
۴. صحیح و غلط را در جملات داده شده مشخص کنید.
- الف) تقوا به معنای مراقبت شدید و فوق‌العاده است. ☐ صحیح ☐ غلط
- ب) حضرت موسی در اولین لحظاتی که مسئولیت پیامبری را برعهده گرفت از خداوند طلب اخلاص کرد. ☐ صحیح ☐ غلط
- ج) روحیه انتقادپذیری از شاخص‌های اخلاق فردی مداح است. ☐ صحیح ☐ غلط
- د) یکی از مصادیق وفای به عهد وعده‌ای است که مداح به مردم می‌دهد. ☐ صحیح ☐ غلط

منابع برای مطالعه بیشتر

روح‌الله بیطرفان، آداب و اخلاق و علوم مداحی، قم، نوید ظهور، ۱۳۹۳.

درس سوم:

پیشینه تاریخی مداحی

اهداف درس

- امید است فراگیر در پایان این درس بتواند به اهداف زیر دست یابد:
 - تاریخچه مداحی و سوگواری میان معصومین علیهم السلام را بشناسد؛
 - دوره‌های عزاداری برای امام حسین علیه السلام بعد از شهادت ایشان را نام ببرد؛
 - بتواند تاریخ زندگی اهل بیت علیهم السلام را به هنگام مداحی تحلیل کند؛
 - عزاداری‌های نخستین برای امام حسین علیه السلام را به زبان خود بازگو کند؛
 - اشکال و قالب‌های سوگواری عاشورا را فهرست‌وار بیان کند.
- در درس گذشته، به اخلاق مداحی از دو حیث فردی و اجتماعی پرداخته شد. در این درس به پیشینه تاریخی مداحی پرداخته می‌شود. در این درس سعی شده تا با تقسیم سوگواری به دو دسته میان معصومین علیهم السلام و میان شیعیان به تحلیل و گزارشی مناسب از آن دست یافت.

۳-۱. پیشینه مداحی

مداحی ریشه‌ای تاریخی در سیره حضرت محمد ﷺ و اهل بیت او دارد. در زمان حضرت محمد ﷺ، اشعار زیادی هم در مدح و ثنای خداوند و هم در مدح شخص او و هم در رابطه با وقایع تاریخی مثل غدیر خم سروده شده که بسیاری از این اشعار در دیوان‌های مختلف شعری موجود است. امامان شیعه علیهم‌السلام شاعران را به سرودن شعر درباره خداوند متعال و پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ تشویق می‌کردند و همین امر نشان‌دهنده جایگاه قابل توجه مداحی در اسلام است.

برای نمونه، می‌توان به شعرایی اشاره داشت که در محضر امام باقر علیهم‌السلام و امام صادق علیهم‌السلام شعر می‌خواندند و مورد تشویق ایشان قرار می‌گرفتند و چون شعر آنها شعر مصیبت بود، از خانواده خود دعوت می‌کردند تا پشت پرده حاضر شوند و در شنیدن مرثیه امام حسین علیهم‌السلام شرکت کنند. طبعاً، بانوان رقت قلب بیشتری دارند. بنابراین، زودتر به حالت گریه و زاری می‌افتند و گریه و زاری آنها مهیج گریه و زاری مردان می‌شود.

پیشینه تاریخی مداحی را در دو دسته می‌توان بررسی نمود:

الف) مداحی و سوگواری میان معصومین علیهم‌السلام؛

ب) مداحی و سوگواری میان شیعیان.

۳-۱-۱. مداحی و سوگواری میان اهل بیت علیهم‌السلام

همه خاندان اهل بیت علیهم‌السلام از نبی مکرم اسلام ﷺ و امیرالمؤمنین علی علیهم‌السلام تا امام زمان علیهم‌السلام برای سیدالشهدا علیهم‌السلام مرثیه‌سرایی و عزاداری نموده‌اند. در این مجال، چند نمونه از روایاتی که اشاره به مرثیه‌سرایی از جانب معصومین علیهم‌السلام دارد ذکر شده است.

- سوگواری امام سجاد^{علیه السلام}:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ^{عليه السلام} يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكْعَةٍ ... وَلَقَدْ كَانَ
بَكَى عَلَى أَبِيهِ الْحُسَيْنِ ^{عليه السلام} عَشْرِينَ سَنَةً، وَمَا وَضَعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامًا إِلَّا
بَكَى، حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَمَا أَنْ لِحُزْنِكَ أَنْ يَنْقُضِيَ؟!
فَقَالَ لَهُ: وَيَحْك، إِنَّ يَعْقُوبَ النَّبِيَّ ^{عليه السلام} كَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ ابْنًا، فَغَيَّبَ اللَّهُ
عَنْهُ وَاحِدًا مِنْهُمْ، فَأَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنْ كَثْرَةِ بُكَائِهِ عَلَيْهِ، وَشَابَ رَأْسُهُ مِنْ
الْحُزْنِ، وَاحْدَوْدَبَ ظَهْرُهُ مِنَ الْغَمِّ، وَكَانَ ابْنُهُ حَيًّا فِي الدُّنْيَا، وَأَنَا نَظَرْتُ إِلَى
أَبِي وَأَخِي وَعَمِّي وَسَبْعَةَ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مَقْتُولِينَ حَوْلِي، فَكَيْفَ
يَنْقُضِي حُزْنِي.^۱

امام سجاد^{علیه السلام} به مدّت بیست سال برای پدرش حسین^{علیه السلام} گریست،
هرگاه غذایی برای آن حضرت می‌آوردند گریه می‌کرد. یکی از
خدمتگزاران او عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، آیا وقت آن نرسیده
است که حزن و اندوه تو پایان یابد؟ آن حضرت فرمود: «وای بر تو!
یعقوب پیامبر دوازده فرزند داشت و یکی از آنان را خداوند از دید وی
پنهان ساخت. پس، [ایشان] آنقدر گریست که چشمانش از شدّت
گریه به سفیدی گرایید و موی او از کثرت غم سپید گشت و کمرش از
زیادی اندوه خم شد. و این در حالی بود که فرزندش زنده بود. اما
من با چشم خود دیدم که پدرم و برادرانم و عموهایم و هفده مرد از
اهل بیتم در اطراف من کشته شده‌اند. چگونه اندوه من پایان
پذیرد؟»

۱. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲،

- سوگواری امام صادق (ع):

عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَالِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَتَحَنُّنٌ فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ
نُرِيدُ مَكَّةَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِي أَرَاكَ كَثِيبًا خَزِينًا مُنْكَسِرًا فَقَالَ
لِي لَوْ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ لَشَغَلَكَ عَنْ مُسَاءِ لَيْتِي قُلْتُ وَمَا الَّذِي تَسْمَعُ قَالَ
ابْتِهَالُ الْمَلَائِكَةِ إِلَى اللَّهِ عَلَى قَتْلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) وَعَلَى قَتْلَةِ
الْحُسَيْنِ (ع) وَنُوحِ الْجَنِّ عَلَيْهِمَا وَبُكَاءِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ حَوْلَهُمْ وَشِدَّةِ
حُزْنِهِمْ فَمَنْ يَتَهَنَّأُ مَعَ هَذَا بِطَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ أَوْ نَوْمٍ.^۱

صفوان بن جمال می گوید: در راه مدینه عازم مکه بودیم که از امام
صادق (ع) پرسیدم: ای پسر پیامبر خدا! چه شده که شما را اندوهگین
و گرفته می بینم؟ حضرت (ع) فرمود: «اگر آنچه را من می شنوم تو هم
می شنیدی، تو را از سؤال کردن از من باز می داشت.» عرض کردم:
چه شنیدید؟ فرمود: «نفرین و ناله فرشتگان به درگاه خداوند عزوجل
بر قاتلین امیرالمؤمنین (ع) و امام حسین (ع) و نوحه سرایی جنیان و
گریه فرشتگان در اطراف و بی تابی زیاد آنها را. با این وصف، برای چه
کسی، غذا، آب یا خواب گوارا می شود؟»

- سوگواری امام رضا (ع):

در سیره امام رضا (ع) گزارشاتی وجود دارد که امام (ع) درباره سوگواری برای
امام حسین (ع) مواردی را فرموده است. از جمله این گزارشات می توان به روایتی
که مرحوم مجلسی در بحارالأنوار آورده است اشاره کرد که از دعبل خزاعی
حکایت کرده است:^۲

۱. جعفر بن محمد ابن قولویه القمی، همان، ص ۲۹۷.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۵، ص ۲۵۷.

در مثل چنین روزهایی (ایام محرم) خدمت مولایم علی‌بن موسی الرضا علیه السلام رسیدم. اندوهگین و ماتم‌زده نشسته بود و اصحابش پیرامون او بودند. چون مرا دید که می‌آیم، فرمود: «آفرین بر تو، ای دعبل! مر حبا به یاور ما با دست و زبانش!» آنگاه در مجلس کنار خودش برایم جا باز نمود و مرا کنار خود نشاند و فرمود: «دعبل! دوست دارم برایم شعر بخوانی. این روزها روز اندوه ما اهل بیت است و روز شادی دشمنان ما به‌خصوص بنی‌امیه بوده است. ای دعبل! هرکس بر مصیبت ما بگرید یا حتی یک نفر را بگریاند، اجر او بر خداست. هرکس در مصیبت ما چشمش اشکبار شود و بر مصیبتی که از دشمنان مان بر ما رسیده بگرید، خداوند او را با ما محشور می‌کند. ای دعبل! کسی که در مصیبت جدم امام حسین علیه السلام بگرید، البته، خداوند گناهان او را بیامرزد.» سپس، ایشان برخاست و پرده‌ای در میان ما و اهل حرم زد و اهل بیتش را پشت پرده نشانید تا در مصیبت جد خود امام حسین علیه السلام بگریند. آنگاه، رو به من کرد و فرمود: «ای دعبل! برای حسین مرثیه بخوان. تو تا زنده‌ای ستایشگر و یاور مایی. پس، تا می‌توانی از یاری ما کوتاهی مکن.» اشکم جاری شد و این اشعار را خواندم:

ای فاطمه! اگر به خیال تو می‌گذشت که روزی حسین تو کنار شط فرات لب‌تشنه جان دهد، بر صورت خویش می‌زدی و اشک از دیدگان جاری می‌ساختی. ای فاطمه! ای دختر پیامبر نیکی! برخیز و مویه کن بر اختران آسمان‌ها که بر خاک تیره افتاد.

— سوگواری امام زمان علیه السلام:

امام زمان علیه السلام خطاب به جد بزرگوارشان امام حسین علیه السلام عرضه می‌دارند:

سَلَامٌ مِنْ قَلْبِهِ بِمُصَابِكَ مَقْرُوحٌ، وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ، سَلَامٌ
الْمَفْجُوعِ الْخَزِينِ، الْوَالِيهِ الْمُسْتَكِينِ، سَلَامٌ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالْطُّفُوفِ،
لَوْفَاكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ، وَبَدَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُثُوفِ، وَجَاهَدَ بَيْنَ
يَدَيْكَ، وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ، وَفَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ وَ
وَلَدِهِ، وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَأَهْلُهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً، فَلَيْتَ أَخْرَجْتَنِي الدُّهُورَ، وَ
عَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمُقْدُورَ، وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِباً، وَلَيْتَ نَصَبَ
لَكَ الْعِدَاةَ مُنَاصِباً، فَلَا تُدْبِتَكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً، وَلَا تَبْكِيَنَّ لَكَ بَدَلُ
الدَّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ، وَتَأْسُفًا عَلَى مَا دَهَاكَ وَتَلَهْفًا، حَتَّى أُمُوتَ
بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ، وَغُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ.^۱

سلام کسی که قلبش از مصیبت تو جریحه‌دار و اشکش به هنگام یاد
تو جاری است، سلام کسی که دردناک و غمگین و شیفته و فروتن
است، سلام کسی که اگر با تو در کربلا می‌بود، با جانش [در برابر]
تیزی شمشیرها از تو محافظت می‌نمود، و نیمه جانش را به خاطر تو
به دست مرگ می‌سپرد، و در رکاب تو جهاد می‌کرد، و تو را علیه
ستمکاران یاری داده، جان و تن و مال و فرزندش را فدای تو
می‌نمود، و جانش فدای جان تو، و خانواده‌اش سپر بالای اهل بیت
تو می‌بود، اگرچه زمانه مرا به تأخیر انداخت، و مقتدرات الهی مرا از
یاری تو بازداشت، و نبودم تا با آنان که با تو جنگیدند بجنگم، و با
کسانی که با تو اظهار دشمنی کردند خصومت نمایم، [درعوض]
صبح و شام بر تو مویه می‌کنم، و به جای اشک برای تو خون گریه

۱. محمد بن جعفر ابن مشهدی، المزار الکبیر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۰۱.

می‌کنم، از روی حسرت و تأسّف و افسوس بر مصیبت‌هایی که بر تو وارد شد، تا جایی که از فرط اندوه مصیبت، و غم و غصّه شدّتِ حزن جان سپارم.

۳-۱-۲. مداحی و سوگواری میان شیعیان

تعبیر مداحی، تعبیر فارسی نسبتاً متأخری است. هنگامی که مذهب شیعه در ایران رسمیت یافت و مراسم شیعه از جمله عزاداری برای ائمه علیهم‌السلام، به‌ویژه امام حسین علیه‌السلام راه افتاد، تعبیرات دیگری از قبیل مرثیه‌خوانی بود.

عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام و یاران ایشان از همان روز واقعه کربلا در روز عاشورا شروع شد. بی‌شک، نخستین کسانی که بر سوگ این بزرگواران اشک ریختند اهل بیت ایشان و قوم بنی‌هاشم بودند. روز یازدهم محرم سال ۶۱ هجری که اهل بیت علیهم‌السلام در کنار اجساد مطهر شهیدان به سوگ و ماتم نشستند نقطه آغاز این عزاداری‌ها به حساب می‌آید.

پس از ورود کاروان اسیران به کوفه و سخنرانی امام سجاد علیه‌السلام و حضرت زینب علیه‌السلام و ام‌کلثوم علیه‌السلام صدای ضجّه و گریه مردم شهر بلند شد که نوعی عزاداری برای شهدای کربلا بود. زمانی هم که کاروان اسرا به شام رسید، اهل بیت علیهم‌السلام به مدت سه‌روز به عزاداری مشغول بودند.

اولین عزاداری در مدینه توسط ام‌سلمه - همسر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - برگزار شد و پس از ورود اهل بیت علیهم‌السلام به مدینه، همه مردم به عزای عمومی پرداختند و امام سجاد علیه‌السلام مصائب کربلا را برای مردم شرح داد و مردم در سوگ این مصیبت عظیم گریستند. عزاداری‌های مدینه به حدی اوج گرفت که عمر بن سعد موضوع را به اطلاع یزید رساند و وجود زینب علیه‌السلام را تحریک‌آمیز خواند، تا اینکه ایشان به شام یا مصر تبعید شد.

با وجودی که عزاداری امام حسین علیه السلام در طول تاریخ اسلام کم و بیش جریان داشت، برپایی گسترده این مراسم به صورت سازمان یافته و با دستور و حمایت حکومت به دوران آل بویه در بغداد برمی گردد.

اولین ردپای روضه خوانی در تاریخ مربوط به حکومت شیعی آل بویه است، که یکی از حاکمان این سلسله به نام معزالدوله در سال ۳۵۳ هجری مراسم رسمی عزاداری خیابانی را در بغداد (پایتختش) در ماه محرم برپاساخت و دستور داد مردم در این ماه سیاه بپوشند،^۱ و به صورت آشکار در کوچه و بازار حضور یابند و بازار را تعطیل کنند. این عمل در طی قرن های متمادی به رمز و شعار تشیع تبدیل شد. این عزاداری ها در سده های اخیر با تشکیل دولت صفویه در ایران و اهتمام آنان به این امر از گسترش زیادی برخوردار شد.

۳-۲. دوره های شکل گیری و برگزاری مداحی

باتوجه به مقاطعی که به تبع گسترش تشیع، تغییرهای اساسی در شکل و چگونگی عزاداری انجام گرفته است، مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام بعد از شهادت آن حضرت به چهار دوره تقسیم می شود که عبارت اند از:

- دوره نخست: عزاداری های نخستین برای امام حسین علیه السلام (بدون فاصله بعد از واقعه عاشورا)؛

- دوره دوم: فعلیت و عینیت یافتن عزاداری امام حسین علیه السلام (از عصر امام باقر علیه السلام به بعد)؛

- دوره سوم: آشکار شدن عزاداری امام حسین علیه السلام (از سال ۳۵۲ ق در عصر آل بویه تا عصر صفوی)؛

۱. علی اصغر فقیهی، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، قم، صبا، ۱۳۵۷، ص ۴۶۷.

صورت سیلی می‌زدند، بر چهره خود می‌نواختند، و فریاد ناله سر داده بودند. بعد از عزت، به ذلت و خواری افتادند و به سوی قتلگاه حسین شتابان می‌دویدند.

دومین مرحله‌ای که اهل بیت علیهم‌السلام در آن به عزاداری پرداختند و بر عزیزان خویش گریستند تا مردم را به گریه درآوردند در شهر کوفه بود. اگرچه قاتلان امام حسین علیه‌السلام از مردم این شهر بودند، شیعیان آن حضرت نیز در این شهر می‌زیستند، چراکه این شهر از زمان خلافت علی علیه‌السلام مرکز تشیع به‌شمار می‌رفت. از این رو، مردم این شهر، با دیدن حال اسیران، منقلب شدند و اشک از چشمان‌شان سرازیر شد، به حدی که امام سجاده علیه‌السلام فرمود: «این زنان بر ما می‌گیرند! پس، چه کسی ما را کشته است؟!»^۱

از دیگر مواردی که اهل بیت علیهم‌السلام در آنجا به عزاداری پرداختند، چهلمین روز شهادت امام حسین علیه‌السلام واقع در سرزمین کربلا بود؛ آنگاه که اهل بیت و خاندان امام حسین علیه‌السلام از شام به سوی مدینه روانه بودند، برای زیارت قبور عزیزان از دست‌رفته خود، راه خویش را به جانب کربلا کج کردند و هنگامی که به آن سرزمین رسیدند، با جابر بن عبدالله انصاری صحابی بزرگوار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تعدادی از بنی‌هاشم که برای زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام به آنجا آمده بودند مواجه شدند. اهل بیت علیهم‌السلام چند روز در آنجا برای آن حضرت و سایر شهیدان کربلا به سوگواری و نوحه‌سرایی پرداختند؛ زنان آن منطقه نیز با شنیدن صدای گریه و ناله اهل بیت علیهم‌السلام به سوی آنان شتافتند و با آنان هم‌نوا شدند.^۲

۱. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الأملی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۳۲۰، ح ۸.
 ۲. محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، مسار الشیعه، قم، المؤتمر العالمی لالقیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۶.

۳-۲-۲. فعلیت و عینیت یافتن عزاداری‌ها

در عصر امام باقر و امام صادق علیه السلام - که از سویی، دولت اموی رو به ضعف گذارد و در نهایت به وسیله نیروهای عباسیان برافتاد و از سویی دیگر، دولت عباسی که تازه روی کار آمده بود هنوز مخالفتش را با شیعیان و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بروز نداده بود -، مسئله عزاداری امام حسین علیه السلام به عنوان یک مراسم دینی سالیانه رواج یافت، اگرچه با قدرت گرفتن عباسیان و مخالفت شدید آنان با شیعیان و مظاهر تشیع، عزاداری امام حسین علیه السلام نیز از گسترش بازماند. این فضای اختناق تا آنجا پیش رفت که متوکل عباسی قبر امام حسین علیه السلام را خراب کرد و از زیارت قبر آن حضرت علیه السلام جلوگیری نمود.^۱ این روند تا عصر امام رضا علیه السلام، که جو مناسبی برای شیعیان پیش آمده بود، ادامه داشت.

به نظر می‌رسد در رواج و گسترش عزاداری در عصر ائمه علیهم السلام چند عامل مؤثر بوده است که در ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

(الف) اقدام عملی ائمه اطهار علیهم السلام: امامان معصوم علیهم السلام پیوسته بر جد بزرگوارشان می‌گریستند و در ایام محرم محزون و غمگین بودند و می‌کوشیدند تا برای امام حسین علیه السلام مجالس عزاداری برپا کنند؛

(ب) تشویق به برپایی عزای امام حسین علیه السلام: توصیه‌ها و تشویق‌های ائمه اطهار علیهم السلام جهت برپایی عزای امام حسین علیه السلام به سه شکل بود:

- روایاتی که درباره ثواب گریستن و اشک ریختن بر امام حسین علیه السلام وارد شده است؛

- روایاتی که درباره ثواب سرودن شعر و گریاندن مردم در مصیبت امام

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوك)، بیروت، مؤسسة عزالدین، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۱۲.

حسین علیه السلام وارد شده است؛

- توصیه ائمه اطهار علیهم السلام به برپا کردن مجلس عزای امام حسین علیه السلام در خانه‌های شیعیان.

۳-۲-۳. عزاداری‌های آشکار در عصر آل بویه

یکی از مهم‌ترین مراحل عزاداری امام حسین علیه السلام، بعد از قدرت یافتن سلسله آل بویه در قرن چهارم هجری است، که اوج گسترش تشیع است. در این قرن، حکومت‌های شیعی چون: علویان طبرستان، زیدیان یمن، حمدانیان در شمال عراق، فاطمیان در مصر و آل بویه در عراق و ایران به‌روى کارآمدند. عزاداری امام حسین علیه السلام برای نخستین بار در این قرن در قلمرو و حکومت آل بویه و تحت حمایت آنان به صورت علنی و عمومی در کوچه و بازار برگزار شد.

ابن جوزی گفته است: «در سال ۳۵۲ق، معزالدوله دیلمی دستور داد که مردم در روز عاشورا جمع شوند و اظهار حزن کنند. در این روز، بازارها بسته شد و خرید و فروش موقوف گردید، قصابان گوسفند ذبح نکردند، هریسه‌پزها هریسه (حلیم) نپختند، مردم آب ننوشتند، در بازارها خیمه برپا کردند و به رسم عزاداری کرباس آویختند، و زنان به سروروی خود می‌زدند و بر حسین ندبه می‌کردند.»^۱

ابن اثیر می‌نویسد: «شمار عظیمی از شرکت‌کنندگان با چهره‌های سیاه‌شده و موهای پریشان گرداگرد شهر بغداد می‌گشتند و در روز عاشورا بر سینه می‌زدند و اشعار حزن‌انگیز می‌خواندند.»^۲

۱. یوسف بن قزاوغلی ابن جوزی، تذکرة الخواص، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۲.

۲. علی بن محمد ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۷۰م، ج ۱، ص ۲۱۵.

باتوجه به اینکه قرن چهارم اوج گسترش تشیع بود و حکومت‌های شیعی در اکثر مناطق جهان اسلام از جمله: ایران، عراق، یمن، شام، مصر و طبرستان گسترده بودند، این دستور معزالدوله به طور گسترده از سوی مناطق شیعه‌نشین به خصوص بغداد با استقبال روبه‌رو شد. از جمله سیف‌الدوله حمدانی - از حاکمان سلسله شیعی حمدانیان - در قلمرو حکومت خویش در شمال عراق، دستور عزاداری عمومی برای امام حسین علیه السلام را صادر کرد.

بعد از این زمان، برپایی عزاداری برای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به سرعت در میان شیعیان گسترش یافت و از جمله مهم‌ترین شعائر شیعی گشت. ابوریحان بیرونی - که در قرن چهارم می‌زیسته - در کتاب آثار الباقیه می‌نویسد: «اما شیعیان در این روز نوحه می‌خوانند و می‌گریند؛ این مراسم، هم در مدینه السلام (بغداد) و هم در سایر شهرها و بلاد انجام می‌گیرد.»^۱ در عصر آل بویه، هرگاه عاشورا با عید نوروز یا مهرگان مصادف می‌شد، انجام مراسم عید را به تأخیر می‌انداختند.^۲

مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام بعد از عصر آل بویه در روز عاشورا و در مناطق شیعه‌نشین به طرز جدی رواج داشته است، چنان‌که در کتاب النقص از زبان یک نویسنده متعصب سنی در قرن ششم درباره شیعه آمده است:

این طایفه روز عاشورا اظهار جزع و فزع می‌کنند و رسم تعزیت را اقامت کنند و مصیبت شهدای کربلا تازه گردانند بر منبرها، قصه

۱. محمد بن احمد ابوریحان بیرونی، الآثار الباقیه عن القرون الخالیة، تهران، فردوس، ۱۳۹۰، ص ۳۲۹.

۲. جمال‌الدین ابوالمحاسن اتابکی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و قاهره، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۳۹۲ق، ج ۴، ص ۲۱۸.

گویند، و علما سر برهنه کنند و عوام جامه چاک کنند و زنان روی خراشند و مویه کنند.^۱

از این رو، از قرن ششم به بعد، کتاب‌های زیادی در موضوع مقتل و شهادت امام حسین (ع) به رشته تحریر درآمده که انگیزه نگارش آنها تنها بیان وقایع تاریخی نبوده، بلکه نویسندگان این کتاب‌ها بیشتر رونق مراسم عزاداری و سوگواری امام حسین (ع) را مدنظر داشته‌اند. از این رو، در کتاب‌هایی چون: مقتل الحسین خوارزمی (م ۵۶۸ق) و درر السطح فی خبر السبط قضاعی (م ۶۵۸ق)، مرثیه‌های منشور امام حسین (ع) آمده است. همچنین، سیّدبن طاووس (م ۶۶۴ق) کتاب خود: اللهوف علی قتلی الطفوف را - که به معنای حزن و اندوه بر کشتگان طف می‌باشد - با بحث درباره ثواب گریستن بر اهل بیت (ع) به خصوص امام حسین (ع) شروع کرده است.

در این رابطه می‌توان از منقبت خوانی و مداحی نام برد که از جمله مظاهر و نمودهای عزاداری امام حسین (ع) در این عصر بوده است. از قرن پنجم به بعد کسانی پیدا شدند که در کوچه و بازار، مسجد و مدرسه، فضایل و مناقب خاندان پیامبر (ص) را می‌خواندند و مظلومیت آنان، به‌ویژه امام حسین (ع) را ذکر می‌کردند که به آنان مناقب‌خوان^۲ و بعدها مداح می‌گفتند.^۳

اشکال و قالب‌های سوگواری عاشورا در این دوره را به سه شکل زیر می‌توان

بیان کرد:

۱. عبد الجلیل قزوینی رازی، النقض، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸، ص ۳۷۰.

۲. علی اصغر فقیهی، آل‌بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، تهران، صبا، ۱۳۶۵، ص ۴۵۵.

۳. زین‌الدین محمود واصفی، بدایع الوقایع، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۲۴۷ و ۲۴۹.

الف) مرثیه‌سرایی و سرودن اشعار: این رویه قدیمی‌ترین شکل سوگواری امام حسین علیه السلام به‌شمار می‌رود که هرچه بیشتر در این عصر گسترش یافت. در این عصر، شاعران بسیاری در مظلومیت سیدالشهدا علیه السلام به مرثیه‌سرایی پرداختند.

ب) مقتل خوانی: از قرن چهارم شکل دیگری از مرثیه‌سرایی در کنار سرودن اشعار گسترش یافت که عبارت بود از بیان مظلومیت شهیدان کربلا در قالب نثر یا همان مقتل خوانی، که تألیف کتاب‌های فراوان مقتل در این راستا بوده است. توجه شود که این‌گونه کتاب‌ها صرف جنبه تاریخی نداشته و گریاندن هم از انگیزه‌های تألیف آنها بوده است و شاهد آن آوردن احادیثی است که در ثواب و فضیلت گریه بر امام حسین علیه السلام وارد شده است.

پ) دسته سینه‌زنی: دسته‌های سینه‌زنی شکل جدید عزاداری بود که در عصر آل‌بویه به مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام افزوده شد؛ معزالدوله در سال ۳۵۲ق دستور داد که روز عاشورا تعطیل شود. شیعیان به صورت دسته‌جمعی با حالت غم و اندوه به سر و روی خویش کاه و خاکستر می‌پاشیدند و به سر و سینه می‌زدند و اشعاری در عزای امام حسین علیه السلام می‌خواندند و خیابان‌های شهرها را می‌گشتند. همچنین، در این روز، مردم از تهیه غذا برای خویش خودداری می‌کردند. از این‌رو، نیکوکاران احسان و اطعام می‌دادند. تنها آلتی که از آن در این نوع دسته‌ها نام برده شده طبل است.

۴-۲-۳. توسعه شکلی عزاداری‌ها

بی‌شک، در عصر صفوی، مراسم عزاداری و سوگواری امام حسین علیه السلام وارد مرحله جدیدی شد. شاهان صفوی نه تنها خود شیعه و، به‌غایت، علاقه‌مند به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، بلکه خویشان را ملزم به ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام و اشاعه مذهب شیعه می‌دانستند. یاد و ذکر شهادت امام حسین علیه السلام - که یکی از

شعائر و نمودهای مهم تشیع می‌باشد - در این عصر به رشد و شکوفایی چشمگیری رسید و تقریباً به مرحله تکامل خود پا نهاد. از این رو، سوگواری امام حسین (ع) را در این عصر از دو جهت مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) گسترش: در این عصر، عزاداری امام حسین (ع) به تمام مناطق قلمرو حکومت صفویان حتی به روستاها کشیده شد. از سوی دیگر، زمان سوگواری افزون بر دهه محرم و عاشورا به ماه صفر و ماه رمضان - که اوقات شهادت و رحلت سایر معصومان (ع) در آنها واقع شده است - گسترش یافت، در حالی که پیش از این گزارشی از سوگواری شیعیان در سایر روزها، غیر از روز عاشورا، وجود ندارد. البته، از عصر امام صادق (ع) شیعیان عراق در روزهایی غیر از عاشورا نیز که روایاتی در فضیلت زیارت امام حسین (ع) در آن روزها وارد شده در کربلا و کنار قبر آن حضرت به عزاداری می‌پرداختند.^۱

ب) شکل: از سوی دیگر، شاهان صفوی نسبت به شعائر مذهبی و شیعی تعصب و علاقه زیادی داشتند؛ نصرالله فلسفی در این باره می‌نویسد:

در ده روز اول محرم، از طرف شاه و بزرگان و اعیان کشور، در پایتخت و شهرهای دیگر، مجالس روضه‌خوانی دائر می‌شد و در شب و روز عاشورا و روز بیست و یکم ماه رمضان، دسته‌های سینه‌زن و سنگ‌زن و امثال آنها با مراسم و تشریفاتی که هنوز هم در بسیاری از شهرهای ایران متداول است به راه می‌افتاد.^۲

حتی شاه عباس در سفرهای جنگی نیز سوگواری امام حسین (ع) را برگزار می‌کرد.

۱. جعفر بن محمد ابن قولویه القمی، همان، ج ۱، ص ۱۸۶-۲۰۰.

۲. نصرالله فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، تهران، علمی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۴۷.

عصر صفوی، از سویی، باتوجه به شکل‌گیری حکومت شیعی در ایران، وارث آداب و رسوم و میراث فرهنگی پیشین تشیع بود، که از جمله آنها اشکال و سوگواری امام حسین علیه السلام است. از سوی دیگر، این عصر را می‌توان مرحله اوج‌گیری عزاداری امام حسین علیه السلام دانست، اگرچه سیر تکامل آن در این دوره کامل نشد. با این حال، می‌توان گفت: شکل تکامل‌یافته امروزی سوگواری عاشورا و محرم ریشه در عصر صفوی دارد. توضیح این مطلب در مورد زیر تلخیص شده است:

یک - روضه‌خوانی: واژه روضه و عنوان روضه‌خوانی در اوایل عصر صفوی پدید آمد و پیش از آن، این اصطلاح وجود نداشت. مرحوم میرزا حسین نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان می‌گوید:

در عصر ملا حسین کاشفی که در حدود سال نهصد بود چون کتاب روضه الشهداء را تألیف نمود، مردم رغبت نمودند در خواندن آن کتاب در مجالس مصیبت، و به جهت فصاحت و اخلاق آن کتاب، هرکس از عهده خواندن آن بر نمی‌آمد، بلکه اشخاص مخصوصه بودند که آن را [آن را] درست آموخته در مجالس تعزیه‌داری می‌خواندند و ایشان معروف شدند به روضه‌خوان، یعنی خواننده کتاب روضه الشهداء. پس از آن، کم‌کم، از آن کتاب به کتاب دیگر انتقال نمودند و از آن به خواندن [خواندند] از حفظ، و آن اسم اول برایشان ماند.^۱

دو - دسته‌های سینه‌زنی: راه افتادن دسته‌های سینه‌زنی از زمان آل بویه در میان شیعیان رایج گردید. در عصر صفوی نیز، دسته‌های سینه‌زنی با

۱. حسین بن محمد تقی نوری، لؤلؤ و مرجان، تهران، عابدی، ص ۸.

خواندن اشعار با آهنگ یکنواخت - که در سوگ امام حسین علیه السلام سروده شده بود - در کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌گشتند. در این عصر، برای افزایش هیجان مردم و هرچه شکوهمندتر شدن دسته‌های عزاداری، نواختن طبل و کوبیدن سنج معمول گردید و ادوات جنگی - که در میدان رزم کاربرد داشت - به این‌گونه مجالس راه یافت و به‌مرور، شیپورزنی، علم‌گردانی و حرکت دادن کُتل مورد استفاده سوگواران قرار گرفت. گردانیدن مرکب بدون راکب در میادین عمومی و معابر در هنگام عزاداری از سنت‌های رایج این عصر به‌شمار می‌آید.^۱

سه - تعزیه و شبیه‌خوانی: باتوجه‌به گزارش‌هایی که از سوی سفرنامه‌نویسان از شکل عزاداری عصر صفوی در دست است، می‌توان گفت که تعزیه و شبیه‌خوانی در عصر صفوی به‌عنوان شکل مستقلی از عزاداری و سوگواری ایام محرم، در کنار دسته‌های سینه‌زنی، همانند امروز، مطرح نبوده است بلکه در مراحل مقدماتی و ابتدایی قرار داشته است. اما اینکه تعزیه به صورت تکامل‌یافته امروزی از چه زمانی معمول گشته، می‌توان به سخن نصرالله فلسفی تکیه کرد که می‌نویسد:

تعزیه‌خوانی ظاهراً در زمان شاه عباس و جانشینان او هنوز در ایران مرسوم نبوده، زیرا در هیچ‌یک از تواریخ این زمان نامی از آن برده نشده است. برپاساختن مجالس تعزیه از زمان پادشاهی کریم‌خان زند متداول شد. نوشته‌اند که در عهد وی سفیری از فرنگستان به ایران آمد و در خدمت آن پادشاه شرقی در تعریف تئاترهای

۱. پیتز چلکوسکی، تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داوود حاتمی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۰.

حزن‌انگیز بیان کرد و کریم‌خان پس از شنیدن بیانات وی دستور داد که صحنه‌هایی از وقایع کربلا و سرگذشت هفتادودو تن را ساختند و از آن حوادث غم‌انگیز مذهبی نمایش‌هایی ترتیب دادند که به تعزیه معروف گشت.^۱

تعزیه، نخست، در چهارراه‌ها و میادین انجام می‌شد و بعدها، به بازارها، کاروانسراها، منازل شخصی و تکیه‌هایی که در عصر قاجار ایجاد شدند کشیده شد. به هر حال، در دوره قاجار، تعزیه هم از نظر محتوا و کیفیت و نحوه برگزاری و هم از نظر محل برپایی آن به تکامل رسید.^۲

خلاصه درس

- در سیره اهل بیت علیهم‌السلام، توجه به مداحی و تشویق به سرودن اشعار درباره مصیبت‌های وارد بر امام حسین علیه‌السلام یافت می‌شود.
- پیشینه تاریخی مداحی را در دو دسته مداحی و سوگواری میان معصومین علیهم‌السلام و مداحی و سوگواری میان شیعیان می‌توان بررسی نمود.
- در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام، نمونه‌های تاریخی بسیاری وجود دارد که از برپایی مرثیه و عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام حکایت دارد.
- برپایی مراسم عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام بعد از واقعه عاشورا در میان شیعیان به چهار دوره تقسیم می‌شود.
- نخستین عزاداری‌ها پس از واقعه عاشورا از سوی زنان و دختران شهدا در کربلا و، همچنین، از سوی ام‌سلمه در مدینه برگزار شد.

۱. نصرالله فلسفی، همان، ج ۳، ص ۸۴۸.

۲. پیتر چلکووسکی، همان، ج ۱، ص ۱۲-۱۳.

- در زمان ضعف دولت امویان مراسم عزاداری برای امام حسین (ع) رواج یافت اما با روی کار آمدن دولت عباسی، مخالفت با شیعیان و مظاهر تشیع شدت یافت.

- با به دست گرفتن قدرت به دست آل بویه، برپایی عزاداری برای امام حسین (ع) در روز عاشورا به سرعت در میان شیعیان گسترش یافت.

- پادشاهان صفوی یاد و ذکر شهادت امام حسین (ع) را یکی از شعائر و نمودهای مهم تشیع می دانستند و شیعه در این عصر با رشد و تکامل چشمگیری در برپایی مراسم های عزاداری روبرو شد.

پرسش ها

۱. جایگاه مداحی و سوگواری میان ائمه معصومین (ع) را بیان نموده، مثالی برای آن ذکر نمایید.
 ۲. عوامل مؤثر در رواج و گسترش عزاداری در عصر معصومین (ع) را بیان کنید.
 ۳. اشکال و قالب های سوگواری عاشورا در عصر آل بویه را به اختصار توضیح دهید.
 ۴. عزاداری امام حسین (ع) برای نخستین بار در قرن و در قلمرو حکومت برگزار شد.
 ۵. کدام گزینه صحیح نیست؟
- الف) یکی از حکومت های شیعی علویان در طبرستان بودند که در قرن چهارم تشکیل شد؛
- ب) از قرن پنجم به بعد کسانی پیدا شدند که در کوچه و بازار و مسجد در مظلومیت اهل بیت (ع) منقبت خوانی می کردند؛

ج) در عصر آل بویه، هرگاه عاشورا با ایام عید نوروز مصادف می‌شد، انجام مراسم عید را به تأخیر می‌انداختند؛

د) از قرن هفتم به بعد، کتاب‌های بسیاری با موضوع مقتل و شهادت امام حسین علیه السلام نگاشته شده است.

منابعی برای مطالعه بیشتر

محسن حسام مظاهری، تراژدی جهان اسلام، تهران، آرما، ۱۳۹۷.

درس چهارم:

شعرشناسی

اهداف درس

امید است فراگیر در پایان این درس بتواند به اهداف زیر دست یابد:

- شعر را در لغت تعریف کند؛

- اصطلاحات کاربردی در شعر را فهرست وار بیان کند؛

- قالب های شعری را از یکدیگر تفکیک کند؛

- معیارهای شعر خوب را بیان کند؛

- شاخص های شعر منتخب برای مجالس اهل بیت علیهم السلام را فهرست کند؛

- چگونگی حفظ شعر را به زبان خود بازگو کند؛

- بتواند اشعار مناسب را درست بخواند.

در درس گذشته به پیشینه تاریخی مداحی اشاره شد و به نقش اثرگذار

حکومت های شیعی در برپایی مراسم عزاداری و فعالیت آنان تا عصر کنونی

پرداخته شد.

این درس به بررسی شعرشناسی اختصاص دارد. بدین‌منظور، پس از تعریف شعر و اصطلاحات کاربردی آن، به بیان ویژگی‌های قالب‌های شعری مختلف اشاره شده است. در ادامه، به معرفی معیارهای شعر خوب، خصوصاً شعر مناسب برای مجالس اهل بیت علیهم‌السلام پرداخته شده و نکات ضروری درباره حفظ شعر ذکر شده است.

۴-۱. شعر و قالب‌های شعری

شعر جایگاه بلندی در اندیشه ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام دارد. درواقع، شعر از ابزارهای مهم مداح است. زبان مداح شعر است و مداح باید با شناخت شعر قوی و ضعیف و کارایی‌های آن در مسیر پیشبرد اهداف خود، از شعر مدد بگیرد.

۴-۱-۱. تعریف شعر (نظم)

نظم، در لغت، به معنی به‌هم‌پیوستن، آراستن، ترتیب دادن و در رشته کشیدن دانه‌های مروارید و کلام موزون و باقافیه است،^۱ و شعر، در اصطلاح، به سخنی گویند که گره‌خوردگی با خیال و عاطفه دارد و در زبانی آهنگین شکل می‌گیرد.^۲ شعر ابزاری بسیار قوی برای تبلیغ و بیان حقایق است، چنانچه از دیرباز مورد توجه اهل بیت علیهم‌السلام و بزرگان دینی نیز بوده است. شعر، به‌عنوان یک رسانه، قابلیت رساندن مفاهیم را به شکلی زیبا و دلنشین دارد.

۱. حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۸۹۶-۱۹۹۰.

۲. محمدرضا شفیعی کدکنی، ادوار شعر فارسی: از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران، سخن، ۱۳۹۹، ص ۹۷-۹۸.

۴-۱-۲. اصطلاحات کاربردی در شعر

برای آشنایی با قالب‌های شعری، پسندیده است نخست بر اصطلاحات پرکاربرد در شعر مروری صورت پذیرد.

الف) مصراع: کوچک‌ترین جزء شعر که دارای وزن باشد را مصراع گویند.^۱

ب) بیت: در لغت، به دو مصراع از شعر یک بیت گفته می‌شود.^۲

پ) قافیه: در لغت، قافیه به معنای آخر چیزی است^۳ و در اصطلاح، به کلمات غیر تکراری که در پایان بیت‌ها و مصراع‌ها می‌آیند به گونه‌ای که یک یا چند حرف آخر آنها با هم مشترک است قافیه گفته می‌شود، چنان‌که در بیت زیر، حروف میم، نون، دال و حرکت ماقبل آن (مَند) قافیه است:

ای که به عشقت اسیر خیل بنی آدمند

سوختگان غمت با غم دل خرّمند

ت) ردیف: به واژه یا واژه‌هایی که به صورت مکرر و بدون هیچ تغییری در

آخر بیت‌ها یا مصراع‌ها بعد از قافیه می‌آید ردیف گفته می‌شود، چنان‌که در بیت زیر، کلمه «می‌رود» ردیف است:

ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود

و آن دل که با خود داشتم با دل ستانم می‌رود

ث) وزن شعر: نظم و هم‌آهنگی در طول مصراع‌ها و چیدمان هجاهای هر مصراع را وزن شعر گویند.

ج) مصرّع: به بیتی که هر دو مصراع آن قافیه داشته باشد مصرّع می‌گویند.

۱. جواد برزگر، درسنامه مداحی، قم، عصر صادق، ۱۳۹۹، ص ۴۰.

۲. حسن عمید، همان، ج ۱، ص ۳۹۸.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۵۶۵.

۴-۱-۳. قالب‌های شعری

الف) قصیده: نوعی از شعر که بیشتر در وعظ، حکمت، حماسه یا در مدح و ذم کسی یا چیزی به کار می‌آید، که دو مصراع بیت اول آن با مصراع‌های دوم سایر ابیات دارای یک قافیه است.^۱

در قصیده، غالباً موضوعی معین، همچون ستایش پادشاه، تهنیت جشن، شکر یا شکایت، فخر یا حماسه، پند و حکمت، و مسائل اجتماعی، اخلاقی و عرفانی محور سخن قرار می‌گیرد. ابیات قصیده حداقل ۱۵ بیت و حداکثر آن آزاد است. تفاوت غزل با قصیده در همین تعداد ابیات است. زیرا ابیات در غزل محدود بین ۵ تا ۱۴ بیت می‌باشد.

نمودار قرار گرفتن قافیه در شعر قصیده به صورت زیر می‌باشد:

* -----	* -----
* -----	-----
* -----	-----
* -----	-----

ب) غزل: غزل، در لغت، به معنای عشق‌بازی و سخن گفتن عاشقانه است. اشعاری بر وزن و قافیه با مَطْلَع مُصَرَّع که بیشتر دربارهٔ عشق و عشق‌بازی انشا می‌شود.^۲ حد متوسط تعداد ابیات غزل ۵ تا ۱۲ بیت است و گاهی تا ۱۵ بیت نیز ادامه می‌یابد. البته، گاهی ممکن است غزل‌هایی کمتر از ۵ بیت نیز باشند که به آنها «غزل ناتمام» گفته می‌شود. غزل از حیث رعایت ردیف و قافیه مشابه قصیده است و فقط به لحاظ درون‌مایه تفاوت دارند.

۱. همان، ص ۱۵۸۱.

۲. همان، ص ۱۴۸۰.

نمودار قرار گرفتن قافیه در شعرغزل به صورت زیر می‌باشد:

+	-----	+	-----
+	-----		-----
+	-----		-----
+	-----		-----

پ) **مثنوی:** مثنوی، درلغت، به معنای دو به دو است و، دراصطلاح، به شعری که هر بیت آن قافیه جداگانه‌ای داشته باشد. یعنی تمام ابیاتش مصرع است،^۱ که آن را مزدوج یا زوج زوج نیز می‌نامند. تعداد ابیات مثنوی محدود نیست. از همین رو، از این قالب شعری در داستان‌ها، حماسه‌ها و مطالب طولانی استفاده می‌کنند.

نمودار قرار گرفتن قافیه در شعر مثنوی به صورت زیر می‌باشد:

*	-----	*	-----
+	-----	+	-----
=	-----	=	-----
#	-----	#	-----

ت) **رباعی:** رباعی از کلمه رباع به معنای چهارتایی گرفته شده است. رباعی چهار مصراع شعر است که مصراع‌های اول، دوم و چهارم با یکدیگر هم‌قافیه هستند و بر وزن «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» می‌باشد.^۲ محتوای رباعی‌ها بیشتر عارفانه، عاشقانه یا فلسفی است.

نمودار قرار گرفتن قافیه در شعر رباعی به صورت زیر می‌باشد:

۱. همان، ص ۱۷۶۴.

۲. همان، ص ۱۰۲۹.

+ ----- + -----
+ ----- -----

ث) **دوبیتی:** دوبیتی مانند رباعی است ولی در وزن با یکدیگر تفاوت دارند. دوبیتی بیشتر بر وزن «مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیل» است. هرچند در گذشته، موضوع دوبیتی عارفانه، عاشقانه بوده است، امروزه در موضوعات دیگری همچون اشعار مذهبی نیز سروده می‌شود.

نمودار قرار گرفتن قافیه در شعر دوبیتی به صورت زیر می‌باشد:

+ ----- + -----
+ ----- -----

ج) **ترجیع‌بند:** ترجیع‌بند از چند غزل تشکیل شده است که هرکدام از این قطعه شعرها دارای قافیه و وزن یکسان هستند و در آخر هر رشته شعر، یک بیت یکسان با قافیه‌ای جداگانه تکرار می‌شود که در آخر هر قطعه این بیت تکرار می‌شود.^۱ درون‌مایه ترجیع‌بند عشق، مدح و عرفان است.

نمودار قرار گرفتن قافیه در شعر ترجیع‌بند به صورت زیر می‌باشد:

* ----- * -----
* ----- -----
* ----- -----
* ----- -----

+	-----	+	-----
+	-----		-----
+	-----		-----
+	-----		-----

چ) ترکیب‌بند: ترکیب‌بند مانند ترجیع‌بند است، با این تفاوت که بیت آخر بعد از هر قطعه تکرار نمی‌شود، بلکه هر بار، بیتی با قافیه‌ای دیگر آورده می‌شود.^۱ موضوع ترکیب‌بند مواردی از قبیل مدح، وصف، رثا، عشق و عرفان می‌باشد. نمودار قرار گرفتن قافیه در شعر ترکیب‌بند به صورت زیر می‌باشد:

*	-----	*	-----
*	-----		-----
*	-----		-----
*	-----		-----

+	-----	+	-----
+	-----		-----
+	-----		-----
+	-----		-----

= -----

= -----

ح) **قطعه:** قطعه به شعر موزونی گفته می‌شود که دارای قافیه مشترک در مصرع‌های دوم است و غالباً در موضوع‌های اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، حکایت شیرین و یا مدح و هجو و تهنیت و تعزیت سروده می‌شود. در قطعه، مصرع اول بیت اول دارای قافیه نیست ولی رعایت قافیه در مصرع‌های دوم الزامی است.

نمودار قرار گرفتن قافیه در شعر قطعه به صورت زیر می‌باشد:

* -----	-----
* -----	-----
* -----	-----
* -----	-----

خ) **چهارپاره (دویتی نو):** چهارپاره قالب شعری جدید است. مهم‌ترین دلیلی که نمی‌توانیم چهارپاره را رباعیات پیوسته بدانیم، نوع قافیه‌آرایی آن است. در قالب رباعی، مصرع‌های اول و دوم و چهارم قافیه دارند، اما در چهارپاره فقط مصرع‌های دوم و چهارم قافیه دارند و هر بند قافیه‌ای مجزا دارد.^۱ به عبارت دیگر، می‌توان گفت که چهارپاره ترکیبی است از چندین قسمت که هر کدام دو بیت باشند با وزن یکسان اما قافیه متفاوت، که قافیه هر دو بیت مستقل است و با دیگر دو بیت‌ها تفاوت دارد.

نمودار قرار گرفتن قافیه در شعر چهارپاره به صورت زیر می‌باشد:

* -----	-----
* -----	-----
+ -----	-----

+	-----	-----
=	-----	-----
=	-----	-----

۴-۱-۴. معیارهای شعر خوب

پس از شناخت قالب‌های شعری، می‌توان به دنبال شعر خوب بود. در مداحی برای کسب موفقیت و اثرگذاری در مخاطب باید بتوان اشعار قوی و ناب را با دقت انتخاب نمود.

از این رو باید به عناصر شعر که عبارت‌اند از: ۱. کلام بودن (زبان)، ۲. خیال‌انگیزی، ۳. عاطفی و احساسی، ۴. وزن و موسیقی، ۵. اندیشه و معنا^۱ دقت نمود.

باید تمام عناصر، در یک شعر به شکل صحیح و متناسب که در ادامه بیان می‌شود به کار گرفته شده باشد:

- باید زبان شعر به شکل صحیح خود به کار گرفته باشد و شعر از ایراداتی نظیر کژتابی و ضعف تألیف مصون باشد؛

- باید عنصر خیال به شکل متناسب در شعر به کار گرفته باشد تا شعر را از یک بیان معمولی و نظم‌گونه خارج کند و برای مخاطب جذابیت داشته باشد؛

- باید عاطفه و احساس به حد کافی وجود داشته باشد تا بتوان تأثیر لازم را در وجود مخاطب ایجاد نمود؛

- باید گروه موسیقایی که شامل وزن، قافیه، ردیف و هماهنگی‌های صوتی است به خوبی رعایت شده باشد؛

۱. محمود فتوحی و حبیب‌الله عباسی، درس‌نامه دانشگاهی فارسی عمومی، تهران، سخن، ۱۳۸۹، ص ۳۷-۳۸.

- باید اندیشه (محتوا) صحیح و استنادشدنی به منابع دینی و تاریخی باشد.^۱

۴-۱-۵. ویژگی‌های شعر منتخب برای مجالس اهل بیت علیهم‌السلام

اشعار انتخاب‌شده برای مجالس اهل بیت علیهم‌السلام بایستی واجد ویژگی‌های زیر باشد:

- شعر در ابعاد ادبی، اعتقادی، فرهنگی، سیاسی مشکلی نداشته باشد؛
- شعر باید از محتوای محکم و گویا برخوردار باشد؛
- شعر از وزن مناسب برای اثرگذاری بیشتر و حفظ کردن بهتر برخوردار باشد؛

- مضمون ابیات شعر با هم هماهنگ باشد؛
- شعر در محتوا با مقتضیات شأنی و سنی مجلس سازگار باشد؛
- شعر دارای پیام (اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و ...) باشد؛
- شعر علقه و محبت به خدا و اهل بیت علیهم‌السلام را بیشتر کند؛
- شعر ایمان و تقوا را تقویت کند؛
- شعر با شأنیت و جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام همخوانی داشته باشد؛
- شعر باید از غلو، تحریف و دروغ به دور باشد.

۴-۱-۶. منابع شعری

دیوان و کتب شعری این افراد برای ستایشگری مناسب است:

- صائب تبریزی
- صغیر اصفهانی

- آیت الله شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (معروف به دیوان کمپانی)
- آیت الله شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (الانوار القدسیه، به زبان عربی)

- جودی خراسانی
- ریاضی یزدی
- حاج محمدجان قدسی مشهدی
- نیر تبریزی
- محتشم کاشانی
- مقبل اصفهانی
- عمان سامانی
- خوشدل تهرانی
- آه عاشقان از محمدعلی مجاهد (پروانه)
- نخل میثم از حاج غلامرضا سازگار (۵جلدی)
- ای اشک‌ها بریزید از حبیب الله چایچیان (حسان)
- ای شمع‌ها بسوزید از حبیب الله چایچیان (حسان)
- دل سنگ آب شد از علی انسانی
- ای قلب‌ها بسوزید از حسن فرحبخش (ژولیده نیشابوری)
- ای چشم‌ها بگریید از حسن فرحبخش (ژولیده نیشابوری)
- بهار بی خزان از سیدرضا موید خراسانی.

۷-۱-۴. حفظ شعر

حفظ نمودن اشعار در موفقیت و پیشرفت مداح تأثیر بسزایی دارد.

- برخی از فواید حفظ نمودن شعر توسط مداح از این قرار است: تقویت حافظه، تقویت اعتماد به نفس، و تسلط و مدیریت بهتر جلسه.
- برای حفظ شدن شعر توجه به نکات زیر راهگشا است:
- در موقع حفظ شعر، وضو گرفته شود.
 - دعایی که در مفاتیح‌الجنان برای مطالعه ذکر شده و سبب تقویت حافظه است قرائت شود: «اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنَ الظُّلُمَاتِ الَّتِي فِيهَا كُنْتُ وَأَكْرِمْ نِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»
 - در یک زمان، چهار کار نسبت به شعر صورت پذیرد: دیدن، نوشتن، خواندن و شنیدن [زمانی که این چهار کار انجام می‌شود مانند آن است که چهاربار شعر خوانده شده باشد].
 - برای آنکه شعر بهتر در ذهن نقش ببندد، با صدای بلند خوانده شود و در صورت امکان، با ملودی و سبک شعر همراه باشد.
 - بهتر است حفظ کردن شعر موکول به زمان تمرکز شود، زیرا در غیر این صورت، حفظ کردن شعر نوعی اتلاف وقت شمرده می‌شود؛ برای افزایش بازدهی حفظ، بهتر است شعر به بخش‌های کوتاه تقسیم شود تا حفظ نمودن آن سهل گردد. برای نمونه، در یک قصیده ۲۰ بیتی می‌توان ابیات را به چهار بخش ۵ بیتی تقسیم نمود و پنج بیت پنج‌بیت حفظ کرد.
 - سزاوار است حفظ شعر در یک زمان و محل خاص باشد.
 - تکرار روزانه حفظ شعر موجب ورزیده شدن حافظه و پذیرش سریع اشعار در ذهن می‌شود. از این رو، ممارست بر این کار در سرعت حفظ نمودن مؤثر و مفید است.

- مطلوب است محفوظات شعری در یک دفتر یادداشت شود تا با مرور آنها، مانع از فراموشی محفوظات شد.

- بهتر است اشعاری که برای حفظ کردن انتخاب می‌شوند این ویژگی‌ها را دارا باشند:

✓ اشعاری که از لحاظ ادبی و محتوایی بسیار فاخرند؛

✓ اشعاری که قابلیت اجرا در هیئت را داشته باشند و به اصطلاح، شعر سرمایه‌ای باشند؛

✓ اشعاری که فراگیر و کاربردی‌اند و در اکثر موقعیت‌ها و مجالس و مناسبت‌های گوناگون خوانده می‌شوند. غالباً، این اشعار قابلیت اجرا در اول جلسه و آخر جلسه را دارند و، در اصطلاح، به آنها «شعر کاربردی و فراگیر» می‌گویند.

✓ نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که در زمان حفظ شعر توجه شود که هر شعر می‌تواند در چه سبک‌هایی و در چه مکان‌ها و مناسبت‌هایی استفاده شود.

خلاصه درس

- شعر، در لغت، عبارت است از به هم پیوستن و آراستن و، در اصطلاح، به سخنی که گره خوردگی با خیال و عاطفه در زبانی آهنگین را داشته باشد شعر گویند.

- از جمله اصطلاحات کاربردی در شعر مصراع، بیت، قافیه و ردیف است.

- از میان قالب‌های شعری پرکاربرد می‌توان به قصیده، غزل، رباعی، دوبیتی، مثنوی، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، چهارپاره و قطعه اشاره کرد.

- کلام بودن، خیال‌انگیزی، عاطفی و احساسی بودن، وزن و موسیقی داشتن، و دارای اندیشه و محتوا بودن از عناصر شعر شمرده می‌شوند.

- شعر منتخب برای مجالس اهل بیت علیهم‌السلام باید دارای ویژگی‌هایی باشد از قبیل: هماهنگی ابیات شعر، همخوانی شأنیت شعر با جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام، دوری از غلو و تحریف، و تقویت ایمان و تقوا.

- فواید حفظ شعر برای مداح عبارت است از: تقویت حافظه، تقویت اعتماد به نفس و تسلط و مدیریت بهتر جلسه.

پرسش‌ها

۱. تفاوت غزل و قصیده را بنویسید.
۲. روش حفظ شعر را به اختصار بنویسید.
۳. کدام‌یک از گزینه‌ها مربوط به تعریف «مصرع» است؟
الف) به بیتی که هر دو مصراع آن قافیه داشته باشد؛
ب) کوچک‌ترین جزء شعر که دارای وزن باشد؛
ج) به دو مصراع از شعر گفته می‌شود؛
د) کلمات غیر تکراری که در آخر بیت‌ها می‌آید.
۴. جملات داده شده را به واژه‌های مناسب وصل کنید.
(مثنوی، دوبیتی، رباعی، قصیده)
الف) غالباً بر وزن مفاعیل مفاعیل مفاعیل است؛
ب) بر وزن «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» است؛
ج) هر بیت قافیه‌ای جداگانه دارد؛
د) مصراع بیت اول با مصراع‌های بیت دوم سایر ابیات هم‌قافیه است.

۵. کدام یک از موارد زیر جزو فواید حفظ شعر مداح نیست؟

الف) تقویت حافظه؛

ب) تقویت اعتماد به نفس؛

ج) تسلط و مدیریت بهتر جلسه؛

د) ایجاد شور در جلسه.

درس پنجم:

مقتل شناسی (۱)

اهداف درس

امید است فراگیر در پایان این درس بتواند به اهداف زیر دست یابد:

- معنای مقتل در لغت و اصطلاح را بیان کنید؛
 - دسته‌بندی‌های مختلف مقتل‌نگاری را فهرست کنید؛
 - به استفاده از مقاتل معتبر رغبت پیدا کند؛
 - به تحقیق درباره مقاتل گرایش یابد؛
 - درباره انواع استفاده از مقتل توضیح دهد؛
 - بتواند روش صحیح استفاده از مقاتل را به زبان خود بازگو کند.
- در درس گذشته، مبحث شعرشناسی مورد بررسی قرار گرفت. این درس پیرامون تاریخ‌نگاری به‌ویژه مقتل‌نگاری تدوین شده است. مقتل‌نگاری بخش مهمی از تاریخ‌نگاری اسلامی است. از این‌رو، در این درس، به سیر

تاریخ‌نگاری شیعه و مقتل‌نگاری پرداخته شده است. در ادامه، این درس با دسته‌بندی مقاتل و معرفی مقاتل مختص هر طبقه به گزارشی کوتاه پیرامون هر یک از مقاتل اختصاص یافته است.

۵-۱. تاریخ‌شناسی

مداح همواره باید در حال تحقیق پیرامون مباحث تاریخی، حدیثی و تفسیری باشد و با مستندات مقاتل آشنایی لازم داشته باشد. اگر مداح مطالبی را که ارائه می‌دهد براساس تحقیق و رجوع به منابع معتبر نباشد، منجر به تحریف، غلو و دروغ خواهد شد. لذا، آشنایی با مقاتل و چگونگی بهره‌مندی از آنها برای مداح امری ضروری است.

۵-۲. سیر تاریخ‌نگاری شیعه

توجه و تأکید قرآن کریم بر تاریخ و قصص تاریخی و سفارش به عبرت‌آموزی از آنها عاملی شد که مسلمانان به حفظ و تدوین سیره پیامبر ﷺ برای الگو گرفتن از آن پردازند. سیره‌نگاری نیز زمینه توجه مسلمانان به علم تاریخ را فراهم ساخت. یکی از گونه‌های اصلی تاریخ‌نگاری مسلمانان مقتل‌نگاری است. به‌ویژه با عنایت به نحوه شهادت بعضی از امامان شیعه، این گرایش از تاریخ‌نگاری در میان شیعیان مورد توجه خاص قرار گرفت.

۵-۲-۱. مقتل

مقتل، بر وزن مفعّل، از ریشه قتل، مصدر میمی به معنای کشتن^۱ یا اسم مکان

۱. روحی بعلبکی، فرهنگ عربی فارسی المورد، ترجمه محمد مقدس، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳،

به معنای قتلگاه و کشتن گاه است.^۱

مقتل، در اصطلاح، به کتاب‌هایی که به ثبت و ضبط وقایع پیرامون شهادت ائمه اطهار (ع) و اولیای خدا و حوادث مرتبط با آنان می‌باشد گفته می‌شود.

۵-۲-۲. مقتل نگاری

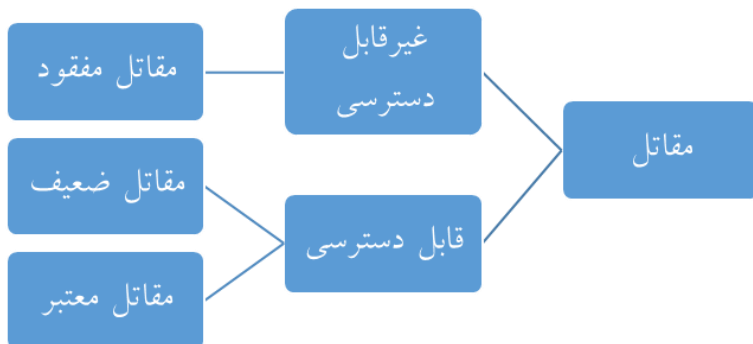
در بررسی تاریخ تشیع، آنچه روشن است ظلم و ستم و فشارهای سیاسی حاکمان اموی و عباسی بر شیعیان است. شروع این فشارها از زمان رحلت پیامبر (ص) بود که به شهادت بانوی دو عالم فاطمه زهرا (ع) منجر گردید. محرومیت‌ها و رنج‌های ۲۵ ساله امام علی (ع) که خاری در چشم و استخوانی در گلو داشت و نیز تبعید و شهادت افرادی مثل ابوذر، نمونه‌هایی از این فشارها بود. اوج این مصیبت‌ها بعد از شهادت امام علی (ع) اتفاق افتاد. معاویه، به محض صلح با امام حسن (ع) و به دست گرفتن قدرت، به تعقیب شیعیان پرداخت. از جمله جنایات معاویه در این زمان شهادت مظلومانه حبر بن عدی و یارانش بود. بعد از معاویه نیز روش خصومت علیه شیعیان و علویان ادامه یافت، تا آنکه در محرم سال ۶۱ حادثه کربلا به وجود آمد و بزرگ‌ترین مصیبت را بر خاندان پیامبر (ص) و شیعیان وارد کرد. بعد از شهادت امام حسین (ع) سرکوبی شیعیان شدت بیشتری پیدا کرد و دوره خلافت مروان بن دوره اوج خفقان بود. از آن زمان تاکنون، مقتل نگاری بخش مهمی از تاریخ نگاری اسلامی را به خود اختصاص داده است. این گونه نوشتار، سیر تاریخی و فراز و فرودهای ویژه‌ای داشته و دگرگونی‌هایی را پشت سر گذاشته است.

۱. مسعود جبران، فرهنگ الفبایی عربی - فارسی الرائد، ترجمه رضا انزابی‌نژاد، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۶۴۳.

مقتل‌نگاری شیعیان بازگوکننده تاریخ سرخ و خونین شیعه است که علما و مورخان شیعه برای پاسداشت بخشی از تاریخ شیعیان نگاشته‌اند. در آغازین مرحله از نگارش تاریخ شیعه، اندیشمندان شیعه کتاب‌هایی با عنوان مقتل‌نگاری و غالباً درباره شهادت امام علی علیه السلام تألیف کردند. بعد از شهادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام مقتل‌نگاری رونق بیشتری یافت. بیشتر کتاب‌های نوشته‌شده تحت عنوان «مقتل الحسین» امروزه فقط یا نامی از آنها در فهرست‌نگاری‌ها باقی است و یا بخشی از آنها به صورت پراکنده در متون متأخر نقل شده است.

۵-۲-۳. گونه‌شناسی کتب مقاتل

منابع مربوط به واقعه کربلا و مقاتل الحسین در اعتبار و دقت در نقل و تحلیل یکسان نیستند و می‌توان آنها را به دو دسته کلی قابل استناد و ضعیف تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی در کتاب‌های در دسترس انجام‌شده است. اما دسته دیگری به نام منابع مفقود را نیز باید در نظر داشت، منابعی که تنها در فهرست‌ها به آنها اشاره شده و اکنون به آنها دسترسی مستقیم نداریم، هرچند برخی اخبارشان به کتاب‌های دیگر راه یافته است.



البته، در ادامه، از تتبع در میان برخی کتب گونه‌شناسی مقاتل، تقسیم‌بندی دیگری یافت شد که طبق آن، مقاتل به سه دسته مقاتل معتبر، مقاتل ضعیف و مقاتل معاصر تقسیم شده‌اند. از این رو، برای جامعیت بحث پیش رو به بررسی چهار دسته از مقاتل ذکر شده پرداخته می‌شود.

الف) مقاتل معتبر: این مقاتل منابعی‌اند که هویت تاریخی دارند و مؤلف‌های این مقاتل معلوم، سرشناس و از عالمان روشمند بوده‌اند، هرچند لازم است نگاه نقادانه و علمی نیز در بررسی و قبول روایات ایشان مورد نظر قرار گیرد. منابع متعدد و مستندی از پنج قرن نخست وجود دارد که به گزارش نهضت عاشورا پرداخته‌اند. این منابع را می‌توان به دو دسته مستقل و مشتمل تقسیم نمود: منابعی که ویژه گزارش‌دهی واقعه کربلا است جزء منابع مستقل قلمداد می‌شود و منابعی که تنها بخش‌هایی از آن درباره قیام امام حسین علیه السلام است جزء منابع مشتمل شمرده می‌شود.

معرفی مقاتل معتبر:

یک - وقعة الطف فی مقتل ابی مخنف، اثر آقای محمد هادی یوسفی غروی. اصل کتاب به نام مقتل الحسین ابی مخنف بوده است. این کتاب خاطرات و اخباری است که ابومخنف از واقعه کربلا برای شاگردش هشتم ابن سائب نقل نموده و آقای هادی یوسفی از منابع کهن مانند تاریخ طبری استخراج نموده است. این کتاب عربی و شامل ۷۴ گزارش است. اثر فوق برگردان فارسی دارد و یکی از ترجمه‌های آن به نام «نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا» به ترجمه آقای جواد سلیمانی است.

دو - کامل الزیارات، اثر شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد ابن قولویه قمی.

این کتاب در ۱۸۰ باب به نگارش درآمده است که بخش اعظمی از آن مربوط به امام حسین علیه السلام می‌باشد. کتاب مذکور از جانب بزرگانی چون شیخ طوسی، نجاشی، شیخ مفید و سیدبن طاووس مورد تأیید قرار گرفته است و در صحت و وثاقت این اثر اتفاق نظر وجود دارد، به گونه‌ای که نام این کتاب در منابع قدیمی با نام جامع الزیارات آمده است، زیرا ثواب زیارت معصومین علیهم السلام و کیفیت آن و متن زیارات را با نقل روایات معتبر بیان کرده است. لکن درباره امام حسین علیه السلام، علاوه بر ثواب و کیفیت زیارت ایشان، ازجمله ذکر متن زیارت عاشورا، روایات معتبر زیادی پیرامون ارزش و جایگاه رثا و گریه بر امام حسین علیه السلام ذکر کرده است. این امر سبب شده که بتوان این کتاب را جزء کتب مقتل معرفی نمود. این کتاب بارها با مقدمه علامه امینی و علامه اردوبادی چاپ و منتشر شده است.

سه - الامالی، اثر شیخ صدوق.

این کتاب حاصل جلسات متعددی است که شیخ صدوق هفته‌ای دو روز (روز سه‌شنبه و جمعه) از ۱۸ رجب سال ۳۶۷ق تا ۱۱ شعبان ۳۶۸ق، در مشهد مقدس بیان (املا) فرموده و شاگردان ایشان نوشته‌اند و به همین دلیل، به آن امالی گویند. بدین ترتیب، در اواخر قرن سوم، شیوه‌ای در میان دانشمندان اسلامی ظهور کرد که آن را فن امالی نامیدند.

این کتاب اثری ارزشمند به‌شمار می‌رود. متن کتاب همان متن احادیث است که با سلسله‌سند آورده شده است. در این کتاب، تبخّر شیخ صدوق در جمع و حفظ احادیث فریقین به‌خوبی آشکار است. در این کتاب، موضوعات مختلفی بحث شده که بیشتر آنها اخلاقی، تاریخی و نقل فضایل خاندان پیامبر

اکرم علیه السلام است و ۹۷ مجلس دارد که دو مجلس از آن (مجلس ۳۰ و ۳۱) پیرامون حادثه کربلا است.

چهار - الإرشاد فی معرفة حجج العباد، اثر محمد بن محمد ابن نعمان عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید.

وی از چهره‌های درخشان شیعه است که هم‌عصر با پادشاهان آل بویه بود، که گرایشات شیعی داشتند. از این‌رو، شیخ و شیعیان از حمایت حاکمیت برخوردار بودند. همین امر سبب شد که این کتاب با انگیزه اعتقادی و تاریخی پیرامون تاریخ زندگی ائمه معصومین علیهم السلام به منظور اثبات حقانیت امامت شیعه نگاشته شود، و از آنجاکه ایشان شیخ اعظم و بزرگان شیعه و مورد احترام تمامی علمای شیعه می‌باشد، کتاب ایشان بسیار معتبر است.^۱

این کتاب دارای ویژگی‌های بااهمیتی است که آن را از کتاب‌های تاریخی مشابه ممتاز می‌سازد:

- علاوه بر حدیثی بودن متن کتاب، توضیح‌ها و تبیین‌هایی در کنار احادیث آمده است که از جهات مختلف شایان توجه است؛

- از نظر رجالی، در این کتاب به زندگی نامه برخی از شاگردان مهم امامان علیهم السلام نیز پرداخته است؛

- کتاب از نظر محتوا، علاوه بر ابعاد تاریخی، مطالبی در حدیث، رجال و عقاید روایات را دربردارد؛

- اعتبار احادیث این کتاب به سبب پذیرش و نقل از جانب شیخ مفید افزون شده است؛

۱. ابوالقاسم خویی، معجم الرجال الحديث، قم، مؤسسة الخوئی الاسلامیه، ۱۳۷۲، ج ۱۷، ص ۲۰۶.

- این کتاب به عنوان یکی از مهم ترین منابع شناسایی و بازخوانی تاریخ صدر اسلام است و شاگردان شیخ مفید - از سیدمرتضی، شیخ طوسی و ابوالفتح کراجکی تا ابن حجر عسقلانی و ابن جوزی - آن را به عنوان منبع دست اول برشمرده اند و مطالب آن را نقل و مورد استناد خویش قرار داده اند؛

- الهی بودن منصب ولایت معصومین علیهم السلام در این کتاب به وسیله شیخ مفید اثبات شده است.

این کتاب به دلیل اهمیت و جایگاه ویژه اش در موضوع خود مورد توجه همگان است، چنان که شرح ها، خلاصه ها و ترجمه های قدیم و جدید بر آن نوشته شده است.

پنج - خصایص الحسینیة، اثر شیخ جعفر شوشتری.

ایشان یکی از علما و مراجع بزرگ اواخر قرن ۱۳ هجری است. وی در مقام مرجعیت و زعامت شیعیان خوزستان بود و اغلب فضلا از محضرش برخوردار بودند و وعظ های آتشین و نصایحش همه را منقلب می کرد.

این کتاب ویژگی ها و خصوصیات سیدالشهدا علیه السلام را بیان می کند که با ذوق خاص مؤلف، جمع آوری شده است و به انگیزه نگارش مقتل نبوده است، ولی گزاره های نابی ناظر به مقتل سیدالشهدا علیه السلام در آن هست.

شیوه نگارش این کتاب با سایر کتب تفاوت دارد. یکی از تفاوت های این کتاب دسته بندی های زیبا و تشبیهات جذابی است که به برکت داستان تشریف به خیمه ابا عبد الله علیه السلام حاصل شده است. این بزرگوار بسیاری از روضه های دروغین را فاش می کند و این خود نشانگر علم بالای ایشان درباره واقعه کربلا است. گفتنی است کتاب ایشان در نوع خود منحصر به فرد است. این کتاب به زبان عربی است که به زبان فارسی ترجمه شده است. ترجمه های آن عبارت است از:

- اشک روان بر امیر کاروان، محمدحسین شهرستانی؛

- امام حسین (ع) این گونه بود، صادق حسن‌زاده؛

- زیتون، خلیل‌الله فاضلی.

شش - الملهوف علی قتلی الطفوف [مشهور به لهوف]، اثر ابوالقاسم

رضی‌الدین علی بن موسی بن طاووس حلی.

این کتاب به شکل مختصر تدوین شده است و سیدبن طاووس در مقدمه آن

چنین آورده است که چون می‌خواستیم حجم کتاب زیاد نشود، اسناد مطالب را

حذف نموده‌ام. با اینکه ایشان این کتاب را در جوانی تألیف کرده است،

از آنجاکه در مقدمه کتاب علت حذف اسناد را ذکر کرده است و در تألیفات

بعدی به این کتاب استشهاد نموده است و نیز به این سبب که شخصیت علمی

و معنوی ایشان مورد اتفاق همه علما است، این کتاب از مقاتل معتبر

به‌شمار می‌آید.

کتاب لهوف در چند بخش سامان یافته است: مقدمه‌ای شامل مطالبی در

عظمت واقعه عاشورا، مقام امام حسین (ع)، ارزش گریه و عزاداری بر امام (ع) و

انگیزه نگارش کتاب. نخستین مسلک با ولادت امام حسین (ع) آغاز شده است و

پس از آن، بدون بیان تاریخ زندگی امام (ع) در زمان پدر و برادر، به سراغ

سخنرانی ایشان در مکه رفته و، سپس، به داستان شهادت قیس بن مصهر و

ماجرای دیدار امام (ع) با تعدادی از افرادی که در طول مسیر به امام (ع) پیوستند و

سخنرانی‌های ایشان می‌پردازد.

آغاز فصل یا مسلک دوم لهوف سخنرانی امام (ع) در کربلاست. برخورد

مقتدرانه حضرت عباس (ع) با شمر، شوخی و بذله‌گویی اصحاب در شب

عاشورا، سخنرانی امام علیه السلام، توبه حر، برگزاری نماز ظهر عاشورا به وسیله امام علیه السلام و شهادت تعدادی از هاشمیون مطالب مسلک دوم را تشکیل می‌دهد.

ابن طاووس مسلک سوم را با خاکسپاری شهدا آغاز می‌کند و پس از آن، به خطبه حضرت زینب علیها السلام، امام سجاد علیه السلام و ام‌کلثوم علیها السلام می‌پردازد. وی، در این قسمت، خطبه‌های امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام در شام و کوفه و، همچنین، خطبه‌های فاطمه علیها السلام دختر امام حسین علیه السلام در کوفه را به تفصیل نقل کرده، که در برخی مقتل‌های دیگر به اختصار به آنها اشاره شده است. این قسمت از نقاط قوت این کتاب به‌شمار می‌رود، چون این خطبه‌ها بیانگر ماهیت حرکت اهل بیت علیهم السلام است و، متأسفانه، در بیشتر مقاتل ذکر نشده است.

این کتاب ترجمه‌های متعددی دارد، از جمله:

- آه سوزان بر مزار شهیدان، سیداحمد فهری زنجانی؛

- ترجمه لهوف، اثر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی؛

- ترجمه لهوف، اثر عباس عزیزی؛

- ترجمه لهوف، اثر علیرضا رجالی.

هفت - نفس المهموم، اثر شیخ عباس قمی. این مؤلف بزرگوار کتاب‌های دیگری در خصوص زندگی اهل بیت علیهم السلام دارد، از جمله دو کتاب منتهی الآمال و انوار البهیه، که ضمن بیان زندگی معصومین علیهم السلام اشاره‌هایی به چگونگی شهادت آنها نموده است. با این حال، کتاب نفس المهموم مقتل تخصصی درباره سیدالشهدا علیه السلام و قیام عاشورا است، جنبه علمی آن بیشتر است و از اعتبار بالایی در میان سایر مقاتل برخوردار است.

شیخ عباس قمی مباحثی را که مرتبط با مقتل نیست در ضمیمه این کتاب با عنوان «نَفْسُ الْمَصْدُورِ فِيمَا يَتَجَدَّدُ بِهِ حُزْنُ الْعَاشُورِ» (آه سوزان سینه پردرد، در یادآوری اندوه‌های روز عاشورا) آورده است.

این کتاب به زبان عربی است و ترجمه‌های متعددی از آن منتشر شده است، از جمله ترجمه‌های آن عبارت‌اند از:

- در کربلا چه گذشت؟، اثر آیت‌الله سید حسین کوه‌کمری؛
- دَمْعُ السُّجُوم، اثر علامه ابوالحسن شعرانی؛
- امام حسین علیه السلام این‌گونه بود، علی نظری منفرد.
- هشت - سایر مقاتل: دیگر مقاتل معتبر عبارت‌اند از:
- مَثیرُ الْأَحْزَان، اثر ابن‌نما حلی؛
- قَمَقَمِامِ زَخَّارٍ وَ صَمُصَمِامِ بَتَّار، اثر حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله؛
- فُرْسَانُ الْهَيْجَاء، شیخ ذبیح‌الله بن محمد المحلاتی العسکری؛
- إِبْصَارُ الْعَيْنِ فِي أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ علیه السلام، اثر علامه شیخ محمد سماوی؛
- لَوَاعِجُ الْأَشْجَانِ فِي مَقْتَلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام، اثر علامه سید محسن بن سید الکریم امین عاملی؛

- مقتل الحسین علیه السلام، سید عبدالرزاق الموسوی المرقم.

ب) مقاتل ضعیف: مبنای کار در سنجش اعتبار و سندیت کتاب‌های نوشته شده در دوره‌های بعد همین منابع کهن در کنار حفظ معیارهای نقد متون و اسناد تاریخی است. براین اساس، منابعی که گزارش‌های خود را نقادی نکرده‌اند و آنها را با منابع اصلی تاریخی برابر ننموده و یا به تعارض آنها با سیره و شخصیت امام حسین علیه السلام و یارانش توجه نکرده‌اند، دچار ضعف گشته، از گردونه استناد خارج می‌شوند.

با گذشت زمان و دورتر شدن از اصل واقعه، انتظار تغییر و تحریف بیشتر می‌شود و این نکته‌ای است که قاعده لزوم مراجعه به منابع کهن و نزدیک‌تر به واقعه عاشورا را مدلل می‌سازد.

نقد در این عرصه متوجه کتاب و محتوای آن است و به نویسندگان گردآورنده آن ارتباطی ندارد، چراکه برخی از مؤلفان کسانی هستند که از روی ارادت و باتوجه‌به گزارش‌های بدون استناد، مجعول و شفاهی در عرصه تاریخ و سیره قلم زدند که تفاوت اصلی با اندوخته‌های علمی آنها مانند فقه و تفسیر قرآن دارد.

اینها، همه افزون بر اشتباه‌های ناخواسته انسانی است که در نقل‌های تاریخی پیش می‌آید، مانند خطای حافظه در نقل شفاهی و خطای باصره در هنگام نوشتن و قرائت نسخه‌ها.

در ادامه، مقاتل ضعیف مورد احصا قرار خواهد گرفت:

یک - روضة الشهداء، اثر کمال‌الدین ملاحسین واعظ کاشفی سبزواری. این کتاب به سبب قلم شیرین و مسجعی که دارد و همزمانی نگاشته شدن آن با روی کار آمدن صفویه و جایگزین شدن مقتل‌خوانی به جای شاهنامه‌خوانی شهرت یافت.

در این کتاب از منابع اهل سنت، همچون مسند احمد بن حنبل، سنن نسائی، مقتل الحسین خوارزمی و حتی صحیح بخاری استفاده شده است. کتاب مذکور از لحاظ داستان‌پردازی، تخیل و استواری جمله‌ها عالی است و نثر بسیار موزونی دارد اما خرافات زیادی در آن به کار رفته شده است و بخشی از مطالب آن نیز بدون سند می‌باشد و بخشی دیگر نیز از منابع ضعیف استفاده شده است.^۱

دو - تظلم الزهراء من اهراق دماء آل‌العباء، اثر رضی‌بن نبی قزوینی. در

۱. محمدعلی مدرس، ریحانة الادب، قم، کتابخانه عمومی آية الله مرعشی نجفی، ۱۳۹۲، ج ۵،

مقدمهٔ این کتاب چنین آمده است: «این اثر شرح کتاب لهوف سیدبن طاووس است و بیشتر معاوضهٔ آن همان منابع بحارالأنوار می‌باشد.»

این کتاب مانند لهوف در سه مقدمه و سه مسلک و یک خاتمه جمع‌آوری شده است. در خاتمهٔ این کتاب مطالبی پیرامون رجعت امام حسین علیه السلام و عاقبت قاتلان آن حضرت و قیام مختار ذکر شده است. برخی مطالب این کتاب از منابع ضعیف و تحریف‌شده گردآوری شده است.

سه - ناسخ التواریخ، اثر میرزا محمد تقی لسان‌الملک معروف به سپهر کاشانی. وی این کتاب را - که یک دوره تاریخ جهان از حضرت آدم علیه السلام تا زمان تألیف است - به دستور محمدشاه قاجار به رشتهٔ تحریر درآورده است. مطالب این کتاب در چهار دوره تنظیم شده و هر دوره شامل چند جلد می‌باشد. این کتاب در ۱۶ جلد به چاپ رسیده است؛ لسان‌الملک تنها ۱۱ جلد از این کتاب را تألیف نموده است و پس از وی، پسرش عباس قلی خان معروف به سپهر ثانی پنج جلد دیگر را تألیف نموده است.

از آنجاکه مؤلف در جمع‌آوری مطالب از منابع ضعیف بسیاری استفاده نموده است و، همچنین، از آنجاکه شخصیت مؤلف چندان مورد وثوق نیست، این اثر از اتقان و اعتبار کافی برخوردار نمی‌باشد.

چهار - سایر مقاتل ضعیف. در این بخش برخی از مقاتل ضعیف نام برده

می‌شود:

(۱) الْمُتَخَبِّ فِي جَمْعِ الْمَرَاثِي وَ الْخُطَبِ، اثر فخرالدین بن محمد بن علی

طریحی؛

(۲) ریاض القدس المسمی بحدائق الأنس، صدرالدین واعظ قزوینی؛

(۳) الدمعة الساکبة، محمدباقر بن محمد اکمل بهبهانی؛

(۴) اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، آخوند ملا آقابن عابد بن رمضان شیروانی؛

(۵) تذکرة الشهداء، ملا حبیب الله کاشانی؛

(۶) انوار الشهادة فی مصائب عترة الطاهرة، محمد حسن بن علی یزدی مشوی.

پ) مقاتل مفقود: در تقسیم بندی اولیه منابع مربوط به وقایع عاشورا گفته شد که منابع قابل استناد و ضعیف در کتاب های موجود بیان شدنی و بررسی شدنی است، اما دسته دیگری به نام منابع مفقود را نیز باید در نظر داشت، منابعی که تنها در کتب فهرست به آنها اشاره شده است و اکنون به آنها دسترسی مستقیم نداریم، هرچند برخی اخبارشان به کتاب های دیگر راه یافته است.

از جمله منابع مفقود که فقط در کتاب های فهرست از آنها نام برده شده است و برخی متقدمین از آنها بهره برده اند و در آثارشان اثر این تصانیف دیده می شود، می توان به دو کتاب مقتل اصْبَح بن نُباته (م بعد از ۱۰۰ق) و مقتل جابر بن یزید جُعی (م ۱۲۸ق) اشاره کرد. با توجه به اینکه تاریخ وفات راویان این دو کتاب در اوایل قرن دوم هجری است، از حیث زمانی بر همه منابع موجود مقدم است و چون می توانستند با حاضران و راویان در وقایع عاشورا ملاقات داشته باشند، از اعتبار بیشتری برخوردار بوده اند.

این دسته از منابع مهم و با زیبایی آنها در مستندسازی و اعتبارسنجی گزارش های واقعه کربلا بسیار اثرگذار است.

ت) مقاتل معاصر: در میان منابع متأخر، کتاب هایی وجود دارد که در آنها مطالبی هست که با پژوهش و بررسی جمع آوری شده است. اگرچه این منابع،

به دلیل تأخر، نسبت به منابع متقدم از اتقان پایین‌تری برخوردارند، اما خالی از مطالب مهم نیستند و می‌توان به آنها رجوع نمود.

یک - مقتل الحسین^{علیه السلام}، اثر علامه سید مرتضی عسکری. ایشان در عصر حاضر یکی از بزرگ‌ترین محققان تاریخ اسلام به حساب می‌آید و بر همین اساس، مقتل خود را با نگاهی کاملاً علمی تدوین نموده است و صرفاً یک مقتل احساسی نیست. این کتاب از منابع بسیار زیاد و معتبر جمع‌آوری شده و تمامی مطالب موجود در کتاب از سندیت متقن برخوردار است.

دو - فروغ شهادت (اسرار مقتل سید الشهداء^{علیه السلام})، آیت‌الله علی سعادت‌پرور معروف به پهلوانی تهرانی. این کتاب تحقیقی نو و مستند در زمینه نهضت حسینی و احیای حرکت آن حضرت است که در ۳۱ فصل، قیام عاشورا را از نظر اخلاقی و عرفانی مورد بررسی قرار داده است. این کتاب در یک جلد تدوین شده است و مطالب آن، با استناد به احادیث وارده، تحلیل قیام تاریخی سیدالشهداء^{علیه السلام} از ابتدا تا انتها است. این کتاب به تبیین نکات ناب توحیدی سخنان امام حسین^{علیه السلام} در طول این نهضت نورانی پرداخته است و تمام مطالب در راستای اثبات این نکته است که به قیام امام حسین^{علیه السلام} باید به‌عنوان یک حرکت توحیدی نگریست و محوری‌ترین درسی که از این نهضت باید آموخت درس توحید و مراقبه حضرت حق در تمام عرصه‌های زندگی است.

ایشان در بیان هدف از تألیف این کتاب چنین می‌نویسد:

درباره سیدالشهداء^{علیه السلام} و وقایع عاشورا، کتب و رساله‌ها و مقاتل فراوانی نوشته شده است و هریک از زوایای خاص به غواصی در دریای ژرف معارف امامت و ولایت و نهضت عظیم حسینی پرداخته‌اند، ولی در آنچه آنها به روشنگری ریشه‌های تاریخی و علل اجتماعی نهضت

حسینی و ذکر وقایع آن دوران اختصاص داده‌اند، کمتر به اسرار معنوی مقتل سید شهدا و رموز عرفانی این حرکت عظیم و تاریخ‌ساز عالم بشری توجه شده است. غرض ما از تدوین رساله بررسی پاره‌ای از اسرار مقتل سیدالشهدا^{علیه السلام}، خصوصاً دقت در کلمات آن حضرت در طول حرکت و پاره‌ای از زیارت‌های وارده درباره ایشان است.

سه - مقتل جامع سیدالشهدا^{علیه السلام}، مؤلفان گروهی از اساتید و تاریخ‌پژوهان حوزوی تحت نظارت محقق ارجمند آقای مهدی پیشوایی. این کتاب در دو جلد است که علاوه بر مقتل شهدای کربلا به مباحثی نظیر سیری در مقتل‌نگاری بعد از حادثه عاشورا و بررسی فلسفه قیام امام حسین^{علیه السلام} و ریشه‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی قیام پرداخته است.

از دیگر مقاتل معاصر می‌توان به منابع ذیل اشاره کرد:

چهار - مع الרכب الحسين المدينة الى المدينة، اثر عزت‌الله مولایی و محمدجعفر طبسی؛

پنج - مقتل معصومین^{علیهم السلام}، اثر اساتید و حدیث‌پژوهان پژوهشکده باقرالعلوم؛

شش - قصه کربلا، اثر حجت‌الاسلام والمسلمین علی نظری منفرد؛

هفت - شهادت‌نامه امام حسین^{علیه السلام}، اثر آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری و

گروهی از اساتید و حدیث‌پژوهان؛

هشت - ثارالله، اثر حسین عندلیب‌زاده همدانی.

۵-۲-۴. انواع استفاده از مقتل

در بخش گذشته، مقاتل قوی و ضعیف بررسی شد. حال که مقاتل قوی شناخته شد، چگونگی استفاده از این مقاتل خود دارای اهمیت خاصی است،

چون شناخت مقتل قوی همه کار نیست و فهم نوع استفاده از مقتل مهم است. در ادامه، به انواع استفاده از مقاتل قوی پرداخته می‌شود.

(الف) زبان قال: کلامی که از زبان صاحب سخن صادر شده است را زبان

قال گویند.^۱ زبان قال بر دو قسم است:

یک - کلامی که مستقیم از زبان معصومین علیهم‌السلام نقل شده است. در صورتی که

این کلام از منابع معتبر از معصومین علیهم‌السلام نقل شده باشد، معتبر تلقی می‌شود.

برای نمونه، می‌توان به این روایت اشاره کرد:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه‌السلام: سَيُقْتَلُ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ بِالسَّيِّمِ ظُلْمًا إِسْمُهُ إِسْمِي.

امیرمؤمنان، علی علیه‌السلام فرمود: در آینده مردی از فرزندان من در زمین

خراسان به زهر از روی ظلم کشته شود، که نام آن مرد هم‌نام من باشد.^۲

دو - کلامی که از زبان مورخ یا راوی معتبر از حالات معصومین علیهم‌السلام بیان

شده باشد. برای نمونه، می‌توان به این مثال ذیل اشاره کرد: «قَالَ الرَّاَوِي: فَلَطَمْتُ

زَيْنَبَ وَجْهَهَا وَصَاحَتْ وَبَكَتْ؛ راوی می‌گوید: حضرت زینب علیها‌السلام به صورت خود

ضربه زد و شیون سر داد و گریه کرد.»^۳

(ب) زبان حال: اگر شاعر یا نویسنده‌ای حال شخصی را به نحوی

توصیف کند که خود آن شخص نگفته باشد، ولی اگر می‌گفت، چنین به زبان

می‌آورد، چنین توصیفی را زبان حال گویند.^۴

۱. جعفر واضحی آشتیانی و محمد میرزامحمدی، درسنامه فن رثاء، قم، ذکری، ۱۳۹۷، ص ۱۱۱.

۲. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الأملی، همان، ص ۱۱۹.

۳. علی بن موسی بن طاووس، همان، ص ۹۰.

۴. علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۱۴۹.

درحقیقت، زبان حال همان زبان دل است به معنای وضع و حال شخص، که از اندیشه و نیت و احوال درونی او حکایت می‌کند. استفاده از زبان حال در مرثیه‌سرایی امر رایجی است و گاهی در محضر اهل بیت علیهم‌السلام نیز خوانده شده، که مورد تأیید قرار گرفته است، مانند قصیدهٔ دعبل که در محضر امام رضا علیه‌السلام آن را خواند.^۱

بایسته‌های زبان حال از این قرار است:

- باید بیانگر عزت، حرّیت و کرامت و، درعین حال، مظلومیت اهل بیت علیهم‌السلام باشد؛

- باید اشعار و مرثیه به گونه‌ای خوانده شود که مخاطب بتواند زبان حال را از زبان قال تشخیص دهد؛

- نباید زبان حال‌های موجود در برخی مقاتل به صورت روایت به مخاطب ارائه گردد.

پ) نقل مسموع: بیان مطالب و مرثیه‌ها با استناد بر شنیده‌ها را نقل مسموع گویند، که بر دو قسم است:

یک - مستقیم: در این نقل قول، خود فرد مطلب را از گوینده شنیده است؛
دو - غیرمستقیم: فرد به واسطهٔ شخص یا اشخاص و یا صوتی مطلبی را شنیده است و نقل می‌کند.

بایسته‌های نقل مسموع از این قرار است:

- عدم تعارض با مبانی اعتقادی، روایی و تاریخی؛

- عقلانی بودن؛

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، الفصول المهمّة فی اصول الائمّة، قم، مؤسسهٔ معارف اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۹۸۷.

- نقل بر مبنای استماع از بزرگان و علما؛
- عدم شهرت به کذب بودن؛
- بیان صریح تاّم یا منبعی که مطلب مسموع از آن نقل می‌شود.
- نکات کلیدی پیرامون استفاده از مقتل:
- انتخاب متن موردنظر از منبع معتبر؛
- مطالعه دقیق متن موردنظر؛
- خلاصه کردن مطلب؛
- تبدیل نمودن زبان نوشتاری به گفتاری؛
- استفاده نمودن از عبارات کلیدی عربی؛
- بیان ترجمه دقیق و روان متن عربی؛
- عدم به کارگیری تعبیری که توهین به اهل بیت علیهم السلام شمرده می‌شود؛
- چینش منطقی متن‌ها به صورت منظم تا انتهای روضه (ایجاد سیر منطقی).

خلاصه درس

- یکی از گونه‌های اصلی تاریخ‌نگاری مسلمانان مقتل‌نگاری است.
- مقاتل را می‌توان به مقاتل معتبر، ضعیف، مفقود و معاصر تقسیم‌بندی کرد.
- مقاتل معتبر منابعی دارای هویت تاریخی می‌باشند که توسط عالمان سرشناس جمع‌آوری شده است، مانند وقعة الطف فی مقتل ابی مخنف، أمالی و الإرشاد.
- مقاتل ضعیف مقاتلی هستند که منابع خود را نقادی نکرده و آنها را با منابع تاریخی دست اول تطبیق نداده‌اند، مانند روضه الشهداء و ناسخ التواریخ.

- استفاده از مقاتل به سه نوع زبان قال، زبان حال و نقل مسموع است.
- از جمله روش های استفاده از مقاتل عبارت است از: مطالعه دقیق متن، تبدیل زبان نوشتاری به گفتاری و استفاده از عبارات کلیدی عربی.

پرسش ها

۱. طبقه بندی های مختلف درباره مقاتل را بیان کنید.
 ۲. انواع استفاده از مقتل را به اختصار بیان کنید.
 ۳. یکی از گونه های اصلی تاریخ نگاری مسلمانان است.
 ۴. کدام جمله صحیح نیست؟
- الف) اولین مقتل نگاری درباره شهادت امام علی علیه السلام است.
- ب) مقتل، در اصطلاح، به کتاب هایی گفته می شود که به ثبت و ضبط وقایع اتفاقیه پیرامون شهادت ائمه معصومین علیهم السلام پرداخته است.
- ج) اولین مقتل نگاری درباره واقعه کربلا است.
- د) تأکید قرآن کریم بر تاریخ و قصص عاملی شد که مسلمانان به حفظ و تدوین سیره پیامبر صلی الله علیه و آله بپردازند.
۵. کتب داده شده را به نام نویسندگان شان وصل کنید.
- | | |
|--------------------|--------------------|
| الف) کامل الزیارات | ۱. شیخ صدوق |
| ب) امالی | ۲. سید بن طاووس |
| ج) خصایص الحسینیه | ۳. شیخ جعفر شوشتری |
| د) لهوف | ۴. ابن قولویه |
۶. کدام یک از موارد زیر جزو مقاتل معاصر نیست؟
- الف) نفس المهموم
- ب) روضة الشهداء

ج) مقتل الحسین علیه السلام

د) الإرشاد.

۷. صحیح و غلط جملات زیر را مشخص کنید.

الف) کتاب روضة الشهداء به جهت شیرینی قلم و همزمانی با روی کار آمدن صفویه و جایگزینی مقتل خوانی به جای شاهنامه خوانی شهرت یافت.

☐ صحیح ☐ غلط

ب) کتاب ناسخ التواریخ به دستور فتحعلی شاه قاجار و توسط سپهر

کاشانی نگاشته شد. ☐ صحیح ☐ غلط

ج) مقتل اصیغ نباته از مقاتل ضعیف محسوب می‌شود.

☐ صحیح ☐ غلط

د) بازیابی و مستندسازی منابع مفقود به جهت نزدیکی به زمان وقوع واقعه

کربلا از اهمیت بالایی برخوردار است. ☐ صحیح ☐ غلط

درس ششم:

مقتل شناسی (۲)

اهداف درس

- امید است فراگیر در پایان این درس بتواند به اهداف زیر دست یابد:
- جایگاه و اهمیت فراگیری احکام در دین مبین اسلام را توضیح دهد؛
- احکام مربوط به عزاداری امام حسین علیه السلام را فهرست وار بیان کند؛
- دیدگاه ائمه معصومین علیهم السلام درباره غلات را شرح دهد؛
- نظر مراجع عظام را درباره اهانت به مقدسات مذاهب دیگر به اختصار بیان کند؛

- درباره هروله کردن در هیئت و احکام مربوط به آن توضیح دهد؛
 - درباره برهنه شدن در هیئت به اختصار توضیح دهد؛
 - قمه زنی در عزاداری و ادله حرمت آن را بیان کند.
- در درس گذشته به مقتل نگاری و بررسی اقسام آن پرداخته شد. این درس با نگاهی فقهی به بررسی موضوعات مرتبط با عزاداری امام حسین علیه السلام به رشته

تحریر درآمده است. از همین رو، نخست، اهمیت و ضرورت توجه به احکام مربوط به عزاداری بیان شده و، سپس، با تقسیم‌بندی احکام به دو حیطه عمومی و خصوصی، موضوعات مرتبط با هریک از این دو حیطه از منظر مراجع عظام تدوین شده است.

۶-۱. ضرورت یادگیری احکام در برپایی مجالس عزاداری

از سویی، با نظر به آیات و روایات روشن می‌شود که نه تنها عزاداری و برپایی مجالس عزا با قرآن کریم مخالفت ندارد بلکه مخالفت و ناسازگاری با مبانی دینی ما نیز ندارد و بالاتر از آن، برپایی مجالس عزا از مصادیق شعائر الهی و نشانه مودّت و محبّت به اهل بیت علیهم‌السلام و مبارزه با ظلم و ستم است، که در قرآن به آنها سفارش شده است.

نمونه عینی عزا و گریه در قرآن کریم سوگواری و گریه حضرت یعقوب علیه‌السلام در فراق یوسف علیه‌السلام است. بنابراین، عزاداری و گریه در مصائب برگزیدگان الهی و اهل بیت علیهم‌السلام مورد تأیید روایات بوده و ممدوح قرآن کریم است. نیز در حجم زیادی از روایات آمده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سوگ مصیبت‌های آینده بر حسین بن علی علیه‌السلام اشک ریختند، مانند گریه حضرت هنگام ولادت امام حسین علیه‌السلام. افزون بر این، در قرآن کریم و روایات هیچ‌گونه نهی و مذمتی نسبت به عزاداری برای برگزیدگان الهی وجود ندارد.

از سویی دیگر، یکی از مهم‌ترین واجبات دین مبین اسلام که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، فراگیری احکام دین است که درک و فهم درست نسبت به مسائل آن و عمل طبق آن تضمین‌کننده سعادت انسان است. کسی که

اسلام را به عنوان دین خود برمی‌گزیند باید برنامه‌های آن را به طور کامل در همه قلمروهای زندگی خود بپذیرد و رفتار و عملکرد خویش را مطابق با احکام دین تنظیم کند. انجام چنین تکلیفی می‌طلبد که فرد مسلمان نسبت به مقدار مورد نیازش از احکام دین، که به آن احتیاج دارد و برایش پیش می‌آید، شناخت پیدا کند تا بتواند آن را در زندگی خود به اجرا درآورد. براین اساس، قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام بر این موضوع تأکید بسیار نموده و همگان را به یاد گرفتن احکام دین تشویق و ترغیب کرده‌اند و از ضررهای فراوان آشنا نبودن با احکام الهی بر حذر داشته‌اند.

در حدیث نقل شده است که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «فراگرفتن یک حدیث درباره حلال و حرام از شخصی راستگو برای تو بهتر از دنیا و زرو سیم‌های آن است.»^۱

و، همچنین، در جایی دیگر، از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «من از مسلمانی که هفته‌ای یک روز را برای آشنایی با امر دینش و پرسش از [معارف و احکام] دینش اختصاص نمی‌دهد، منزجر و بیزارم.»^۲

باتوجه به آنچه تاکنون ذکر شد، اهمیت برپایی مراسمات و هیئت‌های مذهبی، از یک سو، و آگاهی نسبت به احکام مربوط به عزاداری و نحوه برگزاری این مراسمات، از سویی دیگر، در این مجال به برخی از پرسش‌ها پیرامون احکام عزاداری پاسخ داده شده است.

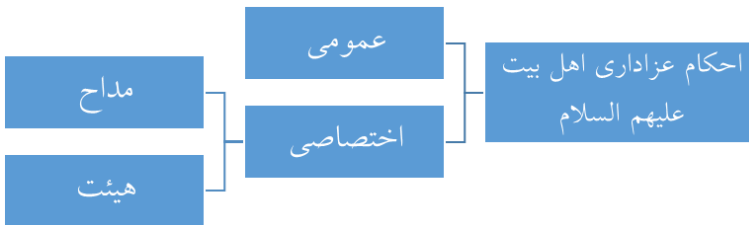
۱. احمد بن محمد ابن خالد برقی، المحاسن، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق، ص ۲۲۹.

۲. همان، ص ۲۲۵.

۶-۲. احکام عزاداری اهل بیت علیهم السلام

یکی از مهم‌ترین واجبات دین مبین اسلام که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد فراگیری احکام دین است؛ درک و فهم درست نسبت به مسائل آن و عمل طبق آن تضمین‌کننده سعادتمندی انسان است.

رهبر معظم انقلاب دامت برکاته در لزوم یادگیری احکام اسلامی می‌فرماید: «اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بینجامد، گناهکار است.»^۱



۶-۲-۱. احکام عمومی

الف) تربت حسینی: براساس روایات معصومین علیهم السلام، استفاده از تربت امام حسین علیه السلام برکات بسیاری دارد، که از نخستین روز ولادت و با بازکردن کام نوزاد آغاز می‌شود و تا واپسین لحظات حیات و قراردادن تربت در قبر به پایان می‌رسد.^۲

در روایت آمده است که امام سجاده علیه السلام تربت امام حسین علیه السلام را در پارچه‌ای نگه می‌داشتند و در هنگام نماز روی سجاده‌شان می‌ریختند و بر آن سجده

۱. سید علی حسینی خامنه‌ای، اجوبة الاستفتانات، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰، ص ۲.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «حَنِّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتُرْبَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام، کام نوزادان‌تان را با تربت امام حسین علیه السلام باز کنید» (محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، همان، ج ۱۰، ص ۴۱۰).

می‌کردند. از این رو، ساختن مهر و تسبیح با تربت کربلا و همراه داشتن آن و خوردن مقدار بسیار کمی از آن به قصد شفا و بازکردن افطار در روز عید فطر مورد توصیهٔ ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام بوده است،^۱ چنان‌که در روایتی از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌خوانیم:

لَا تَأْخُذُوا مِنْ تُرْبَتِي شَيْئًا لِيَتَبَرَّكُوا بِهِ، فَإِنَّ كُلَّ تُرْبَةٍ لَنَا مُحَرَّمَةٌ إِلَّا تُرْبَةُ
جَدِّي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهَا شِفَاءً
لِشَيْعَتِنَا وَأَوْلِيَانَا.^۲

از تربت من چیزی برای تبرک بر ندارید، زیرا همه تربت‌ها جز تربت
جدّم امام حسین علیه‌السلام (خوردنش) حرام است. خداوند عزّ و جلّ آن را
برای شیعیان و دوستان ما شفا قرار داده است.

- حکم خوردن تربت امام حسین علیه‌السلام از نظر مراجع تقلید:

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله:

س. آیا می‌توان با تربت کربلا (مهرهایی که از کربلا می‌آورند) روزه را چه
واجب و چه مستحب افطار کرد؟
ج. اگر احراز شود که تربت سیدالشهدا علیه‌السلام است، خوردن کمی از آن مانع
ندارد [چه در موقع افطار و چه غیر آن].

حضرت آیت‌الله سیستانی:

س. خوردن خاک حرام است؟ حکم تربت امام حسین علیه‌السلام چگونه است؟

۱. همان، ص ۴۱۴.

۲. همان.

ج. خوردن گل حرام است و همچنین است خاک و شن - بنابر احتیاط لازم، و خوردن گل داغستان و گل ارمنی و غیر آنها برای معالجه در صورت ناچاری اشکال ندارد، و خوردن کمی از تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام برای استشفای به مقدار یک نخود متوسط جایز است و اگر آن را از خود قبر مقدس یا اطراف آن برندارند، هر چند تربت امام حسین علیه السلام بر آن صدق کند، به احتیاط واجب باید در مقداری از آب و مانند آن حل نمایند که مستهلک شود و بعداً آن آب را بیاشامند و، همچنین، این احتیاط را باید رعایت کرد اگر اطمینان نباشد که تربت از قبر مقدس آن حضرت است و بینه‌ای هم بر آن شهادت ندهد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

س. آیا خوردن خاک جایز است؟

ج. خوردن خاک و گل حرام است، ولی خوردن کمی از تربت پاک حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه السلام [کمتر از یک نخود] به قصد شفا اشکال ندارد و، همچنین، گل داغستان و گل ارمنی که برای معالجه می‌خورند در صورتی که علاج منحصر به آن باشد جایز است.

س. آیا خوردن روزانه تربت به نیت شفا جایز است؟ مقدار آن چقدر باید

باشد؟

ج. جایز است به اندازه یک عدس از آن را در نصف استکان آب حل کنند و

گاهی به قصد استشفای از آن تناول کنند، نه هر روز.

حضرت آیت الله وحید خراسانی:

س. خوردن گل و بقیه اجزای زمین و خوردن برای مداوا چه حکمی دارد؟

ج. خوردن گل حرام است و، همچنین، - بنابر احتیاط - بقیه اجزای زمین

مانند خاک و ریگ و سنگ، و خوردن گل داغستان و گل ارمنی در صورت

انحصار معالجه به آن اشکال ندارد، و خوردن کمی از تربت حضرت سیدالشهداء^{علیه السلام}، که بیشتر از مقدار یک نخود متوسط نباشد، برای استشفای اشکال ندارد و بهتر این است که تربت را در مقداری از آب - مثلاً - حل نمایند که مستهلک شود و بعد، آن آب را بیاشامند.

با توجه به استفتانات فوق می‌توان گفت خوردن خاک یکی از اعمالی است که از آن نهی شده ولی از بین تمام خاک‌ها، تربت امام حسین^{علیه السلام} استثنا شده است و مراجع نیز استحباب آن را بیان کرده‌اند.

ب) نصب تصاویر تمثال اهل بیت^{علیهم السلام}: تمثال به معنای نقاشی از چهره یک شخصیت دینی مقدس مثل امامان و انبیاء^{علیهم السلام} می‌باشد. کشیدن یا ترویج تصاویر غیر واقعی امامان پسندیده نیست.

س. عکس‌هایی منسوب به ائمه معصومین^{علیهم السلام} چاپ و منتشر می‌شود؛ نصب آنها در حسینیه‌ها و هیئت‌های عزاداری چگونه است؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^{دامت‌السلام}:

این کار فی‌نفسه از نظر شرعی اشکال ندارد، به شرط اینکه مشتمل بر اموری که از نظر عرف اهانت و بی‌احترامی محسوب می‌شود نبوده و با شأن این بزرگواران منافات نداشته باشد.^۱

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

به طور کلی، ترک نصب آنها مناسب‌تر با شئون آن بزرگواران است.

حضرت آیت‌الله فاضل لنکرانی:

مانعی ندارد، هرچند انتساب آنها به معصومین^{علیهم السلام} اعتباری ندارد.

۱. سید علی حسینی خامنه‌ای، همان، ج ۲، ص ۳۸.

حضرت آیت‌الله بهجت:

خالی از اشکال نیست.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

این عکس‌ها اصالت ندارد ولی چون منتسب به آن حضرات است، نباید مورد بی‌احترامی قرار گیرد.

حضرت آیت‌الله سیستانی:

اگر مشتمل بر هتک نباشد، اشکال ندارد.

حضرت آیت‌الله تبریزی:

اگر مقصود این است که تذکر و یادآوری آن بزرگواران باشد، مانعی ندارد ولی اگر معتقد باشد که این عکس‌های واقعی ائمه علیهم‌السلام است، این عقیده صحیح نیست و خطاست.^۱

در اینجا لازم است که تأکید شود هیچ تصویر و نقاشی از نظر تاریخی وجود ندارد که بتوان آن را به ائمه اطهار علیهم‌السلام نسبت داد. تمامی تصاویر موجود در بازار از جهت تاریخی و شرعی هیچ اعتباری ندارند. بر همین اساس، شایسته است این تصاویر مورد استفاده قرار نگیرد.

پ) سجده کردن در حرم اهل بیت علیهم‌السلام: در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «کسی که برای شکر نعمتی در حال وضو سجده شکر به‌جا آورد، خداوند برای او ده حسنه می‌نویسد و ده گناه بزرگ از او محو می‌کند.»^۲

۱. سید محسن محمودی. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۰۵-۱۰۶.

۲. علیرضا صابری یزدی، الحکم الزاهرة، ترجمه محمد رضا انصاری، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲۱.

حکم سجده در برابر حرم ائمه علیهم السلام از نظر مراجع:

س. سجده در برابر حرم ائمه علیهم السلام یا خود را روی زمین کشیدن به گونه ای که خون جاری شود، چه صورت دارد؟

حضرت آیت الله خامنه ای مد ظله:

سجده کردن در برابر حرم ائمه علیهم السلام اگر به نیت شکرگزاری باشد، اشکال ندارد و اگر به قصد خضوع در برابر آن ذوات مقدسه باشد، حرام است.

حضرت آیت الله تبریزی:

سجده کردن در برابر حرم، اگر منظور از آن گذاشتن پیشانی بر زمین به قصد احترام امام علیه السلام باشد، جایز نیست. اما اگر منظور آن گذاشتن صورت به عتبه و قبر معصوم علیه السلام برای بوسیدن باشد، مانع ندارد. و اینکه شخص، در مقابل حرم، خودش را روی زمین بکشد به گونه ای که خون جاری شود، جایز نیست. ائمه علیهم السلام از ما چنین کاری را نخواستند.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی:

از اموری که موجب وهن مذهب می گردد، باید اجتناب نمود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

جایز نیست.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

سجده برای غیر خداوند متعال جایز نیست و به سجده افتادن در اعتاب مقدسه باید برای خدا باشد. سجده به شکرانه تشریف به زیارت مرقد های مقدسه آن بزرگواران علیهم السلام اشکال ندارد و بوسیدن عتبه سجده نیست.

حضرت آیت‌الله سیستانی:

به‌عنوان سجده شکر خداوند مانعی ندارد.

۶-۲-۲. احکام اختصاصی

الف) مداح:

یک - غلو در مداحی: غلو فراتر بردن اعتقاد دینی از حدّ خود است و بیشتر نسبت به ائمه معصومین علیهم‌السلام به‌کار می‌رود، به‌صورتی که آنان را تا حدّ نبوت یا خدایی بالا برند. چهل و ناآگاهی، دوست داشتن زیاد، سودجویی رهبران غلات و سوءاستفاده از باورهای دینی مسلمانان از عوامل گرایش به غلو و سبب گسترش آن بوده است.

مسئله غلو درباره پیشوایان علیهم‌السلام یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های انحراف در ادیان آسمانی بوده است. سرچشمه این انحراف از آنجا است که انسان علاقه دارد که رهبران و پیشوایان خویش را بیش از آنچه هستند بزرگ نشان دهد، تا بر عظمت خود بیفزاید. گاهی نیز این تصور که غلو درباره پیشوایان علیهم‌السلام نشانه ایمان به آنان و عشق و علاقه به آنها است سبب گام نهادن در این ورطه هولناک می‌شود.

غلو همواره یک عیب بزرگ را همراه دارد و آن اینکه ریشه اصلی مذهب یعنی خداپرستی و توحید را خراب می‌کند. به‌همین سبب، اسلام درباره غلات سخت‌گیری شدیدی کرده است. قرآن کریم خبر می‌دهد که یهودی‌ها می‌گفتند: عزیر پسر خداست؛ مسیحی‌ها می‌گفتند عیسی پسر خداست. خداوند درباره این افراد می‌فرماید:

ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِؤْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (توبه: ۳۰).

این سخنی است که با زبان خود می‌گویند، که همانند گفتار کافران پیشین است. خدا آنان را بکشد! چگونه از حق انحراف می‌یابند؟! این آیه به همه انسان‌ها هشدار می‌دهد که نه موسی پسر خداست، نه عیسی پسر خداست و نه نام فرد دیگری می‌تواند با نام «الله» همراه شود. همه بنده خدا هستند.

امامان شیعه علیهم‌السلام، ضمن مردود دانستن عقاید غلات با استدلال و برهان، با بیان علل و پیامدهای غلو و نیز توطئه‌های غلات، شیعیان را به دوری گزیدن از غلات توصیه می‌کردند.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام انتهای راه مدعیان دوستی که دچار غلو شدند و دشمنانی که سخن به گزاف گویند یک دانسته و منتهی به هلاکت می‌شمارد و می‌فرماید: «دو گروه در مورد من هلاک شدند: دوستی که از حد گذراند (افراطی) و دشمنی که بیهوده سخن گوید.»^۱

شیعیان امیرالمؤمنین علیه‌السلام که بیشترین ارادت را نسبت به اولاد معصومین علیهم‌السلام دارند و در مرحله عمل هم این مودت را به اثبات رسانده‌اند، ممکن است به مجالسی دچار شوند که در ظاهر ابراز محبت به اهل بیت علیهم‌السلام است اما در آن مجالس کارهایی انجام می‌دهند که ترک آنها بهتر است؛ یکی از این اعمال ناپسند و اذکار نامناسب غلو درباره ائمه اطهار علیهم‌السلام و بالا بردن جایگاه ایشان در حد خدایی است، کاری که حضرت علی علیه‌السلام به شدت از آن نهی فرمود: «ما را به حد خدایی نرسانید اما راجع به فضایل ما هرچه خواستید بگویید.»^۲

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ۱۳۸۵، حکمت ۴۶۹.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۵، ص ۲۹۹.

(۱) حکم غلو کردن درباره اهل بیت علیهم‌السلام از نظر مراجع:

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله: «گفتن جملات غلوآمیز جایز نیست، و باید از ترویج مداحانی که اهل غلو هستند و نیز جلسات آنها پرهیز شود.»^۱

س. آیا گفتن عباراتی مثل من علی‌اللهی‌ام یا خدای من علی، خدای من حسین یا زینب‌اللهی‌ام در مداحی و روضه‌خوانی جایز است؟

ج. از هر کلام و کاری که موجب وهن مذهب می‌شود، باید اجتناب شود، و اشعاری خوانده شود که حاوی مطالب صحیح در مقام بلند اهل بیت علیهم‌السلام یا مصائب ایشان و نیز زنده‌کننده اهداف آنها باشد.^۲

س. در ایام عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام، گاه دیده می‌شود که برخی مداحان از کلمات غلوآمیز درباره ایشان یا اصحاب باوفای ایشان استفاده می‌کنند و یا دیده می‌شود با تبدیل برخی آیات قرآن مثل «إِنَّا لِلْحُسَيْنِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» به آن مقام شامخ ابراز ارادت نشان می‌دهند. دستور شرع مقدس در این موارد چیست؟ آیا عظمت و اهمیت عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام چنین غلو یا تبدیل‌هایی را مجاز می‌سازد؟ توصیه کلی درباره چگونگی و سبک برپایی عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و اصحاب باوفای ایشان به مداحان و ذاکران و سخنرانان و برگزارکنندگان چیست؟

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، به‌طورکلی، مداحان بزرگوار باید از غلو و خلاف واقع در مداحی و ذکر مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و سایر ائمه علیهم‌السلام اجتناب کنند. واللَّهُ الْعَالِمُ.»

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۸۴/۵/۵، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3298>

۲. همان.

دو- سبّ و اهانت به مقدسات مذاهب دیگر: سبّ، در لغت، به معنای شتم و دشنام است. در اسلام، سبّ حرام است. خداوند متعال می‌فرماید:

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ... (انعام: ۱۰۸).

و شما مؤمنان بر آنان که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید تا مبادا آنها هم از روی دشمنی و جهالت خدا را دشنام دهند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز به شدت دشنام دادن را نهی کرده است؛ ایشان می‌فرماید: «سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ؛ دشنام به مسلمان فسق و گناه است.»^۱

رهبر معظم انقلاب دامت‌السلام در یکی از سخنرانی‌های خود درباره توهین به بزرگان و علمای مذاهب دیگر چنین بیان داشته است:

مسلمان‌ها باید با هر عامل مخالف وحدت و ضد وحدت مقابله بکنند؛ این یک تکلیف بزرگ برای همه ما است؛ هم شیعه باید این را قبول کند، هم سنی باید قبول کند، هم شعبه‌های گوناگونی که در میان شیعیان و در میان سنی‌ها وجود دارد این را باید بپذیرند.^۲

(۲) حکم اهانت به مقدسات مذاهب دیگر از نظر مراجع:

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌السلام:

س. اهانت به مقدسات دیگر مذاهب چه حکمی دارد؟

۱. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، تربت جام، شیخ الاسلام احمد جام، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۲۲۴۷.

۲. بیانات امام خامنه‌ای دامت‌السلام در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت،

۱۳۹۲/۱۰/۲۹، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25056>.

ج. اینجانب، همچون بسیاری از علمای اسلام و دلسوزان امت اسلامی، بار دیگر اعلام می‌کنم که هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلاف میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدّسات هریک از گروه‌های مسلمان یا تکفیر یکی از مذاهب اسلامی خدمت به اردوگاه کفر و شرک و خیانت به اسلام و حرام شرعی است.

س. شرکت در مجالسی که در آن به مقدّسات دیگر مذاهب توهین می‌شود چه حکمی دارد؟

ج. هرگونه گفتار یا کردار و رفتاری که در زمان حاضر سوژه و بهانه به دست دشمن بدهد و یا موجب اختلاف و تفرقه بین مسلمین گردد، شرعاً حرام اکید است.

س. لعن و نفرین کردن نسبت به مقدّسات یا بزرگان دیگر مذاهب در سخنرانی یا مداحی چه حکمی دارد؟

ج. هرگونه گفتار یا کردار و رفتاری که در زمان حاضر سوژه و بهانه به دست دشمن بدهد و یا موجب اختلاف و تفرقه بین مسلمانان گردد، شرعاً حرام اکید است.^۱

حضرت آیت‌الله سیستانی: «شیعیان باید پیش از اهل تسنن به دفاع از حقوق اجتماعی و سیاسی سنی‌ها بپردازند. گفتمان ما بر دعوت به وحدت استوار است و بنده بارها گفته و باز هم می‌گویم که نگویید سنی‌ها برادران ما هستند بلکه آنها نفس و جان ما هستند. من به

۱. استفتانات از امام خامنه‌ای (دام‌طه)، ۱۳۹۲/۷/۲، دسترسی در: <https://www.leader.ir/>

خطبه‌های نماز جمعه اهل سنت بیشتر از خطبه‌های شیعیان گوش می‌دهم.»^۱

حضرت آیت‌الله بهجت: «چه بسا ... این کارها موجب اذیت و آزار و یا قتل شیعیانی که در بلاد و کشورهای دیگر در اقلیت هستند گردد. در این صورت، اگر یک قطره خون از آنها ریخته شود، ما مسبب آن و یا شریک جرم خواهیم بود.»^۲ «کسی که وحدت مسلمانان را نخواهد، مسلمان نیست. ائمه ما^{علیهم‌السلام} در نماز جماعت آنان شرکت می‌کردند، به جهت اتحاد مسلمانان.»^۳

حضرت آیت‌الله وحید خراسانی: «واقعاً فقاهاست در این گونه جریان‌ها [تفرقه‌انداز] از بین رفته، این کارها موجب اراقه دماء محترمه است، و دستور خود ائمه^{علیهم‌السلام} برخلاف این است. سب و لعن علنی جایز نیست. اولاً، لعن علنی ممنوع است، واقعاً دستورات دین بر همین امر تأکید دارند و، ثانیاً، در روایت معتبره آمده است: «صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ.» علاوه بر این، عیادت کنید مرضای آنها را، تشییع کنید جنازه‌های آنها را.»^۴

حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی: «مؤمنین باید از انجام اموری که باعث تفرقه و اختلاف و تضعیف اسلام می‌شود اجتناب کنند.»^۵

۱. پیام آیت‌الله سیستانی به مناسبت هفته وحدت، دسترسی در: <http://www.sistani.org/in>

dex.php?p=914883&id=684، ۱۱ مرداد ۱۳۹۱.

۲. محمدحسین رخشاد، در محضر بهجت، قم، سماء، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۳۸.

۳. محمد محمدی ری‌شهری، زمزم عرفان، قم، دارالحديث، ۱۳۹۱، ص ۳۸۱.

۴. <https://iqna.ir/fa/news/3855255>.

۵. همان.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی: «از توهین به مقدسات سایر مذاهب پرهیز شود تا بهانه برای ریختن خون شیعیان در دیگر مناطق به دست دشمنان ندهیم. در شرایطی که تکفیری‌ها تبلیغات وسیعی بر ضد شیعیان و همهٔ مسلمانان دارند، شیعه و سنی باید با یکدیگر هماهنگ باشند تا با آنها مقابله کنند.»^۱

سه - خواندن اشعار با آهنگ محرک: مداحی و روضه‌خوانی هنری اسلامی و مقدس است که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مداحی و مجالس ذکر عاملی برای پیوند مردم با مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و زمینه‌ای برای آشنایی بیشتر با اهداف و روش زندگی آن بزرگواران است. از این‌رو، هر آهنگ و شعر و سرودی مناسب این مجالس نیست و ممکن است سبب دور شدن از اهداف اصلی آن شود، نه تنها سبب آگاهی و هدایت نیست بلکه عاملی برای انحراف و کجروی است.

رهبر معظم انقلاب (علیه‌السلام) در جلسات متعددی که با مادحین اهل بیت (علیهم‌السلام) داشتند، دربارهٔ آهنگ و سبک مداحی نکاتی را گوشزد فرمود:

نکتهٔ آخر هم آهنگ است. من شنیده‌ام در مواردی از آهنگ‌های نامناسب استفاده می‌شود. مثلاً، فلان خوانندهٔ طاغوتی یا غیرطاغوتی شعر عشقی چرندی را با آهنگی خوانده؛ حالا ما بیاییم در مجلس امام حسین و برای عشاق امام حسین، آیات والای معرفت را در این آهنگ بریزیم و بنا کنیم آن را خواندن؛ این خیلی بد است. خودتان آهنگ بسازید. این همه ذوق و این همه هنر وجود دارد. یقیناً، در جمع علاقه‌مندان به این جریان کسانی هستند که

۱. بیانات آیت‌الله مکارم شیرازی در دیدار با اعضای کنگره امام سجاد (علیه‌السلام)، دسترسی در:

می‌توانند آهنگ‌های خوبِ مخصوص مداحی بسازند؛ آهنگ عزرا، آهنگ شادی.^۱

بعضی از آهنگ‌ها آهنگ‌های بدی است، آهنگ‌های غلطی است، آهنگ‌های لهوی است؛ این را نباید به وادی حرفه مداحی و خواندن مداحی کشاند. عیبی ندارد که شکل‌های جدیدی را در خواندن و قرائت اشعار و آهنگ‌سازی‌های گوناگون ابتکار کنید؛ اما از این تشابه و تداخل بپرهیزید. البته، آهنگ‌های لهوی مُضِلّ عن سبیل الله را می‌گوییم، نه حالا هر آهنگی که یک وقتی در یک مضمون دیگری خوانده شده، آن را بخواهیم منع کنیم؛ نه، آهنگ‌هایی که لهوی است و مُضِلّ عن سبیل الله است؛ اینها را نیاورید.^۲

حکم مداحی با آهنگ‌های محرک از نظر مراجع:

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامه‌الرحمة:

س. مداحی و مولودی‌خوانی به سبک آهنگ‌های غربی و مطرب چه حکمی دارد؟

ج. اگر صدا را طوری در گلو بیندازد که غنا محسوب شود، یعنی صدا همراه با ترجیع و طرب بوده و مناسب مجالس لهو و گناه باشد، خواندن به این صورت و گوش دادن به آن حرام است.^۳

۱. بیانات امام خامنه‌ای دامه‌الرحمة در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۸۴/۵/۵، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3598>

۲. بیانات امام خامنه‌ای دامه‌الرحمة در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۰/۳/۳، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12537>

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۷/۱۴، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=27823>

ب) هیئت:

یک - هروله کردن در هیئت: هروله حالتی است بین راه رفتن معمولی و دویدن.^۱ فقها در مسائل مربوط به حج می‌گویند: «مستحب است مردان به هنگام رفتن از صفا به مروه، یا هنگام بازگشت، وقتی به محلّ مخصوصی - که امروزه با چراغ سبز مشخص شده - می‌رسند هرّوله کنند و کمی تندتر راه روند.»^۲

شایان ذکر است که این مسئله صرفاً مربوط به اعمال حج و عمره است و انجام آن در سایر موارد وجه شرعی ندارد.

حکم هروله کردن در عزاداری امام حسین علیه السلام از نظر مراجع:

حضرت آیت الله خامنه‌ای دامنه الله تعالی: [ایشان در پاسخ به سؤال‌هایی که معمولاً درباره شیوه عزاداری و برخی از کارهایی که در عزاداری صورت می‌گیرد و اشکال شرعی هم ندارد، مثل تعزیه‌خوانی، ضمن تأیید آن عزاداری‌های متعارف و متعادل که از دیرباز بین مؤمنان مرسوم بوده، اضافه فرموده است:] «بهتر آن است که مجلس ذکر مصیبت برپا کنند. پس، معلوم است که این‌گونه کارهای متعارف مثل هیئت‌های عزاداری، مثل سینه‌زنی و زنجیرزنی، به‌طور متعارف اینها اشکالی ندارد و جزء شعائر دینی ما محسوب می‌شود؛ اما یک کارهایی که موجب وهن مذهب است، در شأن مؤمن نیست این کارها را انجام دهد و دشمنان علیه مکتب تشیع از آن سوءاستفاده می‌کنند، آن کارها جایز نیست.»^۳

۱. محمد بن مکرم ابن منظور، همان، ج ۱۱، ص ۶۹۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی، مناسک جامع حج، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵.

۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دسترسی در: <https://www.leader.ir>

س. آیا هروله کردن در عزاداری اشکال دارد؟

ج. اگر موجب وهن مذهب نباشد، یعنی دیگران سوء استفاده نکنند علیه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، اشکالی ندارد. ولی به طور کلی، توصیه این است که از این گونه اعمال در عزاداری‌ها پرهیز کنند.^۱

حضرت آیت‌الله سیستانی:

س. آیا هروله کردن (یک نوع حرکت با شتاب) در دسته‌های عزاداری امام حسین علیه‌السلام که دور خیابان‌ها راهپیمایی می‌کنند جایز است یا خیر؟
ج. در حد خود اشکال ندارد.^۲

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

س. هروله در جلسات عزاداری چه حکمی دارد؟
ج. گاه می‌شود که اشخاص مصیبت‌زده از شدت تأثر از جا برمی‌خیزند و می‌روند و می‌آیند و خود را می‌زنند و فریاد می‌کنند. اگر کسی در مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام - که اعظم مصائب است - واقعاً چنین حالی پیدا کند، یا مثل تباهی چنین حالی را دارد، نمی‌توان این حالات را اهانت دانست. در این موارد، سلیقه‌ها مختلف است؛ به حسب ازمنه و امکان فرق پیدا می‌کند و عرف عام را باید ملاک دانست. آنچه لازم است این است که همه بر حفظ و شکوه و عظمت و حقیقت و وقار قدسی و ملکوتی این برنامه و نشان دادن کمال حزن و اندوه خود اهتمام نمایند.^۳

۱. همان.

2. <https://www.sistani.org/persian/qa/0975>.

3. <https://www.saafi.com/book/2599>.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

- س. آیا هروله کردن در سینه‌زنی صحیح است یا خیر؟
- ج. انجام چنین حرکاتی در شأن عزاداری سیدالشهدا^{علیه السلام} که از افضل قربات محسوب می‌شود نیست.^۱

حضرت آیت‌الله وحید خراسانی:

- س. حکم هروله کردن و بالا و پایین پریدن در مجلس عزاداری چیست؟
- ج. اشکال ندارد.^۲
- دو- قمه‌زنی: قمه‌زنی از رسوم عزاداری برخی از شیعیان [غالباً در کشورهای عراق، لبنان و هند] است که در آن با شمشیر و قمه به سر خود ضربه می‌زنند تا خون جاری شود. قمه‌زنی و کارهایی همانند آن پیشنهادی در روزگار امامان معصوم^{علیهم السلام} ندارد. این شیوه از عزاداری از روزگار صفویه به وسیله قزلباشان یا در روزگار قاجاریه رونق یافته است.
- از دلایل حرمت قمه‌زنی می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:
- خلاف شرع است، از جمله به استناد قاعده فقهی «حرمت اضرار به نفس»؛
- بدعت است؛
- غیر عقلانی است؛
- موجب وهن دین و مذهب (سَبْک جלוه‌دادن دین و مذهب در انظار عمومی دیگر ادیان و یا مذاهب) می‌شود.

1. <https://www.makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=21&catid=46953>.

2. <https://www.pasokhkadeh.ir/10180>.

حکم قمه‌زنی از نظر مراجع: قمه‌زدن و یا لطمه‌وارد کردن به بدن از نظر مراجع تقلید چه حکمی دارد؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله: «قمه‌زنی، علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه علیهم‌السلام و زمان‌های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم علیه‌السلام درباره آن نرسیده است، در زمان حاضر، موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود. بنابراین، در هیچ حالتی جایز نیست.»^۱

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی: «قمه‌زنی قطعاً حرام است و باید از انجام اعمالی که موجب وهن مذهب و یا آسیب به بدن می‌شود اجتناب کرد.»^۲

حضرت آیت‌الله سیستانی: «باید از کارهایی که عزاداری را خدشه‌دار می‌کند اجتناب شود.»^۳

توجه به این نکته نیز ضروری است: کسانی با این ادعا که برخی از فقهای پیشین درباره قمه‌زنی سکوت کرده و حرمتی برای آن ذکر ننموده‌اند، به این عمل پای می‌فشرند، درحالی که لازم است توجه داشته باشند که اگر آن بزرگان نیز در عصر و زمان ما بودند و عواقب سوء داخلی و خارجی این برنامه را مشاهده می‌نمودند، بی‌تردید، نظر دیگری ابراز می‌نمودند.

سه - برهنه سینه‌زدن: متون تاریخی بیانگر آن است که سینه‌زنی در میان عرب از دیرباز و حتی پیش از شهادت امام حسین علیه‌السلام بسیار شایع بوده است، که هنگام عزاداری به سر و سینه و صورت می‌زدند. در این زمینه، گزارش‌های

۱. سید علی حسینی خامنه‌ای، همان، مسئله ۱۴۶۱.

2. <https://makarem.ir/ahkam/fa/category/index/46953>.

3. <https://www.sistani.org/persian/qa/0975>.

تاریخی بسیاری در دست است. برای نمونه، نقل شده که زنان پیامبر ﷺ نیز به همین روش نسبت به رحلت رسول خدا ﷺ ابراز عزاداری نموده‌اند، چنان‌که ابن هشام به نقل از عایشه می‌نویسد: «[زمانی که پیامبر خدا ﷺ از دنیا رفت،] من به همراه بقیه زنان پیامبر ﷺ سینه می‌زدیم و من به صورتم می‌زدم.»^۱

سینه‌زنی نوعی مراسم سنتی عزاداری برای سیدالشهدا (علیه السلام) و دیگر ائمه معصومین (علیهم السلام) است؛ این مراسم معمولاً همراه نوحه‌خوانی با آهنگی خاص می‌باشد.^۲

این سنت، به‌ویژه، در میان عرب‌ها رواج داشته است؛ آنها، به هنگام وارد شدن مصیبت، دست‌ها را به صورت ضربدری - به گونه‌ای که کف دست‌ها به طرف صورت باشد - روی هم قرار داده و به نشانه عزا به سینه می‌زدند [کاری که هم‌اکنون نیز در میان زنان عرب بسیار رواج دارد]. سینه‌زنی به‌مرور زمان به صورت موجود درآمده که با انتخاب نوحه‌های سنگین حرکات دست بر سینه می‌خورد.^۳

اما درباره برهنه شدن در مراسم عزاداری، آنچه که در روایات مورد سفارش و تأکید قرار گرفته است عزاداری و محزون و گریان بودن در مصیبت شهادت و مظلومیت و فقدان اولیای الهی، به‌ویژه سالار شهیدان: امام حسین (علیه السلام)، است. شکل عزاداری و چگونگی آن، حسب عرف و عادت و مراسم و فرهنگ جامعه، مختلف است و در روایات، بر شکل خاصی از آن تأکید نشده است. برهنه

۱. عبدالملک ابن هشام، السیرة النبویة، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره، مکتبة محمدعلی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۷۵.

۲. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، تهران، معروف، ۱۳۷۴، ص ۲۵۶.

۳. همان.

شدن در مراسم عزاداری، که در بعضی مناطق معمول است، تابع همین عرف و عادت است و دارای فضیلت و ارزش خاصی نیست و هیچ‌گونه تأکیدی بر آن نشده است بلکه در مکان‌هایی که این مراسم در معرض دید و تماشای بانوان می‌باشد، انجام آن شایسته نیست.

حکم برهنه‌شدن در هیئت‌ها از نظر مراجع:

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌طه):

س. برهنه شدن در مجالس سینه‌زنی اشکالی دارد؟
ج. در صورتی که نامحرم نباشد و مستلزم مفسده نباشد، برهنه‌شدن و سینه‌زدن جایز است ولی مناسب است با لباس عزاداری انجام بگیرد.^۱

حضرت آیت‌الله بهجت:

س. لخت‌شدن در عزاداری چگونه است و اگر بر اثر سینه‌زنی، بدن سرخ شود، چه حکمی دارد؟
ج. اشکال ندارد و لخت‌شدنی که در معرض نظر حرام نامحرم باشد، جایز نیست.^۲

حضرت آیت‌الله سیستانی:

س. می‌خواستم نظر حضرت‌عالی و شرعی و نحوه حلال یا حرام را درباره برهنه‌شدن افراد در هیئت‌های مذهبی که جهت سینه‌زنی انجام می‌گیرد بدانم؟
ج. اشکال ندارد.^۳

1. <https://www.mashregnews.ir/news/14923>.

۲. همان.

۳. همان.

س. برهنه شدن در مراسم سینه‌زنی چه حکمی دارد؟
ج. اشکال ندارد.^۱

حضرت آیت‌الله نوری همدانی:

س. فلسفه سینه‌زنی چیست؟ کسی که لباسش را درمی‌آورد البته به طوری که نامحرم نبیند و سینه بزند تا اینکه از سینه‌اش خون بیاید حکمش چیست؟
ج. سینه‌زنی یک نوع عزاداری و اظهار ارادت نسبت به خاندان عصمت و طهارت است؛ از طریق سینه‌زنی و روضه‌خوانی خاطره فداکاری و جانبازی امام حسین (ع) و سایر ائمه معصومین (ع) برای همیشه در خاطره‌ها زنده می‌ماند. سینه‌زدن به طور متعارف عملی ارزشمند و پسندیده است.^۲

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی:

س. آیا برهنه شدن در مجالس سینه‌زنی اشکالی دارد؟
ج. در صورتی که زنان حضور داشته باشند، این کار حرام است و اگر زنان هم نباشند، اشکال دارد.

چهار - کف‌زدن در مجالس جشن اهل بیت (ع): شادی و نشاط همچون سایر نیازها و رفتارهای انسان دارای احکام و آداب خاصی است. اما در مجالس شادی باید از گناه و معصیت پرهیز کرد. امام صادق (ع) فرمود:

لَا يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يَعْصِي اللَّهُ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ.

سزاوار نیست مؤمن در مجلسی بنشیند، که در آن معصیت خدا می‌شود و او نمی‌تواند آن را تغییر دهد.^۳

۱. همان.

۲. حسین نوری همدانی، هزار و یک مسئله فقهی، قم، مهدی موعود (عج)، ج ۲، ص ۱۷۸.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۳۷۴.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در این زمینه نکاتی را ایراد فرمود:

این را هم عرض بکنم که آهنگ شادی از آهنگ عزا جداست. الان معمول شده که برای روزهای عید جلساتی تشکیل می‌دهند. بنده مخالف این کار نیستم؛ بد هم نیست که دست می‌زنند. البته، اگر از رادیو بشنویم - که بنده خودم گاهی از رادیو شنیده‌ام - و شعر را درست گوش نکنیم، خیال می‌کنیم دارند سینه می‌زنند! هم لحن سینه‌زنی است، هم آن دستی که می‌زنند مثل زدن روی سینه است. این چه شادی‌ای شد؟! اگر برای روزهای شادی، آهنگ‌های مناسب - نه آهنگ‌های مبتذل، نه آهنگ‌های طاغوتی، نه آهنگ‌های حرام - و شیوه‌های خوب انتخاب کنند، مؤثرتر و بهتر است. این‌طور نباشد که چون به روضه‌خوانی عادت کرده‌ایم، روز شادی هم که می‌خواهیم حرف بزنیم، لحن‌مان بشود لحن روضه‌خوانی. قدیم‌ها می‌گفتند فلانی هرچه می‌خواند مثنوی درمی‌آید؛ هرآهنگی را که شروع کند، مثنوی می‌شود! این‌طوری نباشد.^۱

حکم کف‌زدن در مجالس شادی اهل بیت علیهم السلام از نظر مراجع: آیا کف‌زدن در

مجالس ولادت امامان علیهم السلام جایز است؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام: «به‌طورکلی، کف‌زدن فی‌نفسه به نحو

متعارف در جشن‌های اعیاد یا برای تشویق و تأیید و مانند آن اشکال ندارد ولی بهتر است فضای مجالس دینی به‌خصوص مراسمی که در مساجد و حسینیه‌ها

۱. بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۸۴/۵/۵، دسترسی در:

و نمازخانه‌ها برگزار می‌شود، به ذکر صلوات و تکبیر معطر گردد تا انسان به ثواب آنها برسد.»

حضرت آیت‌الله سیستانی: «فی نفسه مانعی ندارد و مناسب این است که جایگزین صلوات و ذکر نشود.»

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی: «دست‌زدن اگر با امور حرام دیگری مقرون نباشد، حرام نیست ولی در مساجد و حسینیه‌ها از آن پرهیز کنید.»

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی: «لهو است و اشکال دارد.»

حضرت آیت‌الله بهجت: «اگر عدم مناسبت آن با مقام [و شأن] اهل بیت علیهم‌السلام انتزاع (استفاده) نشود و به حدّ لهو هم نرسد، مانعی ندارد.»

خلاصهٔ درس

- فرد مسلمان باید رفتار و عملکرد خویش را با احکام دین تنظیم کند و از این‌رو، باید نسبت به احکام مورد نیاز خود شناخت پیدا کند.

- خوردن تربت حرام است، جز تربت سیدالشهدا علیه‌السلام که در روایات برکات زیادی برای آن ذکر شده است.

- به تصویر کشیدن یا ترویج تصاویری که منتسب به اهل بیت علیهم‌السلام هستند، پسندیده نیست.

- سجده در برابر حرم اهل بیت علیهم‌السلام از روی شکرگزاری خداوند متعال اشکال ندارد.

- ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام، با مردود دانستن عقاید غلات و بیان علل و پیامدهای غلو، شیعیان را به دوری گزیدن از غلات توصیه می‌نمودند.

- اهانت به مقدسات سایر مذاهب دیگر جایز نیست.

- مجالس اهل بیت علیهم‌السلام زمینه‌ای برای آشنایی بیشتر با اهداف زندگی آن بزرگواران است. بدین سبب، استفاده از هر آهنگ و شعری مناسب این مجالس نیست.

- هروله حالتی بین راه رفتن و دویدن است که مربوط به اعمال مستحبی حج می‌باشد و انجام آن در هیئت‌ها، اگر موجب وهن دین نشود، اشکالی ندارد.
- وارد نمودن ضربه شمشیر به سر را قمه‌زنی می‌گویند، که طبق نظر اکثر مراجع جایز نیست.

- برای برهنه شدن در مجالس اهل بیت علیهم‌السلام هیچ تأکیدی وجود ندارد و اگر در حضور نامحرم نباشد و موجب مفسده نشود، جایز است.
- حکم کف زدن در مجالس شادی اهل بیت علیهم‌السلام، در میان مراجع، جزو احکام اختلافی است.

پرسش‌ها

۱. جایگاه آموزش احکام در دین مبین اسلام را به اختصار توضیح دهید.
۲. توصیه‌هایی که درباره استفاده از تربت امام حسین علیه‌السلام شده است را به اختصار بیان کنید.
۳. ادله حرمت قمه‌زنی را بیان کنید.
۴. خوردن خاک یکی از اعمالی است که از آن شده است ولی از میان خاک‌ها، استثنا شده است.
۵. کدام یک از موارد زیر جزو نمونه‌های قرآنی بر سوگواری و عزاداری است؟

الف) گریه حضرت یونس علیه‌السلام در شکم ماهی؛

ب) گریه حضرت یعقوب علیه‌السلام در فراق یوسف علیه‌السلام؛

- ج) گریه حضرت آدم علیه السلام پس از عصیان؛
 د) گریه امام سجاد علیه السلام در مصیبت امام حسین علیه السلام.
 ۶. باتوجه به حکم حضرت آیت الله خامنه‌ای دامنه‌ای، حکم مناسب برای هر کدام از موضوعات زیر را بیابید و متصل نمایید.
 الف) نصب تمثال ائمه معصومین علیهم السلام ۱. اگر موجب وهن مذهب نباشد، اشکال ندارد.
 ب) هروله کردن برابر آنان باشد، حرام است.
 ج) سجده کردن در حرم اهل بیت علیهم السلام ۳. در هیچ حالتی جایز نیست.
 د) قمه زنی ۴. فی نفسه اشکال ندارد.
 ۷. صحیح و غلط بودن جملات زیر را مشخص نمایید.
 الف) شکل عزاداری و چگونگی آن حسب عرف و عادت و مراسم و فرهنگ جامعه مختلف است. ☐ صحیح ☐ غلط
 ب) سب، در لغت، به معنای دشنام است و در اسلام حرام اعلان شده است. ☐ صحیح ☐ غلط
 ج) یکی از اعمال واجب برای مردان در حج هروله کردن است. ☐ صحیح ☐ غلط

درس هفتم:

صداشناسی و صداسازی

اهداف درس

امید است فراگیر در پایان این درس بتواند به اهداف زیر دست یابد:

- صوت را تعریف کند؛
 - صداسازی را تبیین کند؛
 - مراحل تشخیص صدا را فهرست وار بیان کند؛
 - عوامل مؤثر در ارتقاء کیفیت را برشمارد؛
 - تغذیه مفید و مضر را در تقویت صدا از یکدیگر تفکیک کند؛
 - بتواند صدای خود را بشناسد و از تمام ظرفیت صدای خود استفاده کند.
- در درس پیشین به احکام مرتبط با مداح و مداحی پرداخته شد. این درس به بررسی صداشناسی و صداسازی اختصاص دارد. بدین منظور، پس از تعریف صوت و تبیین صداشناسی، به توضیح و تشریح صداسازی پرداخته شده است و در ادامه، با معرفی عوامل مؤثر در ارتقای کیفیت صدا، راههای تقویت صدا و

حنجره تبیین می‌شود، و درنهایت، با پرداختن به موضوع تغذیه و پرورش صدا، درس خاتمه می‌یابد.

۷-۱. صوت

صوت، در لغت، به معنای آواز، بانگ و نغمه است^۱ و، در اصطلاح، عبارت است از کیفیتی که از ارتعاش به هوا که آن را به گوش می‌رساند.^۲ بنابراین، جهت‌دهی به آوایی که از تارهای صوتی انسان خارج می‌شود را صوت گویند.

صوت یا صدای انسانی با استفاده از تارهای صوتی توسط انسان تولید می‌شود و برای صحبت کردن، آواز خواندن، خندیدن، گریه کردن و اموری از این دست به کار می‌آید. تارهای صوتی که کوچک‌ترین تار عضلانی بدن به حساب می‌آیند، در حنجره قرار دارند و پوشش مخاطی ویژه‌ای از آنها محافظت می‌کند.

۷-۲. صداشناسی

یکی از قدم‌های اصلی در ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام صداسازی است، بدین معنا که ذاکر اهل بیت علیهم‌السلام، مرحله نخست، باید صدای خود را بشناسد و در صد صداسازی برآید. از این رو، کسانی که در مرحله شناخت صدا و صداسازی موفق نباشند، به رشد در این زمینه نایل نمی‌شوند.

نکته‌ای که باید در این زمینه به آن توجه شود این است که صدای خوب اکتسابی است. در تبیین این عبارت می‌توان گفت: ممکن است برخی از افراد

۱. محمد معین، همان، ذیل واژه «صوت».

۲. همان.

صدای خوب داشته باشند ولی داشتن صدای خوب در ستایشگری اهل بیت علیهم السلام کافی نیست و باید به دنبال کسب تکنیک‌ها و مهارت‌ها و، در ادامه، به دنبال انجام تمرین‌ها و نرمش‌های ویژه آن باشند تا بتوانند صدای خود را در یک اسلوب حرفه‌ای ارتقا دهند.

۷-۳. مراحل صداسازی

۷-۳-۱. تشخیص صدا

برای شناخت صدا، نیاز است به معرفی برخی از ویژگی‌های صوتی اشاره شود: **الف) طنین صدا:** طنین، در فرهنگنامه دهخدا، آوازی را گویند که به گوش آدمی رسد ولی نه از خارج، و طنین تیزتر و لطیف‌تر از صدای عادی است.^۱ به بیان دیگر، پیمایش صدا در دستگاه تکلم را طنین صدا گویند؛ هرچه طنین صدا بیشتر باشد، صدای زیباتری به گوش می‌رسد.

یکی از عواملی که منجر به لطمه زدن به طنین صدا می‌شود، حبس صوتی یا گرفتن صدا می‌باشد. از این رو، برای کارایی بیشتر طنین صدا، نباید صدا را حبس نمود.^۲

ب) ارتفاع صدا: فاصله میان پایین‌ترین و بالاترین قسمت صوت را ارتفاع صوتی گویند.

پ) شدت صدا: مقدار فضایی که صوت هنگام خروج از دستگاه تکلم بدون استفاده از وسایل کمکی فرامی‌گیرد را شدت صوت یا توان صوتی می‌گویند.

۱. علی‌اکبر دهخدا، همان، ذیل واژه «طنین».

۲. جواد برزگر، همان، ص ۷۲.

ت) **شفافیت صدا:** مقصود از شفافیت صدا صاف و زلال بودن آن است، درحالی‌که بدون خش و گرفتگی باشد. در صورتی‌که به صدا مقداری حالت خیشومی^۱ داده شود، از جذابیت بیشتری برخوردار خواهد شد.

ث) **انعطاف صدا:** به مهارت در تغییر پرده‌های صوتی و قدرت تحریرزدن انعطاف صدا گفته می‌شود. هرچه صدا دارای تحریر بیشتری باشد، منعطف‌تر خواهد بود.

تحریرزدن یعنی کشش دادن به صدا، بالا و پایین کردن صدا، ضربه‌زدن و تکان دادن صدا؛ هراندازه که صدا بم باشد، تحریر کمتر و هراندازه صدا زیر باشد، تحریر بیشتر است؛ استفاده زیاد از تحریر زدن را چهچه زدن گویند، که معمولاً در ستایشگری اهل بیت علیهم‌السلام استفاده نمی‌شود، زیرا مستمع را نسبت به مضمون اشعار خوانده شده غافل می‌کند.

۲-۳-۷. خروج صدا از مخرج اصلی

منبع اصلی صدا از زیر پرده دیافراگم است، اما مخارج گوناگونی دارد؛ مخارج صدا گاهی از خیشوم، گاهی از گلو و گاهی از دهان می‌باشد.

۳-۳-۷. گام‌های صوتی

صدا دارای سه گام یا سه مرحله است:

- الف) **صدای پایین:** خواندن در پایین‌ترین طبقه صوتی یا همان صدای بم؛
- ب) **صدای متوسط:** خواندن بین طبقه صوتی پایین و بالا (بین زیر و بم)؛
- پ) **صدای اوج:** خواندن در سقف طبقه صوتی که موجب برانگیختن احساسات مستمعین می‌شود.

۱. مجرای قسمت درونی بینی، بن بینی، بیخ بینی (حسن عمید، همان، ج ۱، ص ۹۰۰).

۴-۷. عوامل مؤثر در ارتقای کیفیت صدا

صدا اگر بدون عناصر زیباسازی و به صورت خشک و عادی از حنجره خارج شود، به خودی خود، دارای زیبایی نیست و باید عواملی رعایت شود تا کیفیت و زیبایی صدا افزایش یابد. در ادامه، عواملی که منجر به صدای باکیفیت‌تر می‌شود برشمرده خواهد شد.

۷-۴-۱. تنفس صحیح

در کتاب صدای خود را آزاد کنید دربارهٔ تنفس‌گیری این‌گونه آورده است:

عجازی که من می‌توانم با صداها به وجود بیاورم برپایهٔ یک ریتم اساسی بنا می‌شود. این ریتم عبارت است از: حرکات بدن موقع دم و بازدم. به‌طورکلی، تنفس آرام و عمیق آثار شگرفی روی بدن دارد.^۱

تنفس صحیح باید از طریق بینی انجام پذیرد، زیرا از این طریق، هوا در داخل بینی به‌وسیلهٔ مویرگ‌ها تصفیه و مرطوب می‌شود. اما اگر تنفس از طریق دهان صورت پذیرد، هوای خشک و آلوده تارهای صوتی را خشک نموده، باعث تخریب آنها می‌شود.

الف) اهمیت تنفس‌گیری: نقش هوا برای تارهای صوتی مانند سوخت برای وسایل نقلیه است. ازاین‌رو، اهمیت ویژه‌ای در خواندن دارد. با تنفس‌گیری صحیح، حنجره عکس‌العمل مناسب از خود نشان می‌دهد و برای خواندن آماده می‌شود.

ب) مراحل تنفس‌گیری:

یک - حالت قرار گرفتن خوب: در شروع کار ما نیاز داریم که یک مسیر

۱. راجر لاق، صدای خود را آزاد کنید، ترجمهٔ سیروس نویدان، تهران، دنیای نو، ۱۳۸۶، ص ۶۰.

بدون مانع برای رسیدن هوا به شش‌ها تأمین کنیم. ابتدا، صاف بایستید و پاها را به اندازه عرض شانه‌ها از هم باز کنید. سپس، سرتان را مستقیم قرار دهید. دقت در نوع ایستادن خوب برای تنش عضلات که مانع یک خواندن خوب است کمک زیادی به مداح می‌کند.^۱

دو - نفس به داخل کشیدن (دم): بهترین حالت دم در فاصله بین پایین دنده‌ها و ناف انجام می‌گیرد. شانه‌ها را در وضعیت مناسب باز قرار دهید و شکم را مانند بادکنک باد کنید.^۲

سه - توجه به بازدم یا همان بیرون دادن نفس: برای بازدم، کار عضلانی صورت نمی‌گیرد و فقط رهاسازی و استراحت است. این اشتباه رایجی است که اغلب خواننده‌ها برای بازدم خود را به زحمت می‌اندازند. برای بازدم نباید خود را سفت گرفت یا فشار وارد کرد بلکه باید اجازه داد این کار به صورت طبیعی و خودکار انجام گیرد.^۳

بنابر آنچه گفته شد، نفس‌گیری از دو طریق می‌تواند انجام پذیرد: از طریق قفسه سینه و از طریق شکم یا دیافراگم. اما صحیح‌ترین حالت نفس‌گیری نفس‌گیری از طریق شکم است، زیرا حجم بیشتری از هوا در ریه‌ها وارد می‌شود و، همچنین، حجم هوای ذخیره‌شده در ریه‌ها قابلیت کنترل بیشتری دارد.

پ) تمرینات عملی طریقه نفس‌گیری صحیح: انجام ورزش‌هایی مانند کوهنوردی، شنا، دو، پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری به‌طور مستمر برای نفس

۱. همان، ص ۶۳.

۲. همان.

۳. همان.

ستایشگر اهل بیت علیهم السلام مفید می‌باشد. همچنین، تمرینات تنفس شکمی به صورت تکرار دم و بازدم بسیار مفید و حایز اهمیت است.

۷-۴-۲. حنجره

الف) آماده‌سازی حنجره: همان‌گونه که در ورزش کردن، باید ابتدا بدن را گرم نمود و، سپس، حرکات ورزشی را به اوج رساند، در ستایشگری اهل بیت علیهم السلام نیز باید ابتدا عضلات حنجره را گرم نمود و، سپس، آن را به اوج رساند.

ب) تقویت حنجره: حنجره یکی از ماهیچه‌های بدن است که می‌توان با تمرین آن را قوی نمود. هرچه حنجره قوی‌تر باشد، قابلیت ارتعاش آن بیشتر می‌شود و صدای قوی‌تری تولید می‌کند. البته، منظور از حنجره قوی صدای بلند یا فریاد نیست، بلکه منظور حنجره و صدایی است که دارای بنیه‌ای بالا و قدرتی است که بعد از اجرای یک برنامه، توانایی خود را به‌طور کامل از دست نداده باشد و به اصطلاح زود نگیرد. بعضی از اشخاص هستند که صدای آنها بسیار پرطنین و پر حجم و بلند است اما بعد از مدتی کار کشیدن از حنجره، تارهای صوتی آنها از کار می‌افتد و زود خسته می‌شود و توان انجام فعالیت بیشتر از آن سلب می‌شود. برعکس، افرادی نیز هستند که صدای کم حجم و نازکی دارند اما حنجره آنها از قدرت خوبی برخوردار است و تارهای صوتی او به زودی از کار نمی‌افتند.

برای تقویت حنجره می‌توان از خوراکی‌های مفید و مقوی نیز استفاده نمود، که در ادامه مباحث به آن پرداخته خواهد شد.

۷-۴-۳. استراحت

استراحت یکی از بهترین راه‌های مواظبت از حنجره و حفظ سلامتی آن است. عدم استراحت کافی و کم‌خوابی باعث علایمی مانند گرفتگی صدا و خستگی صوتی می‌شود که جز با استراحت به میزان کافی برطرف‌شدنی نخواهد بود.

ستایشگر اهل بیت علیهم‌السلام باید به این نکته توجه داشته باشد که در زمان خستگی، نباید مجالس متعددی را قبول کند، زیرا این کار سبب آسیب دیدن تارهای صوتی و حنجره می‌شود و باید به اندازه توان حنجره به اجرا بپردازد.

۷-۵. تغذیه و صداسازی

مواد غذایی و خوراکی روی حنجره تأثیر بسزایی دارد و می‌توان از آن به‌عنوان عاملی مؤثر بر پرورش صدا و صداسازی یاد نمود. باتوجه‌به فیزیولوژی بدن انسان و حنجره می‌توان گفت: بهترین توصیه در بهبود عملکرد حنجره برای تولید صدا زیاد نوشیدن آب است. آب برای حنجره انسان اهمیت حیاتی دارد، زیرا با روغن کاری تارهای صوتی آن را حفظ می‌کند.^۱

بنابراین، بهترین تغذیه برای حنجره آب است. و هرچقدر آب بیشتری به بدن برسد کارایی حنجره بالاتر می‌رود و از تنش و گرفتگی در حنجره جلوگیری می‌شود، به‌خصوص، در زمان‌هایی که مداح در روز دارای چند اجرا می‌باشد، باید نوشیدن آب را افزایش دهد و خود را از این مهم بازدارد. دانستن این نکته نیز ضروری است که هیچ نوشیدنی‌ای نمی‌تواند جای آب را در سلامتی بدن و نرمی حنجره جبران کند.

علاوه بر مقالات و کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده، تجربه نشان داده است که برخی مواد غذایی برای حنجره مفید است و برخی مواد برای حنجره مضر می‌باشند. در ادامه، به مواد غذایی مفید در تقویت صدا و مضر برای صدا پرداخته شده است.

۷-۵-۱. مواد غذایی مفید

- خوراکی‌های مفید و مقوی؛
- نوشیدنی‌ها: آب هویج، آب انار، آب آناناس، آب شلغم، آب گرم با چند قطره آب لیمو و استفاده از آب گرم حین اجرای مراسم؛
- میوه‌جات: لیمو شیرین؛
- لبنیات و پروتئین‌ها: شیر گرم قبل از اجرای مراسم، گوشت و مرغ کباب شده بعد از اجرای مراسم، گوشت و مرغ آب‌پز؛^۱
- داروهای گیاهی: طب اسلامی - سنتی نیز داروهای گیاهی مناسبی را برای تقویت حنجره تجویز می‌کند، از جمله دم‌کرده عناب نیم‌کوب شده، گل پنیرک، به‌دانه، برگ آویشن، چهار تخم، پودر گیاهی روتارین، آب نخود پخته.

۷-۵-۲. مواد غذایی مضر

- نوشیدنی‌ها: چای پررنگ، قهوه، انواع نوشابه‌ها، آب خیلی سرد، آب خیلی داغ، آب میوه‌هایی مانند هلو یا زردآلو که غلیظ‌اند و افزایش لعاب موجود در بزاق را به دنبال دارند؛
- میوه‌جات: میوه‌هایی که حاوی ترکیبات هسیتامین دار می‌باشند، مانند خربزه، و میوه‌هایی که طبیعت سرد دارند؛

- تنقلات: ترشی، غذاهای سرخ‌شده، بستنی، آجیل، چیپس، پفک، سرکه، انواع غذاهای پرادویه و تند، انواع غذاهای فست‌فودی.
مزاج‌شناسی در نوع تغذیه اهمیت دارد. همچنین، حجامت مرتب سالانه با توجه به نوع مزاج در سلامتی بدن و در نتیجه صداسازی تأثیر فراوان دارد.

خلاصه درس

- صدایی که از حنجره خارج می‌شود را صوت گویند.
- صدای خوب اکتسابی است و باید به دنبال تکنیک‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای بود.
- صداسازی شامل دو مرحله تشخیص صدا و خروج صدا از مخرج اصلی است.

- گام‌های صوتی سه‌گانه عبارت‌اند از: طبقه پایین، طبقه متوسط و طبقه اوج
- تنفس صحیح، حنجره و آماده‌سازی آن، و استراحت ستایشگر اهل بیت (ع)
از عوامل مؤثر در ارتقاب کیفیت صدا می‌باشد.
- تغذیه نقش مهمی در صداسازی دارد. باید از غذاهای مضر اجتناب نمود و از منابع غذایی مفید استفاده کرد.

پرسش‌ها

۱. اقسام نفس‌گیری را به اختصار بیان کنید.
۲. صدای خوب است.
- الف) ذاتی ب) اکتسابی ج) غیراکتسابی د) ارثی
۳. تعریف هرکدام از موارد را یافته، به یکدیگر متصل نمایید.
- الف) پیچش صدا در دستگاه تکلم ۱. ارتفاع صدا
- ب) فاصله میان پایین‌ترین و بالاترین قسمت صوت ۲. شدت صدا

- ج) بدون خش بودن صدا
۳. طنین صدا
د) انرژی حمل شده توسط امواج صوتی
۴. شفافیت صدا
۴. پاسخ‌های صحیح و غلط را مشخص کنید.
الف) استفاده زیاد از تحریر زدن را چه‌چیز گویند. □ ص □ غ
ب) یکی از مخارج صدا از فضای دهان می‌باشد. □ ص □ غ
ج) عدم تناسب در تغییر گام‌ها را صدای اوج گویند. □ ص □ غ
د) تنفس از طریق دهان باعث رطوبت تارهای صوتی می‌شود. □ ص □ غ
۵. کدام گزینه از منابع مفید تغذیه در صداسازی است؟
الف) آجیل ب) مرغ کبابی ج) آب زردآلو د) آب سرد

درس هشتم:

سبک شناسی

اهداف درس

امید است فراگیر در پایان این درس بتواند به اهداف زیر دست یابد:

- سبک را تعریف کند؛
- انواع سبک ها را از یکدیگر تفکیک کند؛
- مراحل یادگیری سبک را برشمارد؛
- انواع دستگاه ها را به اختصار بیان کند؛
- ویژگی و کاربرد دستگاه ها را از یکدیگر تفکیک کند؛
- اقسام آوازا را فهرست وار برشمارد؛
- سبک های مختلف را بتواند اجرا کند.

در درس گذشته، مبحث صداشناسی و صداسازی بررسی شد. در این درس، به تبیین سبک در مداحی پرداخته شده است. نکات مهمی همچون تعریف سبک، انواع سبک و مراحل یادگیری سبک به ترتیب در این عنوان درسی

مطرح و تبیین شده است. در ادامه، با پرداختن به دستگاه‌ها و آوازهای موجود در موسیقی و مداحی، گامی در شناخت و تفکیک دستگاه‌ها و آوازهای مختلف برداشته شده است.

۸-۱. سبک

۸-۱-۱. تعریف سبک

در اصطلاح ادبی، سبک را مجازاً به معنای طرز خاصی از نظم و نشر استعمال کرده‌اند و تقریباً آن را در برابر استیل (style) اروپاییان نهاده‌اند. و در اصطلاح ادبیات، مراد از سبک روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است.^۱ بنابر این تعریف، می‌توان گفت: در اصطلاح مداحی، مراد از سبک شیوه‌ای منحصربه‌فرد در نوع خواندن است، که بهتر است هماهنگ با ردیف آوازی در دستگاه‌های موسیقی سنتی باشد.

۸-۱-۲. انواع سبک

الف) سبک شخصی: مقصود از سبک شخصی نوعی از خواندن مداح است که بر یکی از سه گونه زیر باشد:

یک - سبک تقلیدی: در این سبک، افراد با گوش دادن به اجرای ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام با تجربه و نیز با تمرین کردن همان شیوه در پیاده‌سازی و اجرای آن می‌کوشند. ایشان با حضور در جلسات و هیئات مذهبی یا استماع ضبط شده مراسمات به این امر مداومت می‌ورزند. گفتنی است این شیوه برای شروع ورود به عرصه مداحی توصیه می‌شود.

۱. علی اکبر دهخدا، همان، ذیل واژه «سبک».

دو- سبک تألیفی: در این سبک، ستایشگر اهل بیت علیهم‌السلام مجموعه‌ای از سبک‌های سایر مادحین را با ذوق و تلاش خود و با توجه به توانایی صوتی خویش فرامی‌گیرد و ارائه می‌دهد. شایان ذکر است که بسیاری از ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام از این سبک پیروی می‌کنند.

سه- سبک ابداعی: در این روش، ستایشگر اهل بیت علیهم‌السلام با در نظر داشتن سبک سایر مادحین به ابداع سبک خاص خود اقدام می‌کند، به گونه‌ای که سبک او با سبک سایر مادحین تفاوت دارد.

این نکته قابل توجه است که برای رسیدن به مرحله ابداع سبک باید زحمات فراوانی را به جان خرید. موهبت الهی، مطالعه و دقت در محتوا، خلاقیت و نوآوری، تمرین و ممارست و آشنایی با نغمات و گام‌های صوتی از عوامل مؤثر در ابداع سبک است.^۱

ب) سبک در آهنگ: مقصود از سبک در آهنگ اجرای قالب‌های نوحه در مداحی است.

سبک مداحی، به عنوان یک مهارت، وسیله و ابزاری برای ایجاد ارتباط بیشتر با مخاطبان است. آشنایی اجمالی با دستگاه‌ها و نغمات صوتی لازمه سبک‌سازی است.

۸-۱-۳. مراحل یادگیری سبک

- گوش دادن دقیق به سبک؛

- همراهی و زمزمه کردن در زمان گوش دادن؛

- خواندن مستقل (بدون همراهی)؛

۱. جواد بزرگر، همان، ص ۳۲-۳۳.

– خواندن اشعار دیگر با همان سبک.^۱

نکات زیر در یادگیری سبک ضروری است:

(الف) وقف و مکث: باید به این نکته توجه شود که در کدام جمله یا کلمه

وقف صورت گرفته و نفس‌گیری انجام شده است؛

(ب) اوج و فرود: توجه شود که سبک با چه صدایی آغاز شده و در کدام بیت

به اوج رسیده و هربیت در چه مرحله‌ای از صدا قرار دارد؛

(پ) مدها و کشیدگی‌ها: دقت در اینکه چه صداهایی مد داده شده است؛

(ت) مقدار مد و کشیدگی: حروف مدی یا غیرآن به چه میزان کشیده

شده‌اند؛

(ث) تحریر زدن: توجه به اینکه کدام حروف، حرکات و کلمات تحریر زده

می‌شود و مقدار تحریر چقدر است؛

(ج) لحن خواندن: دقت بر نحوه تلفظ الفاظ و نوع جمله (شرطیه،

استفهامی، خبری یا ...)

(چ) همخوانی جنس صدا: دقت شود که جنس صدای منتخب برای تقلید

همجنس صدای مقلد باشد. بنابراین، کسی که صدای بم دارد نباید از مداحی

که جنس صدایش زیر است تقلید کند.^۲

۸-۲. دستگاه‌ها و آوازا

۸-۲-۱. دستگاه‌ها

(الف) دستگاه شور: دستگاه شور را مادر دستگاه‌ها می‌دانند، زیرا به‌نوعی

۱. جعفر واضحی آشتیانی و محمد میرزامحمدی، همان، ص ۱۵۴.

۲. جواد برزگر، همان، ص ۳۳.

تمامی دستگاه‌ها و آوازها از این دستگاه مشتق می‌شوند. دستگاه شور آوازی است که مورد پسند عمومی است و از جذبه و لطف خاصی برخوردار است که بسیار شاعرانه و دلفریب و فرح‌بخش است. از این‌رو، مادحین برای ساخت آهنگ‌های شاد و نشاط‌آور در مراسمات مولودی‌خوانی استفاده می‌کنند.

ویژگی‌ها و کاربرد: دستگاه شور ریشه عمیقی در فرهنگ ایرانی دارد که بیانگر عرفان ایرانی و اسلامی است. «حجاز» یکی از متعلقات مهم این دستگاه است که لحن مخصوص عرب‌ها است و در کشور ما از این گوشه برای قرائت قرآن مجید و مناجات‌ها استفاده می‌شود.^۱

از این دستگاه برای ابراز حالات درونی مانند عشق و محبت، ترحم، حب و بغض استفاده می‌شود. ناله‌های شور مانند آواز دشتی جانگداز نیست و حالت طبیعی دارد.

ب) دستگاه ماهور: این دستگاه آوازی با وقار و ابهت است و شوکت خاصی به شنونده القا می‌کند و غالباً برای بیان شجاعت‌ها و دلیری از این دستگاه استفاده می‌شود. وجود تنوع بسیار در گوشه‌های این دستگاه موجبات بهره‌مندی مادحین را در مجالس گوناگون فراهم کرده است. از آنجاکه علاقه مردم بیشتر به موسیقی غم‌انگیز و حزن‌آور است، دستگاه ماهور کمتر مورد توجه فرا گرفته است، زیرا این دستگاه طرب‌انگیز و شاد است.^۲

در مداحی، دستگاه ماهور در محافل جشن و مولودی‌خوانی جایگاهی ویژه دارد و با توجه به ذات سرورآوری که دارد مناسب اعیاد و ولادت‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام است.

۱. امید الیاسی، آشنایی با دستگاه‌های موسیقی ایرانی، ۱۳۹۶، ص ۸.

۲. همان، ص ۱۰.

ویژگی‌ها و کاربرد: دستگاه آوازی ماهور طرب‌انگیز و شاد است و به‌همین سبب، میان جوانان جایگاه خاصی دارد. با توجه به وقار و ابهت این دستگاه می‌توان سرودهای مهیج را در این دستگاه اجرا نمود. ویژگی‌هایی همچون آرامش‌بخشی، ثبات و تعادل، و دوری از تنش و هیجان‌زدگی در ذات دستگاه ماهور حاکم است، که به‌کارگیری آن می‌تواند مستمعین را در حالتی پایدار نگهدارد.

پ) دستگاه چهارگاه: دستگاه چهارگاه نمونه‌ کاملی از تمام حالات و صفات موسیقی ماست، زیرا ابتدای آن مانند ماهور شاد و با وقار است. گوشه‌ مخالف حالت شکایت دارد و مانند دستگاه همایون باتجربه و ناصح است.

این دستگاه دارای گوشه‌های متنوعی است و دقت و ظرافت خاصی را می‌طلبد. این دستگاه بیشتر در فضاهاى حماسی به‌کارگرفته‌می‌شود. رجزخوانی از شاخص‌های این دستگاه است و در مراسم تعزیه‌خوانی و نوحه‌های حماسی کاربرد بسیاری دارد.^۱

ویژگی‌ها و کاربرد: مایه‌های این دستگاه مستعد برون‌گرایی و سرزندگی است. از همین روی مناسب هنگام طلوع آفتاب می‌باشد و برای نشان دادن تمام حالات و صفات و کیفیات مناسب است.

ت) دستگاه سه‌گاه: دستگاه سه‌گاه ریشه‌ کاملاً ایرانی دارد. حزن، اندوه، فراق و هجران از خصوصیات بارز این دستگاه است. آذری‌ها در اجرای این دستگاه مهارت خاصی دارند و در میان اهالی آذربایجان و قفقاز متداول است.

۱. جعفر واضحی آشتیانی و محمد میرزامحمدی، همان، ص ۱۵۹.

البته، فارسی‌زبان‌ها آن را به گونه‌ای دیگر می‌خوانند. ولی در هر دو زبان، آواز با حزن و اندوه همراه است و با تأثیر و تألم بسیار مقرون است.^۱

ویژگی‌ها و کاربرد: این دستگاه دستگاه جامع و مانعی است، زیرا مجموعه‌ای از آه‌های ممتد، سوزان، غم‌انگیز و حزین است. میدان عمل و ابتکار برای ستایشگر اهل بیت (ع) در این دستگاه بسیار وسیع و گسترده است و کاربردهای مختلفی دارد، از جمله در بیان احساس عاشقانه و حزن‌آور بسیار مناسب بوده، برای مادحان بسیار کاربردی است. همچنین، دستگاه سه‌گاه در بیان بی‌وفایی و مرور آلام و حزن ناشی از فقدان اثر خوبی دارد.

ث) دستگاه همایون: همایون دستگاهی است باشکوه و مجلل و آرام که در عین حال، مؤثر و جذاب است؛ بیانش رسا و سحرآمیز است و شنونده را در برابر خود به سکوت وامی‌دارد. این دستگاه ناصحی است مشفق و مهربان که با کمال شرم و آزرَم با مستمعین خود مکالمه و درد دل می‌کند و با بیانی شیوا چنان نصیحت می‌کند که هیچ سخنرانی مهارت آن را ندارد.^۲

آشنایی با این دستگاه در ساخت نواهای غم‌انگیز ایام محرم و شهادت اهل بیت (ع) کاربرد فراوان دارد.

ویژگی‌ها و کاربرد: این دستگاه مجموعه‌ای از احساسات عالی و گاه متکبرانه و گاه داغدارانه است ولی به سرعت لحن کلام را تغییر داده و به نصیحت و صبوری روی می‌آورد.

در دستگاه همایون، مانند دستگاه دشتی، ناله و فغان سر نمی‌دهد بلکه راه شکیبایی پیشه می‌کند.

۱. همان.

۲. امید الیاسی، همان، ص ۱۰.

از این دستگاه، اغلب برای مصائب اهل بیت علیهم‌السلام استفاده می‌شود که با لحنی سوزناک، اثرگذاری ویژه‌ای بر مخاطب می‌گذارد.

ج) دستگاه نوا: نوا یکی از دستگاه‌های هفت‌گانه موسیقی ایران است. این دستگاه در حد اعتدال است و آهنگی ملایم و متوسط دارد، که نه زیاد شاد و نه زیاد حزن‌انگیز است. از این رو، نوا را آواز خوب گفته‌اند. هنرمندانی که دنباله‌رو موسیقی عرفانی می‌باشند به این دستگاه روی می‌آورند.^۱

ویژگی‌ها و کاربرد: این دستگاه به جهت اعتدالی که دارد معمولاً در اشعار عارفانه و خصوصاً اشعار حافظ به کار گرفته می‌شود. این دستگاه ناصحی است که با صبر و حوصله، پندهای خود را به شنونده خود می‌دهد ولی در عین حال، از رنج‌های زندگی نیز شکایت می‌کند.

دل سپردن به دستگاه نوا در اوقات فراغت و خستگی بسیار دلنشین و مطبوع است.

چ) دستگاه راست پنج‌گاه: دستگاه راست پنج‌گاه به معنای دستگاهی است که در آن نقش دو مقام راست و پنج‌گاه از همه مقام‌ها مهم‌تر است؛ دستگاه راست پنج‌گاه یکی از پیچیده‌ترین و، در عین حال، راحت‌ترین دستگاه‌هاست. پیچیده است، زیرا گوشه‌های این دستگاه شبیه ماهور است و کار شنونده را برای تشخیص دشوار می‌کند.

در مجموع، این دستگاه آوازی با وقار و ابهت است و گویی فردی خردمند است که به فرزندان خود پند و اندرز می‌دهد و آنان را نصیحت می‌کند. گوشه‌های آن نیز دارای لطافت و ظرافت‌هایی است که احساس آرامش خاصی را در انسان ایجاد می‌کند.

ویژگی‌ها و کاربرد: این دستگاه از سایر آوازاها کامل‌تر می‌باشد، زیرا تمام حالات و صفات آوازهای دیگر را دارا است. مایه اصلی این دستگاه همانند حالت دستگاه ماهور آرامش‌بخش و متعادل است.^۱

۸-۲-۲. آوازاها

(الف) آواز بیات اصفهان: آواز بیات اصفهان یکی از آوازهای پنج‌گانه موسیقی سنتی ایران است. برخی افراد این آواز را جزء دستگاه شور^۲ و برخی دیگر آن را از متعلقات همایون دانسته‌اند. آواز بیات اصفهان از آوازهای قدیم ایرانی است، آوازی جذاب و گیرا که گاه حالت خوشحال و گاه حالت محزون دارد.

(ب) آواز دشتی: آواز دشتی یعنی حکایت سادگی و بی‌آلایشی، آوازی مناسب دشت‌ها، کوهستان‌ها و جنگل‌های زیبای ایران. زیبا و بی‌انتها. آواز دشتی یعنی زندگی یک چوپان با همان سادگی. آواز دشتی را می‌توان آواز چوپانی ایران نامید. اصل این آواز برگرفته از منطقه دشتستان است [که امروزه در استان بوشهر قرار دارد و با استان فارس مجاورت دارد]. با این حال، برخی از گوشه‌های این آواز شباهت‌های فراوانی با موسیقی شمال ایران و به‌ویژه گیلان دارد.^۳

از بین آوازهایی که جزء متعلقات دستگاه شور تلقی می‌شوند، دشتی بیشترین نزدیکی را با این دستگاه دارد.

۱. همان، ص ۱۱.

۲. حمیدرضا جوان و ایرج ساعی ارسى، شناخت موسیقی دستگاهی ایران به روایت محمدرضا لطفی، تهران، کتاب نارون، ۱۴۰۰، ص ۷۷.

۳. جعفر واضحی آشتیانی و محمد میرزامحمدی، همان، ص ۱۶۲.

پ) **آواز افشاری:** آواز افشاری یکی از آوازهای موسیقی ایرانی است و از آنجا که گوشه‌های پایانی افشاری به محور اصلی دستگاه شور پرده‌گردانی می‌کنند، افشاری غالباً جزو متعلقات دستگاه شور طبقه‌بندی می‌شود. آواز افشاری بر محوریت دستگاه شور است.

نام افشاری به ایل افشار اشاره دارد که از اقوام ترک آذربایجانی می‌باشد. آواز افشاری اشتراکاتی با دستگاه‌های نوا و ماهور و آوازهای بیات اصفهان، ابوعطا و بیات تُرک دارد. به لحاظ احساسی، افشاری دارای سوز منحصر به فردی است^۱ که برای مناجات و راز و نیاز با معبود یگانه مناسب می‌باشد. به‌طور کلی، این آواز نشان‌دهنده حالاتی نظیر هجران، درد و اندوه، و شکایت از بی‌وفایی یار است.

ت) **آواز ابوعطا:** این آواز از متعلقات دستگاه شور است و میان توده ملت رواج کامل دارد و، در عین حال، نسبت به آوازهای دیگر شادتر و بانشاط‌تر است. برای ساختن آهنگ‌های شاد و فرح‌بخش، به‌خصوص در مراسم مولودی‌خوانی، این آواز می‌تواند گره‌گشا باشد.

این آواز جزء مختصات موسیقی بخش‌های عرب‌زبان خوزستان است.^۲

ث) **آواز بیات ترک:** واژه ترک در نام این آواز به ترک قشقایی اشاره دارد. گمان می‌رود که بسیاری از ترانه‌های محلی قوم قشقایی در این آواز باشد. از همین رو، برخی آن را با نام بیات زند نیز می‌شناسند، اگرچه این نام به اندازه بیات ترک رایج نیست. همچنین، پیشوند بیات (که در نام آوازهای دیگری همچون بیات اصفهان نیز به‌کار می‌رود) ممکن است مخفف ابیات باشد. این

۱. حمیدرضا جوان و ایرج ساعی ارسى، همان، ص ۸۳.

۲. همان، ص ۸۱.

آواز گاهی آواز ترک نیز نامیده می‌شود.^۱ قدما به این آواز آواز خدایی یا مقام الهی می‌گفتند. این آواز مناسب‌ترین بستر برای خواندن مناجات‌ها و نیایش‌ها است.^۲ این آواز مانند ابوعطا مورد توجه عامه است و در ملودی‌های عرفانی به‌کارگرفته می‌شود.

مرحوم رحیم موذن‌زاده اردبیلی در اجرا و بیان به‌وفور از این آواز استفاده کرده است، که نمونه بارز آن اذان معروفی است که با صدای ملکوتی ایشان شنیده‌ایم.

۸-۳. مؤلفه‌های مؤثر در انتخاب سبک و محتوای مداحی

عواملی که در انتخاب سبک خواندن و انتخاب شعر، روضه و نحوه باید در نظر گرفته شود عبارت است از:

الف) مخاطب: مهم‌ترین عامل مؤثر در اتخاذ روش مداحی و انتخاب محتوا مخاطب است؛ مواردی همچون رده سنی، جنسیت، تحصیلات، اعتقادات، آداب و رسوم و سلايق، و شغل مخاطبان در انتخاب سبک مداحی مؤثر است.

ب) زمان: برای انتخاب سبک مداحی باید زمانی که در آن مداحی صورت می‌گیرد، از جهات زیر مورد توجه قرار بگیرد:

یک - ساعات مختلف شبانه‌روز (صبح، ظهر، شب و سحر) شرایط خاص خود را دارد؛

1. Flarmoz farhat, the dastgah concept in Persian music, cambridge, Cambridge university press, 2004, p223.

۲. جعفر واضحی آشتیانی و محمد میرزامحمدی، همان، ص ۱۶۴.

دو - مدت زمانی که به مداح و مداحی اختصاص داده شده است.

پ) مکان: محل برگزاری جلسه در انتخاب روش مداحی اثرگذار است؛ اماکنی که برای نمونه ذکر شده است هرکدام چهارچوب برنامه خود را دارند: مسجد، حسینیه، مدرسه، منزل مسکونی، تالار، سالن اجتماعات، فضای باز، کنار مزار، اتوبوس در مسیر اماکن زیارتی، اداره‌ها، پادگان‌ها و اماکن متبرکه.

ت) عنوان مجلس: عنوان و علت برگزاری مراسم در انتخاب سبک مداحی باید در نظر گرفته شود. این عناوین می‌توانند به شرح زیر باشند: برنامه مناسبتی مذهبی، برنامه هفتگی، ختم، همایش، ولیمه حج و کربلا و عروسی.

مواردی که شایسته است در انتخاب سبک مداحی در نظر گرفته شود:

- انتظار می‌رود با توجه به شرایط موجود در مجلس، بهترین سبک مؤثر بر مستمع انتخاب شود، سبک‌هایی همچون: دشتی، عربی و ترکی، یا دستگاه‌های آوازی چون: ماهور، شور، همایون یا سه‌گاه.

نکته ۱: سبک دشتی برای مستمعین عام مناسب می‌باشد؛

نکته ۲: برای محتوای حماسی، برخی از فرازهای سبک ترکی مناسب‌تر

به نظر می‌رسد؛

نکته ۳: سبک زیر صدا مناسب مقدمات مجلس یا برنامه‌های ادعیه و

زیارات است.

- بعضی از سبک‌ها و دستگاه‌ها از تنوع پرده‌های صدا و لحن و تحریر

بیشتری برخوردارند؛ بایستی سبک‌ها از جهت تنوع با توجه به شرایط مجلس‌داری انتخاب شوند.

نکته ۱: برای مستمعین سالخورده و مؤنث استفاده از سبک‌های

پرفرازونشیب لزومی ندارد؛

نکته ۲: برای مستمعین اهل فن، آذری زبان و جوان از سبک‌های متنوع و دارای فرازونشیب استفاده کنید؛

نکته ۳: در فضای باز یا اماکن زیارتی و یا مسیر زیارتگاه‌ها از سبک‌های پرفرازونشیب استفاده نمی‌شود بلکه بیشترین خواندن در پرده‌های متوسط به بالا صورت می‌گیرد.

– باید سبک انتخابی با محتوای شعر و روضه و نوحه تناسب داشته باشد.

نکته ۱: برای محتوای حماسی، سبک ترکی و بخشی از فرازهای سبک زیرصدا مناسب به نظر می‌رسد؛

نکته ۲: برای محتوای مرثیه، سبک‌های پرسوز مثل دشتی و عربی مناسب می‌باشد؛

نکته ۳: برای محتوای عاطفی، سبک‌هایی که در پرده‌های متوسط و پایین به کار می‌روند – مثل بعضی از فرازهای سبک زیرصدا و دستگاه ماهور – مناسب می‌باشد.

نکته ۴: برای مطالب خبری از گوشه سبک‌هایی استفاده کنید که القای احساسات یا سوز و گداز یا هیجان نمی‌کنند.

– بهتر است مداح اهل بیت علیهم‌السلام از سبکی استفاده کند که مورد علاقه و استقبال مستمعان و مخاطبان است.

– سزاوار است میان سبک انتخاب‌شده از جانب مداح و شرایط مجلس هماهنگی صورت پذیرد.

نکته ۱: در ابتدای مجلس از سبک‌هایی استفاده می‌شود که از پرده‌ای پایین آغاز و به پرده‌های بالا صعود صورت می‌گیرد.

نکته ۲: بعد از روضه منبری و یا روضه مداحان قبل که گره مرثیه بازکرده‌اند، بایستی از گوشه‌هایی استفاده نمود که با پرده‌های متوسط به بالای مناسب با خواننده قبلی متناسب باشد و، درضمن، دارای سوز و گداز باشد، مثل فرازهایی از دشتی، اوخشامای ترکی و عربی.

نکته ۳: در انتهای مجلس، سبک‌های مناجاتی که در آن پرده‌های متوسط و پایین کاربرد دارند مناسب‌تر می‌باشند.

خلاصه درس

- سبک، در اصطلاح مداحی، شیوه‌ای در خواندن است که هماهنگ با ردیف آوازی در دستگاه موسیقی باشد.

- سبک شخصی شامل سه گونه سبک تقلیدی، سبک تألیفی و سبک ابداعی است.

- گوش دادن به سبک، زمزمه نمودن و خواندن مستقل از مراحل یادگیری سبک است.

- دقت در نکاتی همچون وقف و مکث، اوج و فرود، و مد و کشیدگی در اجرای بهتر مداحی مؤثر است.

- دستگاه‌ها عبارت‌اند از: دستگاه شور، دستگاه ماهور، دستگاه چهارگاه، دستگاه سه‌گاه، دستگاه همایون، دستگاه نوا و دستگاه راست پنج‌گاه.

- آوازاها عبارت‌اند از: بیات اصفهان، دشتی، افشاری، ابوعطا و بیات ترک.

پرسش‌ها

۱. دو ویژگی و کاربرد برای دستگاه نوا بنویسید.

۲. سه مورد از نکات ضروری در یادگیری سبک را بنویسید.

۳. کدام یک از انواع سبک‌ها برای ورود به عرصهٔ مداحی توصیه می‌شود؟

الف) سبک تقلیدی ج) سبک ابداعی

ب) سبک تألیفی د) سبک در آهنگ

۴. کدام یک از موارد جزء مراحل یادگیری سبک نیست؟

الف) گوش دادن به سبک ج) خواندن مستقل

ب) زمزمه کردن د) تکرار همان شعر با همان سبک

۵. برای هر عبارت، دستگاه مناسب را بیابید و متصل کنید.

الف) مادر تمامی دستگاه‌ها است. ۱. چهارگاه

ب) برای بیان شجاعت و دلیری به کار می‌رود. ۲. راست پنج‌گاه

ج) در مراسم تعزیه خوانی کاربرد دارد. ۳. شور

د) ریشهٔ کاملاً ایرانی دارد. ۴. همایون

ه) از سایر دستگاه‌ها کامل‌تر است. ۵. ماهور

۶. سه‌گاه

۶. صحیح و غلط را مشخص کنید.

الف) آواز افشاری از متعلقات دستگاه شور است. □ ص □ غ

ب) آواز بیات اصفهان را می‌توان آواز چوپانی ایرانی نامید. □ ص □ غ

ج) برخی آواز ابوعطا را متعلق به دستگاه شور و برخی متعلق به دستگاه

همایون می‌دانند. □ ص □ غ

د) مرحوم مؤذن‌زاده اردبیلی از آواز بیات ترک در اجراهایش استفاده

می‌نمود. □ ص □ غ

درس نهم:

یادداشت برداری (فیش نویسی)

اهداف درس

امید است فراگیر در پایان این درس بتواند به اهداف زیر دست یابد:

- مراحل نگارش فیش را فهرست وار بیان کند؛
 - اجزای تشکیل دهنده شناسنامه فیش را نام ببرد؛
 - مواردی که در مقدمه کاربرد دارند را به زبان خود بازگو کند؛
 - گریز را تعریف کند؛
 - مقدمه و متن مرثیه را از یکدیگر تفکیک کند؛
 - شرایط منابع را بیان کند؛
 - بتواند از فیش های برداشتی به درستی استفاده کند؛
 - دسته بندی فیش ها را به درستی انجام دهد.
- در درس پیشین، مبحث سبک شناسی مورد بررسی قرار گرفت. این درس در ارتباط با یادداشت برداری در مداحی است. در این درس، تلاش شده تا با ارائه

مراحل نگارش فیش و بیان نکات مربوط به اصول فیش‌نویسی، گام نخست در آماده‌سازی مرحله اجرا برداشته شود.

۹-۱. یادداشت‌برداری

ستایشگر اهل بیت (ع) پس از فراگیری عناصر محتوایی و مهارتی در آستانه اجرا قرار می‌گیرد. از این‌رو، برای ارائه مرثیه متقن نیاز دارد که پس از مطالعه و انتخاب متن مقتل و زیارت‌نامه و اشعار مناسب، مطالب جمع‌آوری شده را در فیش‌های مخصوص مرثیه تنظیم کند.

یادداشت‌برداری یکی از موضوعات بسیار مهمی است که مادحین باید نسبت به آن حساسیت ویژه‌ای داشته باشند تا بتوانند به‌صورت منظم، از موضوعات گوناگون، فیش‌های متعددی داشته باشند تا براساس موضوع جلسه از آن فیش‌ها استفاده نمایند، چنان‌که حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ؛ دانش را با نگارش در اختیار خود بگیرید.»^۱

۹-۲. مراحل نوشتن فیش مداحی

مؤثر بودن نوشتن در یادگیری و بازیابی معلومات اهمیت فیش‌برداری را دوچندان می‌کند. به همین منظور، به مراحل نوشتن فیش مرثیه پرداخته می‌شود. تهیه و تنظیم فیش مداحی شامل پنج مرحله است که اینک ارائه می‌گردد.

۹-۲-۱. شناسنامه فیش

اطلاعات اصلی فیش مداحی در شناسنامه آن گنجانده می‌شود. هر فیش مداحی شامل موارد زیر است:

۱. حسن بن علی ابن‌شعبه حرّانی، تحف العقول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۳۶.

- تعیین موضوع کلی یا شخصیت مرثیه؛ برای نمونه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله / امام حسن علیه السلام / مناجات؛

- تعیین موضوع عام؛ برای نمونه، مرثیه امام حسین علیه السلام / میلاد امام علی علیه السلام؛
- تعیین موضوع خاص؛ برای نمونه، گودال قتلگاه / آتش زدن درب خانه حضرت زهرا علیه السلام.

به این نکته توجه شود که شهادت هریک از ائمه معصومین علیهم السلام از ابعاد مختلف روایت‌شدنی است. به یقین، هر مرثیه و مقتلی چندین نقطه اوج محتوایی و احساسی دارد و هریک از این نقاط ظرفیت اجرای مستقل را دارد، که به آن «گوشه مرثیه» گفته می‌شود. در اجرای مراسم، لازم است که ستایشگر اهل بیت علیهم السلام یک گوشه از مرثیه شخصیت مورد نظر را که دارای نقطه اوج محتوایی است را انتخاب کند و به آن پردازد.^۱

۹-۲-۲. مقدمه

مرحله دوم نگارش فیش مقدمه است. در مقدمه می‌توان از یک یا چند مورد از موارد زیر بهره جست:

الف) فرازهایی از زیارت یا ادعیه: به کارگیری و استفاده از ادعیه و زیارات مأثوری که از زبان خود معصومین علیهم السلام نقل شده است، تأثیر بسزایی در بیشتر شدن احساسات و عواطف مستمعین دارد.

در به کارگیری از ادعیه و فرازهای آن لازم است به نکات زیر توجه شود:

- مأثور باشد؛

- متنوع باشد؛

۱. جعفر واضحی آشتیانی و محمد میرزامحمدی، همان، ص ۱۷۰.

- مأنوس و قابل فهم باشد؛

- متناسب با گوشه منتخب مرثیه باشد؛

- محزون باشد.

(ب) **شعر آغازین:** شعر آغازین می‌تواند شامل موضوعاتی مانند ذکر فضایل اهل بیت علیهم‌السلام و اظهار ارادت و مودت به اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

(پ) **آیه یا روایت:** آیه یا روایت از چندین بُعد می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد، گاهی از بُعد عاطفی، گاهی از بُعد اخلاقی و تربیتی، گاهی از بُعد حماسی و ... لازم به ذکر است که در انتخاب روایت، باید مستند بودن آن بررسی شود و، همچنین، بایستی آیه و روایت منتخب با مرثیه مرتبط باشد.

(ت) **جملات عاطفی و احساسی:** جملات عاطفی و احساسی می‌تواند از حکایت‌ها، کرامات، تشرفات و گزاره‌های حرفی باشد.

۹-۲-۳. متن مرثیه

متن مرثیه شامل شعر، مقتل، پرورش مرثیه، اوج محتوایی و گریز است.
الف) شعر: در متن مرثیه، شعر به دو صورت استفاده می‌شود: غزل مرثیه و شعر مرثیه.

در غزل مرثیه، شاعر در انتهای شعرش به ابعاد مرثیه اشاره می‌کند، درحالی‌که شعر مرثیه شعری است که از ابتدا وارد اصل مرثیه شده است.^۱

(ب) **مقتل:** آن قسمتی از مقتل که دربردارنده مرثیه است و حزن و اندوه بیشتری دارد، متن مقتل را تشکیل می‌دهد. متن مقتل شامل عین محتوای بیان‌شده در مقاتل است.

۱. همان، ص ۱۷۶-۱۷۷.

پ) **پرورش مرثیه:** شرح و توضیح عبارات منتخب مقتل را پرورش مرثیه گویند. در این مرحله، ستایشگر اهل بیت علیهم‌السلام مستمع را از فضای شنیداری به فضای دیداری منتقل می‌کند. در این فضا، مستمع خود را شاهد عینی واقعه می‌بیند و حزن و اندوه مرثیه را درک می‌کند.

ت) **اوج محتوایی:** این مرحله از دو بخش تشکیل شده است: عبارات عربی کلیدی و ترجمه و توضیح عبارات عربی.

ث) **گریز: گریز، درلغت، به معنای فرار است و گریززدن یعنی هنگام سخن گفتن یا نوشتن از مطلبی به مطلب دیگر پرداختن،^۱ و در اصطلاح مداحی، انتقال مستمع از حالتی به حالت دیگر برای اثرپذیری بیشترِ عواطف را گریز گویند. به عبارت دیگر، انتقال از موضوع یا حادثه خاص به واقعه کربلا و امام حسین علیه‌السلام یا یکی دیگر از شهدای کربلا گریززدن نام دارد.^۲**

غالباً، گریز از مرثیه غیرکربلا (مرثیه اول) به مرثیه کربلا (مرثیه دوم) است و باید میان مرثیه اول و دوم وحدت موضوعی باشد و، همچنین، مرثیه دوم از مرثیه اول حزن بیشتری داشته باشد ولی درعین حال، کوتاه‌تر از مرثیه اول بیان شود. گریز در اواخر مرثیه اول واقع می‌شود. شایسته است از وجه تشابه یا تفاوت بین مرثیه اول و دوم، که از آن به عنوان پایه گریز یاد می‌شود، استفاده نمود.

۹-۲-۴. فرود و پایان

همان‌طور که هر مرثیه‌ای با مقدمه آغاز می‌شود و، سپس، اوج می‌گیرد، نباید

۱. حسن عمید، همان، ج ۲، ص ۱۶۸۵.

۲. جواد محدثی، همان، ص ۳۸۱.

به‌طور ناگهانی و یکباره پایان یابد، بلکه باید با مهارت خاص و هنرمندانه با یک فرود مناسب خاتمه پذیرد.

برای فرود مناسب می‌توان از آیاتی که با خاتمه‌یافتن تناسب دارند استفاده نمود. همچنین، به‌کارگیری ادعیه و شعرهای مناسب با پایان مرثیه را می‌توان توصیه نمود.

۹-۲-۵. منابع و مآخذ

لازم است برای هرآنچه که در فیش مرثیه به‌کاررفته، منبعی که به آن رجوع شده است ثبت شود. بهتر است از منابع دست اول و معتبر در ارجاع استفاده شود؛ هراندازه منابع به‌کاررفته معتبرتر باشد، مقتل ارائه‌شده نیز از اعتبار بیشتری برخوردار خواهد بود.

۹-۳. اصول و نکات فیش‌برداری

رعایت اصول و نکات زیر در فیش‌برداری حایز اهمیت است:

- مطالب باید خلاصه شود و از ذکر مطالب جزئی و فرعی پرهیز شود، زیرا دراین‌صورت به فیش‌های متعددی نیاز است و مطالعه مطالب فرعی وقت‌گیر خواهد بود؛

- مطالب فقط در یک روی صفحه نوشته می‌شوند و از پشت‌نویسی فیش پرهیز شود؛

- در حاشیه برگه فیش، نکاتی نوشته شود که رعایت آنها در خواندن مرثیه لازم است؛

- هنگام نوشتن در فیش، مقداری فاصله از هر طرف برگه درنظر گرفته شود، زیرا ممکن است در اثر مرور زمان و پارگی برگه به محتوای فیش آسیب برسد و ناقص شود؛

- موضوع‌نویسی‌ها باید گویا، شیوا، کوتاه و زیبا باشد و با محتوای فیش کاملاً متناسب باشد؛

- می‌توان فیش‌های نوشته‌شده را در پاکت‌های مخصوص فیش یا برگه‌دان جمع‌آوری نمود، تا از پراکندگی و یا پارگی برگه‌ها جلوگیری کرد؛
- برای تهیه فیش می‌توان از نرم‌افزارهایی که امروزه موجود است مانند نرم‌افزار فیش‌نگار، استفاده نمود، که قابلیت تکثیر نیز دارند.

خلاصه درس

- فیش‌نگاری مرحله ابتدایی برای ورود به عرصه اجرا است.
- فیش‌نگاری شامل پنج مرحله است: شناسنامه فیش، مقدمه، متن، فرود و منابع.

- در شناسنامه فیش، ذکر موضوع کلی، موضوع عام و موضوع خاص ضرورت دارد.

- در مقدمه می‌توان از زیارات، اشعار آغازین، آیات و روایات و جملات احساسی بهره جست.

- شعر، مقتل، پرورش مرثیه، اوج محتوا و گریز از موارد مشتمل بر متن مرثیه است.

- مرثیه باید به طور خاص و هنرمندانه خاتمه یابد.
- استفاده از منابع معتبر موجب افزایش اعتبار مرثیه می‌شود.

پرسش‌ها

۱. در به‌کارگیری ادعیه و زیارات چه نکاتی را باید رعایت نمود؟

۲. تفاوت متن و پرورش مرثیه را به اختصار بنویسید.

۳. عبارت روبه‌رو می‌تواند کدام مورد از شناسنامه فیش باشد؟ «محاصره»

امام حسین علیه السلام توسط دشمن.»

الف) تعیین موضوع کلی

ب) تعیین موضوع عام

ج) تعیین موضوع خاص

د) تعیین شخصیت مرثیه.

۴. شعری که شاعر آن در انتهای شعر به ابعاد مرثیه پرداخته است

گویند.....

۵. کدام مورد از نکات و اصول فیش‌برداری نیست؟

الف) استفاده از منابع دست اول ب) خلاصه‌نویسی

ج) عدم پشت‌نویسی د) استفاده از نرم‌افزارهای فیش‌نگار

۶. صحیح و غلط را مشخص نمایید.

الف) گریز در لغت به معنای انتقال مستمع از حالتی به حالت دیگر است.

□ ص □ غ

ب) در گریز زدن، مرثیه اول از مرثیه دوم کوتاه‌تر است. □ ص □ غ

ج) گریز باید در اواخر مرثیه واقع شود. □ ص □ غ

د) وجود وحدت موضوعی میان مرثیه اول و دوم ضروری نیست.

□ ص □ غ

درس دهم:

مدیریت اجرا در جلسه

اهداف درس

امید است فراگیر در پایان این درس بتواند به اهداف زیر دست یابد:

- پیش نیازهای مدیریت در اجرا را نام ببرد؛
 - مهارت صحیح خوانی را فهرست وار بیان کند؛
 - فن بیان را تعریف کند؛
 - اقسام مخاطب را به تفکیک بشناسد؛
 - اقسام مکان جلسه را خوب تشخیص دهد؛
 - با شناخت مخاطب بتواند محتوای مناسب انتخاب کند؛
 - شرایط محیطی جلسه را بشناسد و مدیریت کند.
- در درس گذشته، مراحل یادداشت برداری بیان شد و نکات مربوط به اصول انجام آن به طور مرحله مرحله تبیین شد. این درس به بحث مدیریت اجرا اختصاص دارد. مدیریت اجرا را می توان به دو دسته کلی مهارت های پیش نیاز

اجرا و مهارت‌های حین اجرا دسته‌بندی نمود. مهارت‌های پیش‌نیاز اجرا شامل تسلط علمی و فهم محتوایی است، و مهارت‌های حین اجرا را می‌توان در موارد صحیح‌خوانی، فن بیان، زبان بدن، مخاطب‌شناسی، محیط‌شناسی و زمان‌شناسی خلاصه نمود.

۱۰-۱. مهارت مدیریت اجرا

پس از آن‌که ماح اهل بیت علیهم‌السلام ارکان محتوایی و مهارتی لازم را کسب نمود، لازم است در جلسات حضور یابد و آنچه را که فراگرفته و نسبت به آن ممارست نموده را اجرایی کند. از این‌رو، در گام‌های نهایی باید مدیریت اجرای جلسات و چیدمان این مراسمات را برعهده بگیرد.

در این درس به نکات ضروری در موضوع مدیریت اجرا در جلسه پرداخته می‌شود.

۱۰-۲. پیش‌نیازهای مدیریت اجرا

۱۰-۲-۱. تسلط علمی

یکی از ابزارهای کارآمد در عرصه مداحی، تسلط علمی ماح اهل بیت علیهم‌السلام است. بالا بودن سرمایه دانشی و تسلط علمی تأثیر شگرفی در امر اجرا به‌جای خواهد گذاشت.

تسلط علمی باید در زمینه علوم دینی باشد. برای نمونه، می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- تاریخ اسلام، که شامل تاریخ و سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام است [لازم به ذکر است که مقتل نیز زیر مجموعه تاریخ اسلام به حساب می‌آید]؛

- علوم قرآنی، شامل آیات موضوعی قرآن با محوریت اهل بیت (ع) و شأن نزول و تفسیر آن؛
- علوم حدیث، شامل ادعیه و زیارات مأثوره و مناجات؛
- تعالیم دینی، که با توجه به کارکردهای آن به سه دسته عقاید، اخلاق و احکام تقسیم می‌شود؛
- علوم ادبی، که شامل علوم بلاغی و شناخت قالب‌های شعری است.

۱۰-۲-۲. تسلط محتوایی

منظور از محتوا در مداحی شعر، تاریخ، مقتل، ادعیه و زیارات، احادیث و روایات، حکایات و کرامات اهل بیت (ع) است.

برای آنکه مجلس به بهترین شکل مدیریت شود و مخاطبان بیشترین حصّ و بهره را از آن ببرند، ضروری است که مداح اهل بیت (ع) نسبت به محتوا تسلط کافی داشته باشد و با علم کافی و دانش افزایی قبلی مجلس اهل بیت (ع) را آغاز کند.

برای این منظور، فیش‌برداری، مطالعه و مرور محتوای مورد نظر و سپردن آن به ذهن می‌تواند میزان خطای مداح را به طور چشمگیری کاهش دهد.^۱

۱۰-۲-۳. فهم محتوا

فهم محتوا عبارت است از شناخت واژه‌ها و تعابیر و اصطلاحات در آیات، روایات، مقاتل و اشعار. لزوم فهم صحیح و دقیق تعابیر و اصطلاحات از آن رو است که انتقال این مفاهیم به مستمع نیازمند درک صحیح از جانب مداح

۱. جواد بزرگر، همان، ص ۹۲-۹۳.

اهل بیت علیهم‌السلام است و تا زمانی که شخص مداح به درک صحیحی نرسیده باشد در انتقال آن مفاهیم دچار سردرگمی خواهد شد.

۱۰-۳. مهارت‌های حین اجرا

رعایت فنون و مهارت در هر هنری سبب قوام آن هنر می‌شود. در هنر مداحی نیز، مهارت‌ها و قواعدی وجود دارد که شناخت و ارائه آنها موجبات اجرای بهتر را فراهم می‌کند.

مهارت‌ها و فنون لازم در زمان اجرا را می‌توان در موارد خلاصه کرد که در ادامه بیان می‌گردد.

۱۰-۳-۱. صحیح‌خوانی

آیات و روایات و اشعار از ابزار مداحی به‌شمار می‌روند. ازاین‌رو، لازم است که مداح اهل بیت علیهم‌السلام در بیان و صحیح‌خوانی آنها مهارت لازم را کسب نموده باشد. مراد از صحیح‌خوانی رعایت مواردی از این دست است:

الف) ادای درست کلمات: مداح اهل بیت علیهم‌السلام باید بتواند اعراب و حرکت واژه‌ها را به‌درستی تلفظ کند و، همچنین، لازم است با شکل نوشتاری آن نیز مأنوس و آشنا باشد.

نکته قابل توجه آنکه ملاک اصلی در ادبیات مداحی پذیرش عرف و فهم مردم است، بدین معنا که در انتخاب میان به‌کارگیری فارسی کلاسیک و کتابی یا فارسی محاوره‌ای و عامیانه، آنچه تعیین‌کننده است فهم و عرف رایج میان مردم است. برای نمونه، به‌کارگیری کلمهٔ داداش در روضه، که عامیانه است، امری رایج است اما در مقابل، استفاده از کلمهٔ آبجی در روضه موجب سرزنش مخاطب می‌شود.

بنابراین، نداشتن قبح معنایی و رواج آن میان مردم و مورد پذیرش آنها بودن دو ملاک مهم در انتخاب واژگانی است.

ب) مکث و پیوند در شعر: مکث وقفه‌ای بسیار کوتاه در زنجیره کلام است که گاهی انجام یا عدم انجام آن سبب تغییرات جدی در معنای کلمات می‌شود.^۱ یکی از مهارت‌های مداح این است که روابط میان کلمات مصراع و ابیات را بررسی نموده، آن را به شکل صحیح قرائت کند.

پ) تکیه بر واژه: تشخیص تأکید کلام شاعر یکی دیگر از مهارت‌های حین اجرا است، که اگر به‌درستی تشخیص داده نشود، مفهوم شعر به‌درستی انتقال نمی‌یابد.

ت) لحن در مداحی: نحوه خواندن و بیان کردن جملات با توجه به شرایط موجود و فضای حاکم بر متن را لحن گویند. به کارگیری لحن مناسب در کلام مانع از یکنواختی مجلس می‌شود. از مهم‌ترین لحن‌های فارسی می‌توان به لحن‌های حماسی، ستایش، تعلیمی و پرسشی اشاره کرد. اما بیان این نکته نیز ضروری است که در مداحی سه لحن مادر وجود دارد که بیش از همه کاربرد دارند:

یک - لحن مرثیه: این لحن بیشترین کاربرد را در مداحی دارد و برگرفته از اندوه قلبی است؛ این لحن به بیان فقدان و مصایب و مظلومیت‌ها می‌پردازد که در مداحی برای اهل بیت (ع) به کار می‌رود.

دو - لحن مدح: این لحن برای مدح و منقبت اهل بیت (ع) و بزرگان دین به کار می‌رود. لحن مدحی به لحن ستایشی شباهت بسیار دارد، با این تفاوت

که در لحن مدحی نسبت به لحن ستایشی میزان صلابت در گفتار و میزان اوج و فرود بیشتر است.

سه - لحن نیایش: این لحن برای اظهار تضرع و نیاز به درگاه خداوند متعال استفاده می‌شود. در این لحن، مداح آنچه که در حضور دیگران نمی‌توان ابراز نمود را با آه و اشک یا شکر و سپاس بیان می‌دارد. وجه تمایز این لحن از سایر لحن‌ها افتاده بودن آهنگ جملات است. موضوع این لحن تضرع، ابراز محبت، بیان حاجات و درخواست عفو و بخشش گناهان است.

ث) واضح خوانی: بیان واضح کلمات و عبارات سبب می‌شود صدای مداح اهل بیت علیهم‌السلام به خوبی شنیده شود؛ تلفظ صحیح کلمات و کم کردن سرعت بیان جملات می‌تواند به وضوح کلام مداح کمک کند.

۱۰-۳-۲. فن بیان

فن به معنی راه و روش و تکنیک است و فن بیان را می‌توان مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و روش‌هایی برشمرد که با فراگیری و به‌کارگیری آنها می‌توان به بیانی مناسب و مؤثر دست یافت. فن بیان یعنی استفاده صحیح و مناسب از تمامی ارکان ارتباط، برای اینکه منظورمان را درست به مخاطب برسانیم، که هم شامل محتوای کلام و سخن است و هم به طرز ادای آن مرتبط می‌شود.

مداح اهل بیت علیهم‌السلام به هر میزان در برقراری با مخاطب بهتر عمل کند توان مدیریت جلسه نیز به همان میزان بالا می‌رود.

راهکارهای تقویت فن بیان:

الف) مدیریت استرس: بی‌تردید، یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که هر مداحی لازم است به آن مجهز باشد مدیریت استرس است. به همین علت، بخشی از تمرین‌ها و تکنیک‌ها به مدیریت استرس اختصاص پیدا می‌کند. عدم

کنترل استرس منجر به لرزش صدا و ضعف بیان می‌شود. ازاین‌رو، تقویت این مهارت نقش بسزایی در اجرای مداحی دارد.

ب) اعتماد به نفس: اطمینان به قدرت خود برای انجام کاری خاص را اعتماد به نفس گویند. داشتن اعتماد به نفس بالا در مداحی سبب تسلط بر اجرا می‌شود. برای افزایش اعتماد به نفس در مداحی باید نسبت به محتوایی که در مجلس ارائه خواهد شد تسلط کافی وجود داشته باشد.

پ) گسترش دایره لغات: یکی از عواملی که می‌تواند موجب ضعف در مداحی شود فقر واژگانی است، زیرا مادح اهل بیت علیهم‌السلام آنچه که در ذهن دارد را نمی‌تواند با همان کیفیت ذهنی به کلمه و جمله تبدیل کند. و این منجر به سوء تفاهم در درک و فهم مطلب می‌شود.

۱۰-۳-۳. زبان بدن

به هنر استفاده از حرکات سر و صورت و دست و چشم برای انتقال هرچه بهتر مطلب زبان بدن می‌گویند. همراهی حرکات با کلمات در برقراری ارتباط و انتقال پیام بسیار مهم و کلیدی است؛ استفاده از زبان بدن در میزان بهره‌مندی مخاطب از اجرای مداحی مؤثر است.

نکات زیر در استفاده صحیح از زبان بدن مؤثر است:

- فضا را برای استفاده مناسب خود به کار گیرید؛

- از حالات چهره برای بیان احساسات استفاده کنید؛

- به روشنی و با اطمینان صحبت کنید؛

- نفس کشیدن را فراموش نکنید؛

- با مخاطبان خود روبه‌رو شوید.

۱۰-۳-۴. مخاطب‌شناسی

توانایی شناخت مخاطب و اجرایی متناسب با تقاضای مخاطب دو مؤلفه‌ای می‌باشند که در اثربخشی هرچه بیشتر مداحی باید مورد توجه قرار گیرند. مخاطبان را می‌توان از لحاظ تفاوت‌های سنی، قومیتی، جنسیتی و تحصیلات به اقسام مختلفی تقسیم نمود.

در عرصه مداحی، تقسیم‌بندی مخاطب غالباً براساس مخاطب داوطلب و مخاطب غیرداوطلب صورت می‌گیرد.

الف) مخاطب داوطلب: این دسته از مخاطبان - که به اصطلاح هواخواه نیز نامیده می‌شوند - داوطلب حضور در مجالس مداحی‌اند. کار اجرا برای چنین مخاطبانی، از سویی، سخت است، زیرا چنین مخاطبی همیشه همراه با چنینی مجالس یا مداح خاصی است و در انتظار اجرای مراسمی با شیوه جدید است و، از سوی دیگر، چنین اجرایی آسان است، زیرا مداح مخاطب خود را می‌شناسد و مخاطب نیز با مداح آشنایی دارد و، از این رو، اتصال میان مداح و مخاطب به سهولت اتفاق می‌افتد.

ب) مخاطب غیرداوطلب: این نوع از مخاطب به اختیار در جلسه حاضر نشده است و برای وی برقراری ارتباط با مداح یا حتی آنچه که خواهد شنید اهمیت ندارد. وجود چنین مخاطبی برای تقویت مداحی مفید است، زیرا موجب می‌شود مداح تمام مهارت‌های خود را به کارگیرد تا سبب جذب این مخاطب شود. بنابراین، آغاز چنین جلساتی باید با مهارت و تسلط کافی همراه باشد.

۱۰-۳-۵. محیط‌شناسی

مکانی که جلسه اهل بیت علیه السلام در آن برگزار می‌شود تأثیر مستقیم بر اجرای مداحی دارد. محیط و مکان جلسه به دو قسم تقسیم می‌شود:

الف) محیط داخلی جلسه: مکان برگزاری جلسات اقتضائات مخصوص به خود را دارد. مداح اهل بیت علیهم السلام باید نسبت به مکان برگزاری مجالس دقت داشته باشد و شرایط آن مکان را در اجرای خود لحاظ کند. برای نمونه، مکان‌هایی همچون مشاهد مشرفه، امامزاده‌ها و مساجد یک‌سری از اقتضائات را می‌طلبند و برگزاری جلسه در فضای باز یا سر بسته هر کدام نیاز به توجهات خاص خود را دارد. تناسب فضای مکان با جمعیت حاضر نیز یکی دیگر از مواردی است که در محیط داخلی باید نسبت به آن دقیق بود.^۱

ب) محیط خارجی جلسه: شناخت جهت جغرافیایی مکان برگزاری جلسه نیز از موارد حایز اهمیت در اجرا است. توجه به نکاتی مانند میزان جمعیت اهل تشیع و اهل سنت در شهری که جلسه برگزار می‌شود یا تعصبات خاص قومی در منطقه‌ای خاص و یا اتفاقاتی که در گذشته در آن محل رخ داده است اقتضائات خاص خود را می‌طلبند.

۱۰-۳-۶. زمان‌شناسی

یکی دیگر از جهات مهم در امر مداحی زمان‌شناسی است، بدین معنا که مداح اهل بیت علیهم السلام باید بداند برای مداحی چه مقدار زمان در نظر گرفته شده است، تا بتواند با مدیریت صحیح آن، جلسه را به بهترین شکل اجرا کند. همچنین، وی باید نسبت به حوصله مخاطب آگاه باشد و اجرا را متناسب با آن تنظیم کند. گفتمانی است که جلسه مداحی نباید در حین اوقات زمان به طول بینجامد.

خلاصه درس

- مدیریت اجرا در جلسات را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: پیش‌نیازهای مدیریت اجرا و مهارت‌های حین اجرا.

۱. روح‌الله بیطرفان، همان، ص ۲۱۸.

- تسلط علمی و فهم محتوایی از انواع پیش‌نیازهای مدیریت اجرا است.
- مهارت صحیح‌خوانی را در ادای درست کلمات، مکث و پیوند در شعر، تکیه بر واژه و لحن در مداحی تقسیم‌بندی نمود.
- مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و روش‌هایی که با فراگیری و به‌کارگیری آنها به بیانی مناسب دست یافت را فن بیان گویند.
- هنر به‌کارگیری سر و صورت و چشم و دست برای انتقال بهتر مطلب را زبان بدن می‌نامند.
- دقت در مکان برگزاری جلسات از نکات مهم در امر اجرا است.
- یکی از مؤلفه‌های مهم در اجرا توانایی شناخت مخاطب و اجرای مناسب با نیاز آن است.
- توجه به زمان در نظر گرفته شده برای مداحی در مدیریت جلسه امری ضروری است.

پرسش‌ها

۱. فن بیان را تعریف کنید.
 ۲. یکی از اقسام مخاطب را نام برده، به اختصار توضیح دهید.
 ۳. اطمینان به قدرت خود برای انجام کاری خاص را گویند.
 ۴. کدام‌یک از موارد جزء عوامل کاهش خطا در اجرا مراسم مداحی نیست؟
- | | |
|-----------------|-------------------------|
| الف) فیش‌برداری | ج) مرور محتوای مورد نظر |
| ب) خلاصه‌برداری | د) به‌ذهن سپردن محتوا |
۵. جزء مهارت‌های پیش‌نیاز مدیریت اجرا است.
- | | |
|----------------|----------------|
| الف) تسلط علمی | ج) فن بیان |
| ب) صحیح‌خوانی | د) مخاطب‌شناسی |

۶. کدام گزینه جزء لحن‌های مادر به‌شمار نمی‌رود؟

الف) مرثیه ب) نیایش ج) مدح د) حماسی

۷. هریک از مصادیق مربوط به کدام تعریف است؟ متصل نمایید.

الف) نداشتن قبح معنایی و رواج میان مردم ۱. فن بیان

ب) کنترل و مدیریت استرس ۲. زمان‌شناسی

ج) قرارگرفتن در یک موقعیت توأم با احساس قدرت ۳. صحیح‌خوانی

د) توجه به حوصله مخاطب حاضر در جلسه ۴. محیط‌شناسی

۵. زبان بدن

۳. صحیح و غلط را مشخص نمایید.

الف) تشخیص تاکید کلام شاعر از مهارت‌های پیش نیاز اجرا است.

□ ص □ غ

ب) به‌کارگیری واژه آبجی در روضه مورد پذیرش عامه است. □ ص □ غ

ج) لحن مداحی از یکنواختی مجلس جلوگیری می‌کند. □ ص □ غ

د) لحن ستایشی بیشترین شباهت را به لحن نیایشی دارد. □ ص □ غ

درس یازدهم:

چیدمان جلسه

اهداف درس

امید است فراگیر در پایان این درس بتواند به اهداف زیر دست یابد:

- دسته‌بندی کلی جلسات اهل بیت (ع) را نام ببرد؛
 - قالب مراحل روضه و سینه‌زنی را فهرست‌وار بیان کند؛
 - مجلس روضه را از سینه‌زنی تفکیک کند؛
 - قالب کلی جلسات مولودی را برشمارد؛
 - بتواند مطالب جلسه را از ابتدا تا انتها خوب بچیند؛
 - با چیدمان صحیح، جلسه‌ای خوب را اجرا کند.
- درس پیشین به تبیین نیازمندی‌های مدیریت اجرایی جلسه گذشت. براساس آنچه بیان شد، برای مدیریت جلسه، کسب دو دسته مهارت - که شامل مهارت‌های پیش‌نیاز اجرا و مهارت‌های حین اجرا است - ضروری است. در این درس به چیدمان جلسات پرداخته شده‌است. با توجه به اینکه قالب کلی

جلسات اهل بیت علیهم السلام به سه دسته کلی جلسات روضه، مولودی و دعاخوانی تقسیم می‌شود، اجزای تشکیل‌دهنده روضه: شعر، روضه، گریز، سینه‌زنی و دعای پایانی است و قالب اجرایی جلسه مولودی بر محور مدح‌خوانی و سرودخوانی است و، همچنین، مراحل ادعیه‌خوانی از اجزاء مقدمه، متن دعا و دعای پایانی تشکیل شده است.

۱-۱۱. چیدمان جلسات

مجالس اهل بیت علیهم السلام دارای نظم و چیدمانی کلی است، که می‌تواند به فراخور مکان و زمان اجرای مراسم و مخاطبان آن اندکی تغییر یابد.

جلسه‌های متعلق به ائمه معصومین علیهم السلام را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود: جلسات روضه‌خوانی و سینه‌زنی، جلسات مولودی و جلسات مناجات و دعاخوانی؛ هریک از این جلسات اقتضائات و چیدمان خاص خود را می‌طلبند، که در ادامه به اختصار بیان می‌شود.

۱-۱۱-۱. چیدمان جلسات روضه‌خوانی و سینه‌زنی

اغلب این جلسات به دو بخش روضه‌خوانی و سینه‌زنی تقسیم می‌شود که قالب کلی هریک از آن دو عبارت است از:

- روضه‌خوانی شامل صلوات و دعا، شعر مقدمه، شعر اصلی، روضه، گریز و پایان مرثیه؛

- سینه‌زنی شامل دم سینه‌زنی، نوحه، زمینه، واحد کند، واحد تند و حماسی، دو دمه، شور، شعر پایانی و دعا پایانی.

در ادامه، بر هریک از این عناوین توضیحاتی ارائه می‌شود:

الف) مجلس روضه:

یک - صلوات و دعا:

برای شروع مجلس رعایت نکات زیر ضروری است:

- گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»؛

- خواندن دعای سلامتی امام زمان علیه السلام؛

- صلوات.

همچنین، می‌توان از ادعیه و سلام‌هایی که معمولاً در مناسبت‌ها (محرم و صفر، فاطمیه و ماه مبارک رمضان) وارد شده است استفاده نمود.

دو - شعر مقدمه: منظور از شعر مقدمه، شعری است که در اول جلسه خوانده می‌شود و با آن برای ورود به شعر اصلی و موضوع اصلی جلسه فضا سازی می‌شود.^۱ درونمایه این شعر متناسب با موضوع جلسه می‌تواند توحیدی، اخلاقی یا توسل باشد.

چگونگی آغاز مجلس بسیار مهم است و اگر با ابیات مناسب آغاز نشود، گیرایی خود را ازدست می‌دهد. شروع مناسب موجب ارتباط عمیق میان مداح و مخاطب می‌شود.

سه - شعر اصلی: شعری که پس از شعر مقدمه خوانده می‌شود و در آن به موضوع اصلی جلسه پرداخته می‌شود شعر اصلی است. شعر اصلی، ضمن پرداختن به اصل مرثیه، باید به تبیین معارف دینی نیز پردازد. در شعر مرثیه باید با کنایه و غیر مستقیم و دقت خاصی روضه خواند.

چهار - روضه: برای کسب مهارت روضه‌خوانی، نیاز به اصول و فنونی است

که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. جواد برزگر، همان، ص ۱۲۶.

- استفاده از جملات عاطفی و احساسی؛

- مشارکت دادن مخاطب و پاسخ گرفتن از او؛

- رعایت سرعت و فرصت؛

- رعایت فرازونشیب صدا؛

- استفاده از متن عربی مقتل.

پنج - گریز: گریز، در لغت، به معنای فرار کردن و در اصطلاح مداحی، به معنای انتقال ذهن مخاطب از موضوعی به موضوع دیگر با هدف اثرگذاری بیشتر بر عواطف مخاطبان است.

گریزدن یکی از فنون مهم در مداحی است که اگر مداح اهل بیت علیهم السلام آن را به خوبی اجرا کند، بسیار اثرگذار خواهد بود. گریز پر حرارت ترین بخش مرثیه خوانی است که در اصطلاح، به آن «گره» می گویند. مداح اهل بیت علیهم السلام با ایجاد حلقه اتصال مناسب و بجا در گریز در تلاش است که شور و هیجان مخاطب خود را به اوج رساند و مجلس را متحول کند.^۱

نکته قابل ملاحظه در گریز این است که گریز باید از روضه جان سوزتر باشد. از این رو، اکثر گریزها به مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام برمی گردد.

شش - پایان مرثیه: مرثیه را نباید در اوج به اتمام رساند بلکه مداح ابتدا بایستی صدایش را از اوج به مرحله فرود کاهش دهد و سرعت اجرا را نیز کم کند و، سپس، با گرفتن زمزمه از مخاطب و خواندن چند بیت پایانی، مجلس روضه را به اتمام رساند.

توجه به این نکته ضروری است که اگر مجلس فقط محدود به روضه خوانی باشد [یعنی همراه سینه زنی نباشد]، مجلس را باید با دعا کردن خاتمه بخشید.

ب) مجلس سینه‌زنی:

یک - دم شروع سینه‌زنی: این دم به تازگی در مجالس رایج شده است و قبل از نوحه خوانده می‌شود. این دم هرشب در برنامه‌هایی که پشت سرهم برگزار می‌شود، خوانده شده و برای آماده‌سازی مخاطبان است و غالباً، به شکل هم‌خوانی برگزار می‌شود.

دو - نوحه: بیان مصیبت همراه با گریه را نوحه گویند. نوحه یکی از قالب‌های پرکاربرد در مداحی است و معمولاً، پس از مرثیه‌خوانی عرضه می‌شود. نوحه موجب پرشور کردن مجلس و همراه نمودن مخاطب با مداح می‌شود.

سه - زمینه: پس از پایان مرثیه، مداح، با دعوت از مخاطبان، آنها را برای سینه‌زنی دعوت می‌کند. زمینه معمولاً به زبان عامیانه ارائه می‌شود و تعداد بندهای آن محدود است. موضوع زمینه در ارتباط با موضوع مرثیه است.

چهار - واحد کند: شعری که پس از زمینه و به صورت آرام خوانده می‌شود و با آهنگ زمانی فاصله‌دار سینه‌زنی می‌شود را واحد کند گویند؛ در این واحد، مضمون شعر متناسب با گوشه‌هایی از روضه بوده و همراه با مضامین عاطفی است. در واحد کند باید سبک و صدا محزون باشد.

پنج - واحد تند و حماسی: شعری که با آهنگ زمانی کوتاه‌تر در سینه‌زدن و با لحن حماسی خوانده می‌شود، واحد تند و حماسی می‌گویند؛ واحد حماسی ضرب‌آهنگ سریعی دارد و برای مضامین حماسی مناسب است.

شش - دو دمه: این قالب، همان‌گونه که از نامش پیداست، شامل دو دم است که توسط مداح یا میاندار به مخاطبانی که از دو گروه تشکیل شده‌اند،

ارائه می‌شود. از این قالب به عنوان حلقه اتصال میان واحد حماسی و شور استفاده می‌شود.

هفت - شور: شور نوعی سینه‌زنی است که در آن، با زدن بر سر و سینه، ذکر را تکرار می‌کنند. این نوع از سینه‌زنی غالباً در انتهای مراسم ارائه می‌شود و هیجان خاصی به جلسه می‌دهد. محوریت در این قالب با مداح است، برخلاف قالب‌های دیگر که نقش مخاطب در آن پررنگ است.

هشت - سرود پایانی: پس از اتمام سینه‌زنی، بهتر است جلسه با ابیاتی در قالب انتظار و مناجات به پایان برسد.

نه - دعای پایانی: جلسه را باید با دعا کردن به پایان رساند. اگر سخنران یا پیشکشوت در جلسه حاضر باشد، پسندیده است که این مرحله به آنان واگذار شود یا با اجازه آنان صورت پذیرد. در این قسمت، می‌توان از آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ»، دعای فرج و ... بهره جست و با دعا برای تعجیل در فرج، حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و کسب معرف نسبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) و شهدا به پایان برد.

۱۱-۲. چیدمان جلسات مولودی

قالب کلی این جلسات شامل دو بخش مدح خوانی و سرودخوانی است:

الف) مدح خوانی: اشعار مدح در مولودی خوانی به چهار دسته تقسیم می‌شود:

یک - مدح صلواتی: این اشعار به صورت رباعی و دوبیتی سروده می‌شوند و بیشتر در آغاز مراسمات جشن و مولودی به کار می‌روند؛

دو - مدح حماسی: این اشعار اکثراً به صورت قالب‌های بحر طویل سروده می‌شود؛

سه - مدح عاطفی: این اشعار غالباً به شکل ترکیب بند سروده می‌شوند؛
چهار - مدح روایی و داستانی: بحر طویل قالبی است که در مدح روایی و
داستانی نیز به کار گرفته می‌شود.

(ب) سرودخوانی: شورانگیزترین قسمت مجالس مولودی بخش
سرودخوانی است. در سرودها نباید از درونمایه غمگین و حزن‌آلود استفاده
شود.

سبک در مجالس جشن باید شاد و فاخر باشد و، درعین حال، از هرگونه لهو
و لعبی به دور باشد.

سرودها از جهت لحن و آهنگ به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. شاد و
عاطفی، ۲. شاد و حماسی.

۱۱-۱-۳. جلسات مناجات و دعاخوانی

ضابطه اجرای این جلسات در دو محور است: اصول دعا خوانی و مراحل
ادعیه خوانی.

(الف) اصول دعاخوانی: دعاخوانی دارای قواعد و اصولی است که
به اختصار در ذیل آمده است:

- صحیح خواندن عبارات دعا (دقت در اعراب و مخارج حروف)؛
- رعایت وقف و ابتدا؛
- واضح خواندن کلمات؛
- خواندن کلمات دعا به صورت کامل و صحیح؛
- انتخاب سبک مناسب براساس محتوای دعاها؛
- تناسب لحن خواندن با عبارات ادعیه و زیارات [سوالی، خبری یا
تعجبی]؛

- رعایت فراز و فرود صدا؛

- رعایت سرعت و فرصت در اجرای دعا.^۱

ب) مراحل ادعیه خوانی:

یک - مقدمه: رعایت نکات ذیل قبل از اجرا و قرائت دعا مطلوب است:

- شروع با صلوات؛

- خواندن صیغه استغفار یا دعای سلامتی امام زمان علیه السلام؛

- خواندن اشعار متناسب با دعا؛

- زمزمه گرفتن از مخاطب.^۲

دو - متن دعا: گام‌های خواندن متن ادعیه عبارت است از:

- شروع متن دعا با آوای بم؛

- شروع دعا با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛

- ترجمه بعضی از فرازهای دعا؛

- ایجاد ارتباط بین مخاطب و دعا با ذکر جملات احساسی و عاطفی؛

- تکرار جملات مأنوس با مخاطبان؛

- اجرای مرثیه.

مطلوب است این نکات در متن خوانی دعا رعایت شود:

- در ترجمه فرازهای دعا، از جملات نامأنوس استفاده نشود؛

- جملات منتخب برای ترجمه، حاوی مضامین عرفانی، احساسی و

اخلاقی باشد؛

۱. جعفر واضحی آشتیانی و محمد میرزامحمدی، همان، ص ۱۹۵.

۲. جوادبرزگر، همان، ص ۱۶۶.

- اجرای مرثیه در قبل و یا بعد از دعا باشد؛

- از طولانی شدن مرثیه در صورتی که در وسط دعا اجرا شد پرهیز گردد.

سه - دعا‌های پایانی: در دعای پایانی، توجه به مسائل روز امت اسلامی، توجه به مسائل مهم کشور و توجه به مسائل مورد نیاز مردم حایز اهمیت است.

خلاصه درس

- جلسات اهل بیت (علیهم‌السلام) به سه دسته کلی جلسات روضه، مولودی و دعاخوانی تقسیم می‌شود.

- اجزای تشکیل‌دهنده روضه عبارت است از: صلوات و دعا، شعر مقدمه، شعر اصلی، روضه، گریز و پایان مرثیه.

- اجزای تشکیل‌دهنده سینه‌زنی عبارت است از: دم سینه‌زنی، نوحه، زمینه، واحد کند، واحد تند و حماسی، دو دمه، شور، شعر پایانی و دعا پایانی.

- شعر مقدمه، شعری است که در اول جلسه خوانده می‌شود و برای ورود به شعر اصلی می‌باشد.

- شعری که پس از شعر مقدمه خوانده می‌شود و در آن به موضوع اصلی جلسه پرداخته می‌شود را شعر اصلی گویند.

- گریز، در اصطلاح مداحی، به معنای انتقال ذهن مخاطب از موضوعی به موضوع دیگر با هدف اثرگذاری بیشتر بر عواطف مخاطبان است.

- زمینه معمولاً به زبان عامیانه ارائه می‌شود و مداح، با زمینه، مخاطبان را برای سینه‌زنی دعوت می‌کند.

- شعری که پس از زمینه و به صورت آرام خوانده می‌شود و با آهنگ زمانی فاصله‌دار سینه‌زنی می‌شود را واحد کند گویند.

- به شعری که با آهنگ زمانی کوتاه‌تر در سینه‌زدن و با لحن حماسی خوانده می‌شود واحد تند و حماسی می‌گویند.
- به نوعی سینه‌زنی که در آن با زدن بر سر و سینه ذکر را تکرار می‌کنند شور گفته می‌شود.
- جلسات مولودی و جشن شامل دو بخش مدح‌خوانی و سرودخوانی می‌باشد.
- انواع مدح عبارت است از: مدح صلواتی، مدح حماسی، مدح عاطفی و مدح روایی.
- شورانگیزترین قسمت مجالس مولودی بخش سرودخوانی است که به دو دسته شاد عاطفی و شاد حماسی تقسیم می‌شود.
- اصول دعاخوانی و مراحل دعاخوانی دو محور کلی جلسات مناجات و دعاخوانی است.
- مراحل دعاخوانی عبارت است از: مقدمه، متن دعا و دعا‌های پایانی.

پرسش‌ها

۱. انواع مدح را نام برده، به اختصار تعریف کنید.
۲. چهار مورد از اصول دعاخوانی را به اختصار بنویسید.
۳. شورانگیزترین قسمت مجالس مولودی است.
۴. در قالب محوریت با مداح است، برخلاف سایر قالب‌ها که نقش مخاطب در آن پررنگ است.
۵. کدام گزینه جزء مراسم «روضه» شمرده نمی‌شود؟
الف) شعر مقدمه ب) گریز ج) شور د) صلوات و دعا.

۶. کدام گزینه به تازگی در مجالس رایج شده است؟
- الف) دم شروع سینه‌زنی (ب) واحد تند و حماسی (ج) شور (د) دودمه
۷. عبارت غلط را مشخص نمایید.
- الف) در ترجمهٔ فرازهای دعا، از جملات نامأنوس استفاده شود.
- ب) اجرای مرثیه در قبل و یا بعد از دعا باشد.
- ج) مرثیه در وسط دعا، باید کوتاه باشد.
- د) از تکرار جملات مأنوس در دعاخوانی، پرهیز شود.
۸. تعاریف ذیل را به عناوین مربوط متصل نمایید.
- الف) معمولاً تعداد بندهای آن محدود است. ۱. دودمه
- ب) ضرب‌آهنگ سریعی دارد. ۲. واحد کند
- ج) در این قالب می‌اندار نقش دارد. ۳. واحد حماسی
- د) بیان مصیبت همراه با گریه است. ۴. نوحه
۵. زمینه
۹. صحیح و غلط را مشخص نمایید.
- الف) درونمایهٔ شعر مقدمه تبیین معارف دینی است. □ ص □ غ
- ب) استفاده از متن عربی مقتل در گریزدن امری ضروری است. □ ص □ غ
- ج) پر حرارت‌ترین بخش مرثیه‌خوانی شور است. □ ص □ غ
- د) در پایان مرثیه، مداح باید صدایش را از اوج به فرود کاهش دهد. □ ص □ غ

کتابنامه

قرآن کریم.

شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۵.

ابن اثیر، علی بن محمد. اسد الغابه فی معرفة الصحابه، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۷۰ م.

ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی. الأمالی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲. _____ الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.

_____ . علل الشرايع، قم، کتابفروشی داورى، ۱۳۸۵.

ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی. تذکرة الخواص، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۵.

ابن خالد برقی، احمد بن محمد. المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.

ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. تحف العقول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.

ابن طاووس، علی بن موسی. اللهوف علی قتلى الطفوف، تهران، جهان، ۱۳۴۸.

ابن قولويه القمي، جعفر بن محمد. كامل الزيارات، نجف اشرف، دار المرتضوية، ۱۳۵۶.

ابن مشهدي، محمد بن جعفر. المزار الكبير، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۹ق.

ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
ابن هشام، عبد الملك. السيرة النبوية، تحقيق محمد محيي الدين عبد الحميد،
قاهره، مكتبة محمد علي، ۱۳۸۳.

ابوربحان بيروني، محمد بن احمد. الآثار الباقية عن القرون الخالية، تهران،
فردوس، ۱۳۹۰.

اتابكي، جمال الدين ابوالمحاسن. النجوم الزاهرة في ملوك مصر و قاهره، قاهره،
وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۳۹۲ق.

الياسي، اميد. آشنائي با دستگاه هاي موسيقي ايراني، ۱۳۹۶.
بخاري، محمد بن اسماعيل. صحيح بخاري، تربت جام، شيخ الاسلام احمد
جام، ۱۴۰۱ق.

برزگر، جواد. درسنامه مداحي، قم، عصر صادق، ۱۳۹۹.
بعلبكي روى. فرهنگ عربى فارسى المورد، ترجمه محمد مقدس، تهران،
اميركبير، ۱۳۹۳.

بيانات آيت الله مكارم شيرازي در ديدار با اعضاي كنجره امام سجاده^{علیه السلام}، دسترسى در:
۲۵ <https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&mid=317569&catid=6409&typeinfo=4>

مهر ۱۳۹۲.

بيطرفان، روح الله. آداب و اخلاق و علوم مداحي، قم، نويد ظهور، ۱۳۹۳.
پاگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبري. دسترسى در: <https://farsi.khamenei.ir>

_____ . دسترسی در: <https://www.leader.ir>.

پیام آیت الله سیستانی به مناسبت هفته وحدت، دسترسی در:

<http://www.sistani.org/index.php?p=914883&id=684>، ۱۱ مرداد ۱۳۹۱.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتاب
الإسلامی، ۱۴۱۰ق.

جبران، مسعود. الرائد: فرهنگ الفبایی عربی - فارسی، ترجمه رضا انزابی نژاد،
مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۶.

جوان، حمیدرضا و ایرج ساعی ارسى. شناخت موسیقی دستگاهی ایران به
روایت محمدرضا لطفی، تهران، کتاب نارون، ۱۴۰۰.

چلکووسکی، پیتر. تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داوود حاتمی، تهران،
علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

حرّ عاملی، محمد بن حسن. الفصول المهمّة فی اصول الائمة، قم، مؤسسه
معارف اسلامی، ۱۳۷۶.

_____ . وسائل الشيعة، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.

حسینی رکن آبادی، سید مهدی. فرهنگ اصطلاحات مداحی، تهران، خیمه،
۱۳۹۶.

حسینی زبیدی، محمد مرتضی. تاج العروس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

خوارزمی، محمد بن احمد. مقتل الحسین، قم، انوار الهدی، ۱۳۹۷.

خویی، ابوالقاسم. معجم الرجال الحديث، قم، موسسه الخوئی الاسلامیة،
۱۳۷۲.

دهخدا، علی اکبر. لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

قزوینی رازی، عبد الجلیل. النقص، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.

حسینی خامنه‌ای. سید علی. اجوبة الاستفتاات، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰. شفيعی کدکنی، محمدرضا. ادوار شعر فارسی: از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران، سخن، ۱۳۹۹.

صابری یزدی، علیرضا. الحكم الزاهرة، ترجمه محمدرضا انصاری، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

طبری، محمد بن جریر. تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوك)، بیروت، مؤسسة عزالدین، ۱۴۱۳ق.

عکبری بغدادی (شیخ مفید)، محمد بن محمد بن نعمان. مسار الشيعة، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ق.

عمید، حسن. فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱. فتوحی، محمود و حبیب‌الله عباسی. درسنامه دانشگاهی فارسی عمومی، تهران، سخن، ۱۳۹۸.

فقیهی، علی اصغر. آل بویه و اوضاع زمان ایشان، تهران، صبا، ۱۳۵۷. _____ . آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، تهران، صبا، ۱۳۶۵.

فلسفی، نصرالله. زندگانی شاه عباس اول، تهران، علمی، ۱۳۷۵. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق. لائو، راجر. صدای خود را آزاد کنید، ترجمه سیروس نویدان، تهران، دنیای نو، ۱۳۸۶.

مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء تراث العربی، ۱۴۰۳ق. محدثی، جواد. فرهنگ عاشورا، تهران، معروف، ۱۳۷۴.

محمودی، سید محسن. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.

مدرس، محمدعلی. ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة أو اللقب، تهران، خیام، ۱۳۶۹.

مطهری، مرتضی. آشنایی با علوم اسلامی: کلام، عرفان، حکمت عملی، تهران، صدرا، ۱۳۷۷.

معین محمد. فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
مکارم شیرازی، ناصر. مناسک جامع حج، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۶.

نوری، حسین بن محمدتقی. لؤلؤ و مرجان، تهران، عابدی.
نوری همدانی، حسین. هزار و یک مسئله فقهی، قم، مهدی موعود (عج).
واصفی، زین الدین محمود. بدایع الوقایع، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
واضحی آشتیانی، جعفر و محمد میرزاحمدی. درسنامه فن رثاء، قم، ذکری، ۱۳۹۷.

هاشمی رفسنجانی، اکبر. فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
هالیستر، جان نور من. تشیع در هند، ترجمه آرمیدخت و مشایخ فریدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.

Hormoz, farhat. The dastgah concept in Persian music, cambridge, Cambridge university press, 2004.

<https://iqna.ir/fa/news/3855255>.

<https://makarem.ir/ahkam/fa/category/index/46953>.

<https://www.makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=21&catid=46953>.

<https://www.mashregnews.ir/news/14923>.

<https://www.pasokhkadeh.ir/10180>.

<https://www.saafi.com/book/2599>.

<https://www.sistani.org/persian/qa/0975>.